



آموزش تاریخ

فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی

دوره سیزدهم، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۰



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

- ۲ روایتگری سنتی تاریخ در جامعه ایرانی و امکان بهره گیری از آن در آموزش تاریخ / دکتر عبدالرسول خیراندیش
- ۶ تاریخ بعد از اسلام در گفت و گو با دکتر حسین مفتخری / گفت و گو: حشمت الله سلیمی
- ۱۱ رویکرد سیستمی در تدوین کتابها و شیوه های تدریس تاریخ / نازنین موفق
- ۱۴ دوروش در تدریس تاریخ / مرثیه زحمتکشسان
- ۱۷ اصول طراحی آزمون تاریخ / امیر کلبعلی
- ۲۲ جنگ های تاریخ بشر و تأثیر آنها / یعقوب توکلی
- ۳۰ درگذشت ایرج افشار / اکرم علیخانی
- ۳۲ ایران و ایرانیان در حیات مردان نامی / رحیم شبانه
- ۳۸ ایرانیان در دیوان سالاری حکومت سلاجقه روم / فاطمه تقوایی
- ۴۶ دیدار از شهر ممنوعه / جعفر ربانی
- ۵۰ سفری به سرزمین آفتاب (جام) / علی اکبر شهابادی، افسانه آینه بیگی
- ۵۴ همایش سالانه دبیرخانه راهبردی درس تاریخ کشور / امیراکرم محمدی
- ۵۵ خبر
- ۵۸ معرفی کتاب / اکرم علیخانی
- ۶۰ تاریخ در پایگاه های خبری / مژگان عقیقی

مدیر مسئول: محمدناصری
سر دبیر: دکتر عبدالرسول خیراندیش
مدیر داخلی: مسعود جوادیان
هیئت تحریریه: دکتر عطاءالله حسنی
دکتر عبدالرسول خیراندیش
دکتر نصرالله صالحی
دکتر منصور صفت گل
دکتر جواد عباسی
دکتر حسین مفتخری
دکتر طوبی فاضلی پور
عباس پرتوی مقدم
مسعود جوادیان
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: مهسا قباپی

نشانی مجله:
تهران صندوق پستی ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۵۱۱۰ و ۷۷۳۳۶۶۵۶
نمبر: ۸۸۳۰۱۴۷۸
تلفن مجله: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹
داخلی: ۲۵۰

پیام گیر نشریات رشد:
۸۸۳۰۱۴۸۲-۸۸۸۳۹۲۳۲
مدیر مسئول: ۱۰۲
دفتر مجله: ۱۱۳
امور مشترکین: ۱۱۴
رایانامه: tarikh@roshdmag.ir
وبگاه: www.roshmag.ir
چاپ: شرکت افست (سهام عام)
شمارگان: ۸۶۰۰ نسخه



روایتگری سنتی تاریخ در جامعه ایرانی

امکان بهره‌گیری از آن در آموزش تاریخ

دکتر عبدالرسول خیراندیش

تا پیش از آن‌که آموزش‌های رسمی همگانی متداول شود و رسانه‌ها همه‌کس و همه‌جا را زیر پوشش و تأثیر خود بگیرند، در جامعه ایرانی، افراد و فعالیت‌های فرهنگی خاصی وجود داشتند که وظیفه آموزش تاریخ را برای همگان انجام می‌دادند؛ از جمله:

نقالان: به کسی که در قهوه‌خانه‌ها و مجالس مشابه آن، داستان‌های شاهنامه را برای مردم می‌خواند، نقال می‌گفتند. نقال‌ها تمامی شاهنامه یا منتخبی از آن را از حفظ داشتند و با مهارت بسیار و با آب و تاب فراوان، از اعمال و فرجام پهلوانان سخن می‌گفتند. شاهنامه‌خوان‌های مشهوری در گوشه و کنار ایران، مجالس شاهنامه‌خوانی برپا می‌کردند. نقال‌ها برای سهولت فعالیت خود، نوشته‌هایی جزوه‌مانند داشتند که از معروف‌ترین آن‌ها کتاب «طومار نقالان» معروف به «هفت‌لشکر» و نیز «کلیات رستم‌نامه» است.

گوسان‌ها: در جامعه قدیم ایرانی و به احتمال پیش از مکتوب شدن حماسه‌ها، اشخاصی موسوم به گوسان وجود داشتند که روایتگر داستان‌های تاریخی و پهلوانی بودند. درواقع، گوسان‌ها در شکل‌گیری روایت شفاهی تاریخ‌ها و حماسه‌ها نقش مهمی داشتند.

خنیاکران: خنیاکر، به داستان‌سرایی می‌گفتند که با بهره‌گیری از موسیقی، داستان‌های حماسی را به صورت تصنیف برای مردم می‌خواند.

مرشدهای زورخانه: از گذشته تاکنون، مرشدهای زورخانه‌ها با بهره‌گیری از صدای خوب و رسای ضرب، اشعاری را که جنبه تربیتی داشت، برای ورزشکاران می‌خواند. آن‌ها داستان‌های پهلوانی شاهنامه را هم با ضرب برای مردم بازگو می‌کنند.

درویش‌های دوره‌گرد: تا چند دهه قبل، درویش‌هایی با کشکول در کوچه و بازار می‌گشتند و با صدای گیرا و لباسی جالب، اشعاری در مدح علی(ع) می‌خواندند. اگرچه آن‌ها با این روش پول مختصری به دست می‌آوردند. آن‌چنان که بعضی آن‌ها را گلدایی می‌دانستند. اما درواقع کاری انجام می‌دادند. درویش‌های دوره‌گرد با توانایی و دانشی که برای خوانندگی داشتند، به خصوص تاریخ و داستان‌های مذهبی را ترویج می‌دادند.

روضه‌خوان: از گذشته تا امروز همواره کسانی بوده و هستند که با روضه‌خوانی تاریخ، روزگار ائمه(ع) و وقایعی را که بر آن‌ها گذشته است، بازگو می‌کنند. اگرچه اصل و اساس کار روضه‌خوانان دینی است و هدف و مقصود دینی دارد، اما مواد و مطالب مورد استفاده آن‌ها محتوای تاریخی دارد. کتاب‌های بسیاری نیز در این زمینه نوشته شده است مثل: «روضه‌الشهدا» نوشته ملاحسین کاشفی، «مختارنامه» و «طوفان‌البکاء».

که جنبه مذهبی دارد، بیشتر اجرا می‌شود. در دوره قاجاریه در تهران، محل خاصی برای تعزیه‌خوانی وجود داشت به نام «تکیه دولت» هم‌اکنون نیز در بعضی از شهرها و روستاهای ایران،

تا پیش از آن که آموزش‌های رسمی همگانی متداول شود و رسانه‌ها همه کس و همه جا را زیر پوشش و تأثیر خود بگیرند، در جامعه ایرانی، افراد و فعالیت‌های فرهنگی خاصی وجود داشتند که وظیفه آموزش تاریخ را برای همگان انجام می‌دادند

شبیه‌خوانی به‌طور مداوم اجرا می‌شود. حتی افراد و خانواده‌ها به‌صورت سنتی و موروثی عهده‌دار انجام آن هستند. در مورد چگونگی برگزاری چنین نمایش‌هایی، مقالات و کتاب‌هایی هم نوشته شده است. در سال‌های اخیر، تعزیه‌خوانی با بهره‌گیری از امکانات جدید نیز اجرا می‌شود.

پرده‌خوانان: یکی از شیوه‌های انتقال مضامین تاریخی، دینی و ملی، پرده‌خوانی بوده است. پرده‌خوانان پرده‌ای بزرگ داشتند که روی آن تصویرهای متعددی به‌صورت حساب‌شده‌ای وجود داشت.

مناقب‌خوانان: در قرون گذشته، گروهی طرفدار اهل بیت وجود داشتند که در ذکر فضایل علی (ع) و خاندانش شعر می‌سرودند و مداحی می‌کردند. امروزه آنان را با عنوان مداح می‌شناسند. کتاب‌هایی مانند «علی‌نامه» و «حملة حیدری» شامل نمونه‌هایی از این گونه اشعار است.

شعرا: تا پیش از دوره جدید، در مناسبت‌ها و اعیاد گوناگون، شاعران سروده‌هایشان را درباره یک شخصیت تاریخی اعم از دینی یا ملی عرضه می‌کردند. با توجه به تأثیر شعر بر ذهن مخاطب، شعرا با ارائه مضامین تاریخی در شعر و یا اشاره به مناسبت روز، دانش تاریخی مردم را گسترده‌تر می‌ساختند.

سووشون: در جامعه قدیم ایرانی، مراسمی به یاد سیاوش، شاهزاده مقتول ایرانی، برگزار می‌شده است که بدان سیاوشان یا سووشون می‌گفته‌اند. این مراسم با سروده‌ها و نمایش‌هایی همراه بوده است. **نرشخی** نویسنده کتاب «تاریخ بخارا» در قرن پنجم، از برپایی مراسم سوگ سیاوش در بخارا و اطراف آن یاد می‌کند.

قصه‌خوانان: در گذشته که کتاب اندک بود و فقط به‌صورت دستی نوشته می‌شد، قصه یا به‌طور کلی مضامین ادبی بیشتر به‌صورت شفاهی انتقال می‌یافت. در این حال کسانی بودند که قصه‌های بسیاری را فراگرفته بودند و آن‌ها را برای مردمان بازگو می‌کردند. مجالس شبانه یا پس از فراغت از کار روزانه، زمان فعالیت قصه‌خوانان بود. حتی در قهوه‌خانه‌ها، حمام‌ها و مهمانی‌ها، مردم به داستان‌سرایی قصه‌خوانان گوش فرامی‌دادند.

دفتر خوانان: به مانند قصه‌گوها، کسانی هم بوده‌اند که از مجموع داستان‌های تاریخی، دفتری (گزیده‌ای) فراهم می‌ساختند. سپس با حضور در مجالس عمومی یا منازل مردم، برای آن‌ها از روی دفتر قصه‌گویی می‌کردند. به‌طور معمول، افراد ثروتمند، دفتر خوانان را به خانه‌های خود دعوت می‌کردند تا برای اهل منزل و همسایگان قصه بگویند. کتاب‌هایی نظیر «داراب‌نامه طوسی» از این طریق به دست ما رسیده است.

عاشیق‌ها: در آذربایجان، داستان‌گوهایی با استفاده از تار و صدای خوب و رسا، اقدام به خواندن اشعار می‌کردند. موضوع این اشعار هر چند متنوع بود، اما بیشتر سرگذشت پهلوانان و دلدادگان را دربرمی‌گرفت.

بخشی‌ها: در شمال خراسان و میان ترکمانان، افرادی وجود داشتند که با استفاده از ساز دوتار نوازندگی می‌کردند و به همراه آن کار خواندن را هم انجام می‌دادند. بخشی‌ها نیز داستان‌های عاشقانه یا پهلوانی را بازگو می‌کردند.

شبیه‌خوانان: کسانی را که در نمایش‌های مذهبی تعزیه شرکت می‌کنند، شبیه‌خوان می‌نامند. آن‌ها با بهره‌گیری از هنر نمایش که نوع خاص مذهبی آن را تعزیه می‌نامند وقایع مربوط به نهضت امام حسین (ع) را بازگو می‌کنند. اساس داستان‌هایی که در تعزیه بدان می‌پردازند، واقعه کربلا یا مربوط بدان است. اما در همه حال، یک واقعه تاریخی را به‌صورت نمایش اجرا می‌کنند. تعزیه هم‌اکنون نیز رواج دارد و به‌خصوص در روزهای

با بهره‌گیری از تعداد معینی از این تصویرها، عناصر لازم برای نقل روایت فراهم می‌شد. پرده‌خوانان در حالی که پرده نقاشی خود را به دیوار یا یک داربست می‌آویختند و مردم به‌صورت نیم‌دایره مقابل آن به تماشا می‌ایستادند، روایت مورد نظرشان را عرضه می‌کردند. این فعالیت هنری که هم سمعی و هم بصری بود، با بیان گرم پرده‌خوان، حاضران را سخت تحت‌تأثیر قرار می‌داد، تا حدود پنجاه سال پیش، پرده‌خوانی رواج بسیار داشت.

پهلوانان دوره‌گرد: در سال‌های گذشته، پهلوانان دوره‌گردی وجود داشتند که از یک آبادی به آبادی دیگر می‌رفتند و با انجام کارهای ورزشی و نمایشی، اقدام به شاهنامه‌خوانی یا ذکر مناقب مولای متقیان می‌کردند.

شرح نقش برجسته‌ها و نقاشی‌ها: در ایران باستان، ایجاد نقش برجسته، بر سینه صخره‌ها یا با استفاده از گچ‌کاری رایج بوده است که نمونه‌های بسیاری از آن را می‌توان مشاهده کرد. موضوع این نقش برجسته‌ها صحنه‌های بزم و رزم و شکار است. در دوره‌های زند و قاجار، بار دیگر ساخت چنین نقش برجسته‌هایی رواج گرفت. در قهوه‌خانه‌ها، زورخانه‌ها، قسمت ورودی حمام‌ها و بسیاری جاهای دیگر، با استفاده از گچ‌بری و کاشی‌کاری نیز رویدادهای اساطیری و تاریخی نقاشی می‌شد. همه این نقش‌ها و نقاشی‌ها، برای بینندگان روایتگر تاریخ گذشته بود. گاهی افراد مطلع نیز به شرح و توضیح آن‌ها اقدام می‌کردند.

نرشنی نویسنده کتاب «تاریخ بخارا» در قرن پنجم، از برپایی مراسم سوگ سیاوش در بخارا و اطراف آن یاد می‌کند

آنچه تا این‌جا ذکر شد، بدون‌شک فقط تعدادی از فعالیت‌ها و مشاغلی بود که راویان با بهره‌گیری از آن‌ها، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، به نقل روایات تاریخی دینی و ملی برای همگان می‌پرداختند. این راویان در دوره‌ای که اکثریت بالایی از جمعیت بی‌سواد و فاقد امکانات خواندن و نوشتن بودند و نیز کتاب و معلم به میزان اندکی وجود داشت، با بهره‌گیری از این فعالیت‌ها و مشاغل، به خوبی و به‌نحوی تأثیرگذار، آموزش شفاهی همگانی تاریخ را انجام می‌دادند. این‌گونه فعالیت‌ها نه‌تنها برای جامعه گذشته ایرانی واجد اهمیت بسیار بود و نشان می‌دهد که تا چه اندازه فرهنگ عمومی جامعه به دانش و حافظه تاریخی خود به‌عنوان عاملی هویت‌بخش و وحدت‌آفرین اهتمام داشته است، از پیشرفت قابل توجه ایرانیان در زمینه آموزش همگانی تاریخی نیز حکایت می‌کند. هرچند در جوامع دیگر نیز چنین شیوه‌ها و وسایلی وجود داشته است، اما تنوع و تعدد آن‌ها در ایران، به‌خودی‌خود نکته قابل توجهی به‌شمار می‌آید. بر همه این‌ها باید قصه‌گویی مادران در جمع فرزندان یا داستان‌گویی دوستان در میان هم‌سن‌وسالان را هم اضافه کرد.

از نکات جالب توجه شیوه‌های نقل شفاهی تاریخی برای همگان آن است که:

۱. این آموزش‌ها برای همگان و بدون هیچ محدودیت سنی، جنسی، طبقاتی و شغلی و به‌صورت رایگان بوده است.
۲. هیچ محدودیت موضوعی برای آن مطرح نبوده و محتوای روایت در چارچوب فرهنگ مورد قبول و رایج جامعه شکل می‌گرفته است.
۳. قضاوت‌ها، ارزش‌ها و اهداف ناظر بر این نقالی‌ها، برخاسته از روح جمعی و هم‌گرایی اجتماعی و فرهنگی، و فارغ از تعارضات احتمالی درونی جامعه بوده است.
۴. روایتگران در شیوه ارائه و گزینش عناصر روایت، آزادی عمل کامل داشته‌اند و موضوع و طرح روایت خود را متناسب با زمان و مکان در نظر می‌گرفتند. این شیوه عمل آزادانه، قابلیت انطباق و انعطاف بسیاری به آنان می‌داد.

۵. شنوندگان به اختیار و انتخاب خویش گرد روایتگران جمع می‌شدند و الزام و اجبار و امتحان و تحمل هزینه و هر آنچه که بر زور و فشار و امثال آن مبتنی باشد، در کار نبوده است. حتی شنوندگان گاه در انتخاب موضوع روایت دخالت و درخواست خود را مطرح می‌کردند. نیز جمعیت در مواضع خاصی از روایت دخالت می‌کردند و با گریه یا خنده، صلوات یا نفرین و امثال آن، به نکته‌ای خاص در روایتی واکنش نشان می‌داد و هم‌چنان که خود از روایتگر تأثیر می‌پذیرفتند، بر او تأثیر نیز می‌گذاشتند.

امروزه بخشی از این شیوه‌های روایتگری دیگر وجود ندارد و بخشی دیگر هم‌چنان دیده می‌شود. نیز بخش‌هایی از این روش‌ها را کتاب‌های درسی یا رادیو و تلویزیون برعهده گرفته‌اند.

۶. در روایتگری سنتی جامعه ایرانی، راوی و شنوندگان چهره‌به‌چهره با هم در تماس بودند و همگان از حضور در جمع تأثیر می‌پذیرفتند.

امروزه که نظام رسمی تعلیم و تربیت، مخارج، وقت و نیروی انسانی بسیاری را صرف دروسی مانند تاریخ می‌کند تا از آن در توسعه فرهنگ عمومی، تعلیمات همگانی و تربیت شهروند مطلوب و یا ایجاد و تحکیم هویت ملی و دینی، نتایج مشخصی به‌دست آورد، جا دارد که از تجربه‌های روایتگری سنتی بهره‌گیرد و با نوسازی آن، هم میراث فرهنگی را حفظ کند و تداوم بخشد و هم به بهره‌وری بیشتری در امر آموزش تاریخ دست یابد. بدون‌شک، دانش و آموزش تاریخ با وسعت و پیچیدگی خاصی که پیدا کرده است، در سطحی بالاتر از روایتگری سنتی قرار دارد و نمی‌توان آن را به تنهایی وافی به مقصود دانست. نیز شرایط ناظر بر حفظ اسناداردهای ملی هر برنامه آموزشی، قواعد و ضروریات خاص خود را می‌طلبد. با همه این احوال، نکات شش‌گانه‌ای که با بررسی خصوصیات روایتگری سنتی بدان اشاره شد، موارد قابل توجهی در خود دارد که موجب می‌شود آموزش تاریخ از پویایی، کارایی و آزادی عمل خاصی برخوردار باشد. حال اگر مشکلات درس تاریخ مانند بی‌میلی دانش‌آموز، کسالت‌بار بودن بعضی از ساعات، فاقد جنبه ذوقی بودن بعضی از مواد درسی و نظایر آن را در نظر بگیریم، ابعاد مثبت‌تری از روایتگری سنتی در نظر خواهد آمد. در بعضی از کشورها، سطوح پایین آموزش رسمی تاریخ، فقط به صورت شفاهی و بدون تکلیف و کتاب و امتحان است. حتی سعی می‌شود از فیلم، سریال، نمایش، کارناوال و موسیقی برای آموزش تاریخ استفاده شود و نیز بازدید از آثار باستانی و موزه‌ها و یادمان‌ها به صورت مداوم صورت گیرد. این همه نشان می‌دهد که به منظور ایجاد پویایی و نشاط در آموزش تاریخ، بهره‌گیری از بخش‌هایی از سنت روایتگری، یعنی همان آموزش شفاهی همگانی، می‌تواند مفید باشد. نه در گذشته و نه در زمان حال، این امر به هیچ وجه نفی‌کننده سطح دانشگاهی و حرفه‌ای آموزش و پژوهش علمی تاریخ نخواهد بود. زیرا هریک کارکرد و جایگاه خاص خود را دارند.

هم‌اکنون نیز در بعضی از

شهرها و روستاهای ایران،
شبیه‌خوانی به‌طور مداوم
اجرا می‌شود. حتی افراد و
خانواده‌ها به صورت سنتی و
موروثی عهده‌دار انجام آن
هستند. در مورد چگونگی
برگزاری چنین نمایش‌هایی،
مقالات و کتاب‌هایی هم
نوشته شده است. در
سال‌های اخیر، تعزیه‌خوانی
با بهره‌گیری از امکانات
جدید نیز اجرا می‌شود

هرچه در تاریخ جلو می‌رویم نگاه ما به گذشته متفاوت می‌شود

تاریخ بعد از اسلام در گفت‌وگو با دکتر حسین مفتخری

اشاره

دکتر حسین مفتخری، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت معلم تهران، از جمله اساتیدی است که با علاقه قدم در عرصه تحصیل و آموزش تاریخ گذاشته است. به منظور بهره‌گیری از تجارب ارزنده ایشان در عرصه آموزش و پژوهش‌های تاریخی، مصاحبه‌ای با ایشان انجام شده که حاوی نظرات ارزشمندی است. با توجه به مفصل بودن این مصاحبه، بخش اول آن در این شماره از نظر خوانندگان مجله می‌گذرد و بخش دیگر در شماره آینده مجله چاپ خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: حسین مفتخری، تاریخ‌نگاری.

○ آقای مفتخری شمه‌ای از سوابق تحصیلی و آموزشی‌تان را بیان کنید.

● به نام خدا. بنده در سال ۱۳۴۱ در اراک متولد شدم. اما بنابر این از بدو تولد در تهران زندگی کرده‌ام و تمامی مراحل تحصیلی‌ام را در تهران گذرانده‌ام. دوره متوسطه را در دبیرستان ابوریحان گذراندم و در سال ۱۳۵۹ در رشته ریاضی دیپلم گرفتم و با آغاز انقلاب فرهنگی و تعطیلی موقت دانشگاه‌ها مواجه شدم. در سال ۱۳۶۲ همراه با اولین گروه از دانشجویان که بعد از انقلاب فرهنگی وارد دانشگاه شدند، در رشته تاریخ دانشگاه تربیت معلم پذیرفته شدم و تحصیلات دانشگاهی را در دانشگاه تربیت معلم تهران آغاز کردم. رشته تحصیلی‌ام در دوره دبیرستان، رشته ریاضی بود، اما به‌خاطر علاقه‌ای که به علوم انسانی داشتم در گروه علوم انسانی شرکت کردم. اولین رشته‌ای هم که انتخاب کردم رشته تاریخ بود. دوره کارشناسی رشته تاریخ را در سال ۶۶ به پایان رساندم و در همان سال در مقطع فوق‌لیسانس در دانشگاه تهران پذیرفته شدم. در سال ۶۹ از مقطع فوق‌لیسانس فارغ‌التحصیل و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم شدم و همزمان

تحصیل در دوره دکتری را در دانشگاه تربیت مدرس آغاز کردم. دوره دکتری را در سال ۷۵ به پایان رساندم، اما از سال ۶۹ تدریس در دانشگاه تربیت‌معلم را شروع کردم.

○ عنوان پایان‌نامه‌های شما در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری چه بود؟ کدام اساتید استاد راهنمای شما بودند و بر چه اساسی موضوع پایان‌نامه‌های خود را انتخاب کردید؟

● من علاقه خاصی به تاریخ ایران و اسلام و به ویژه به مقطع ورود اسلام به ایران داشتم و هنوز هم این علاقه را دارم و بیشتر مطالعاتم را در این دوره خاص متمرکز کرده‌ام. موضوع پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشدم خوارج در ایران تا پایان قرن سوم هجری بود که با راهنمایی آقای دکتر مصدق انجام شد. جا دارد که در این جا یادای هم از ایشان بکنیم. این پایان‌نامه به‌صورت کتاب هم منتشر شد. موضوع پایان‌نامه دوره دکتری، بحثی تحت عنوان عوامل سیاسی-اجتماعی مؤثر در گِروِش به اسلام در ایران تا پایان عهد اموی بود که به راهنمایی آقای دکتر هادی عالم‌زاده به انجام رسید. هر دو پایان‌نامه مربوط به دوره انتقال

از عصر ساسانی به عصر اسلامی است. ○ بجز آقایان دکتر مصدق و دکتر عالم‌زاده، با کدام اساتید بیشتر درس داشتید؟ نکات برجسته علمی، آموزشی و اخلاقی این اساتید را اگر ممکن است برای خوانندگان مجله بیان بفرمایید.

● تقریباً با همه اساتیدی که نسل قبل از من بودند، درس داشتم و از محضر آنان بهره‌مند شده‌ام و مدیون همه آنان هستم. از عده‌ای از این اساتید به‌صورت حضوری و از برخی دیگر به‌صورت غیرحضوری و از طریق نوشته‌هایشان بهره برده‌ام و بر خودم فرض می‌دانم که از همه اساتیدم سپاسگزاری کنم. نام بردن از برخی از این اساتید به معنی بی‌توجهی به زحمات بقیه نیست. بعضی از این اساتید مثل مرحوم دکتر رضوانی، دکتر مشکور، دکتر خواجه‌یوان، دکتر حائری، دکتر کسایی و دکتر نوایی به رحمت خدا رفته‌اند. برای بقیه عمر با عزت و برکت طلب می‌کنم.

○ بعد از پایان‌نامه دکتری، فعالیت‌های پژوهشی شما بیشتر در مورد همان دو-سه قرن اولیه و ورود اسلام به ایران و بحث خوارج بوده، یا در مورد موضوعات و دوره‌های دیگر هم پژوهش داشته‌اید؟



هرچه در تاریخ جلو می‌رویم نگاهمان
به گذشته متفاوت می‌شود



● بیشتر کارهایی که انجام داده‌ام، چه به‌صورت راهنمایی پایان‌نامه‌های دانشجویی اعم از کارشناسی ارشد و دکترا و نیز مقالاتی که نوشته‌ام، در همین حوزه ایران در قرون نخستین اسلامی با تأکید بر قیام‌ها و فرّقه و مذاهب است. درواقع علاقه خاص بنده تاریخ فرّقه و مذاهب یا همان ملل و نحل بوده. البته فرّقه و مذاهب را از دید تاریخی بررسی کرده‌ام، نه از دید کلامی. بنابراین، آنچه را که در قالب مقالات هست و نیز پایان‌نامه‌ها، عمدتاً در این باره است.

○ آیا در پژوهش‌های این حوزه خاص و موضوعات مربوط به آن، خلأئی احساس می‌شود؟ به نظر شما موضوعاتی هست که هنوز کار اساسی در مورد آن انجام نشده باشد؟

● من بحثی را می‌خواستم خدمت شما مطرح بکنم. بعضی دانشجویان وقتی می‌خواهند پایان‌نامه‌ای را شروع کنند به آن‌ها می‌گویند که موضوع تکراری است. من با این نظر مخالفم چون معتقدم هر نسلی تاریخ خودش را می‌نویسد. بنابراین هیچ تاریخی نمی‌تواند تکراری باشد. اگر ما از منظرهای گوناگون به یک موضوع بنگریم می‌توانیم تحقیقات متفاوتی راجع به همان موضوع ارائه دهیم. بنابراین همیشه جا برای کار کردن حتی برای موضوعاتی که قبلاً کار شده وجود دارد، مشروط به این که ما زاویه دیدمان را عوض کنیم و از منظر جدیدی به موضوع بنگریم و مسئله و سؤالات متعددی را عرضه کنیم.

به همین دلیل هرچه در تاریخ جلو می‌رویم نگاهمان به گذشته متفاوت می‌شود. یک مثالی من خدمتتان عرض کنم. نزدیک به ۱۴۰۰ سال است که در مورد قیام امام حسین (ع) کتاب نوشته می‌شود، ولی هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند آخرین کتاب را در این زمینه نوشته و دیگر نیازی به تحقیق نیست. این به دلیل این است که تفسیرهای

متفاوتی از واقع وجود دارد و ما به همان میزان که در تاریخ به جلو حرکت می‌کنیم، نگاهمان به گذشته متفاوت می‌شود. بنابراین در این زمینه با وجود تحقیقات فراوانی که صورت گرفته همیشه جا برای کار کردن وجود دارد. اما مهمترین مسأله قرون نخستین اسلامی و بحث ورود اسلام به ایران چگونگی و چرایی آن است.

با وجود همه دیدگاه‌های متفاوتی که در این زمینه تاکنون ارائه شده و کتاب‌های فراوانی که در این زمینه نوشته شده باز هم می‌توان از منظر دیگری به این موضوع نگریست و مسأله را با شکل دیگری بیان کرد. بنابراین راه تحقیق همیشه باز است و آخرین کتاب تاریخ را آخرین مورخ خواهد نوشت.

○ چه موضوعاتی مورد علاقه‌تان و در راستای پایان‌نامه‌تان بوده؟ تألیفاتی که در این زمینه داشته‌اید را برای خوانندگان معرفی کنید.

● باید این را هم تکمیل بکنم که طبیعتاً هر مورخی به یک بخش از تاریخ بیشتر علاقه دارد و در آن زمینه مطالعه می‌کند و تلاش

می‌کند در آن زمینه تخصصی به‌دست آورد اما به نظر من همه مورخین می‌باید موضوع دیگری را هم مورد بررسی قرار دهند و در کنار کار تاریخی‌شان از آن غافل نباشند.

این مبحث مشترک، در مورد مبانی علم تاریخ است. همه مورخین بایستی در مسائل مربوط به اصول و مبانی علم تاریخ و به تعبیری فلسفه تاریخ و مباحث نظری تاریخ هم تلاش کنند، مطالعه کنند، برای این‌که مطالعات تاریخی را بتوانند تنویریه کنند. ما برای این‌که دست‌آورد جدیدی در مورد تاریخ داشته باشیم باید نگاه و منظر جدیدی داشته باشیم و این مستلزم تسلط بر مبانی نظری تاریخ است.

این زمینه جزء علاقه اصلی بوده و سعی کرده‌ام در این زمینه هم کار کنم. به موازات مطالعات و تحقیقاتی که درباره ایران دوره قرون نخستین انجام داده‌ام، به این قسمت هم توجه داشته‌ام. بخشی از مقالاتی که تألیف کرده‌ام در مورد مباحث تاریخی است، ولی بعضی از آن‌ها مربوط به مباحث نظری تاریخ است که عمدتاً در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا چاپ شده

و به‌زودی با تغییرات و اصلاحاتی در کتابی تحت عنوان «مبانی علم تاریخ» از سوی انتشارات سمت منتشر خواهد شد. کتاب دیگری که منتشر کرده‌ام یکی همان پایان‌نامه کارشناسی ارشد است که با اصلاحات و تغییراتی تحت عنوان «خوارج در ایران» منتشر شد. دیگری کتاب «تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان» است.

باید اضافه کنم به تاریخ معاصر هم علاقه‌مندم. در این زمینه کتابی از انگلیسی ترجمه کرده‌ام تحت عنوان «ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری» تألیف آقای محمد امجد که از سوی انتشارات «باز» منتشر شده. کتاب دیگری هم به‌صورت مشترک با یکی از دوستان ترجمه کرده‌ام ولی بنابه دلایلی منتشر نشده است، تحت عنوان «غلات شیعه» که کتاب بسیار مهمی است در مورد شناخت فرقه‌های غالی شیعه.

○ ممنون و متشکرم آقای دکتر، با توجه به این‌که موضوع تخصصی شما ورود اسلام به ایران است، برای خوانندگان

همه مورخین بایستی در مسائل مربوط به اصول و مبانی علم تاریخ و به تعبیری فلسفه تاریخ و مباحث نظری تاریخ هم تلاش کنند، مطالعه کنند، برای این‌که مطالعات تاریخی را بتوانند تنویریه کنند



مجله توضیح دهید که چه عواملی باعث شد که با وجود فتوحات مسلمانان در ایران شاخصه‌های هویت ایرانی باقی بماند و استمرار پیدا کند؟ خودتان روی چه مسائلی در این مورد تأکید دارید؟

● البته همان‌طور که می‌دانید ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در جایی قرار گرفته که در طول تاریخ در معرض حملات مختلف اقوام از شرق و غرب بوده. چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام ما با هجوم‌های زیادی مواجه شدیم اما ورود اعراب مسلمان به ایران از این جهت با سایر حملات تفاوت دارد که تأثیرات ماندگاری بر تاریخ ایران گذارده، به گونه‌ای که مقسم تاریخ ایران ورود اسلام قرار گرفته است و از تاریخ ایران تحت‌عنوان ایران قبل از اسلام و ایران بعد از اسلام نام برده می‌شود. درحالی‌که و حوادث و حملات دیگری به ایران شده ولی تأثیراتش آن‌چنان نبوده است که در سرنوشت و زندگی امروز ما تأثیر بگذارد.

اما در مورد سؤال شما همان‌طور که می‌دانید اسلام در مناطق مختلفی نفوذ یافت، هم تحت تأثیر فرهنگ‌های مختلف

قرار گرفت و هم از جنبه‌های زبانی و فرهنگی بر فرهنگ‌های مختلف تأثیر گذاشت. در بعضی از مناطق افریقا و آسیا که امروز می‌بینیم زبان‌شان عربی است بعد از ورود مسلمانان آن‌ها عرب شدند اما ایران این‌گونه نشد. این می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد که یک بخشی از آن شاید مربوط به میزان مهاجرت قبایل عرب باشد که در بعضی از مناطق بیشتر از ایران بود. مثلاً در مقایسه با ایران، در بین‌النهرین (عراق) سوریه و مصر که زمینه قبلی حضور اعراب را داشته‌ایم، اما نکته مهمتر هم به توان فرهنگی جامعه ایران برمی‌گردد که همیشه آمادگی برای جذب فرهنگ‌های مختلف را داشته و دروازه‌ها را به سوی فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف نبسته، و هم از سوی دیگر به تساهل و تسامح مسلمانان برمی‌گردد که در برخورد با اقوام دیگر از خود نشان دادند.

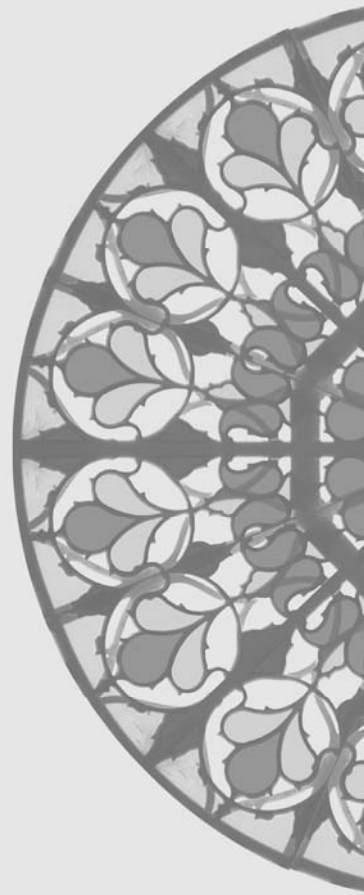
اعراب مسلمان خیلی اصراری بر عرب شدن ایران نداشتند. حتی در مورد بحث گِروِش ایرانیان به اسلام هم ما این مسأله را می‌بینیم که یک روند تدریجی را طی می‌کند و طی یک فرآیند چندقرنه این واقعه رخ می‌دهد. بنابراین ایرانیان مسلمان می‌شوند ولی عرب نمی‌شوند. یک نوع تفکیک میان اسلام و عرب را از سوی ایرانیان شاهد هستیم. اما به‌هر حال اسلام به هر منطقه‌ای که رفته تا حدودی تحت تأثیر فرهنگ‌های آن مناطق قرار گرفته و در بعضی از جنبه‌ها تأثیر گذاشته است در ایران هم تقریباً همان وضعیت رخ داده است.

○ استاد، با توجه به این که پایان‌نامه فوق‌لیسانس شما در مورد خوارج بوده، شما میزان تأثیرگذاری این فرقه در سیستم و تحولاتی که در شرق ایجاد شده را چگونه می‌بینید؟

● باید توجه کنیم که در بحث چگونگی گِروِش ایرانیان به اسلام فرقه‌های اسلامی مخالف با خلافت اموی نقش تأثیرگذاری

داشتند از قبیل شیعیان، خوارج و پاره‌ای از مرجئه. خوارج گرچه خاستگاهشان عراق بود ولی به‌زودی تحت فشار قرار گرفتند و از آن‌جا بیرون رفتند. بخشی از آن‌ها به شمال آفریقا رفتند و در میان بربرها منتشر شدند. اما بعضی از فرق آن‌ها به سمت جنوب ایران آمدند و رفته‌رفته از فارس به کرمان و از کرمان به سیستان رفتند. سیستان چندین قرن یکی از کانون‌های اصلی خوارج بود. حدود سه قرن خوارج در سیستان و اطراف آن تا جنوب خراسان و بخش‌هایی از کرمان سیطره نظامی و سیاسی داشتند. اما از قرن سوم به بعد با ظهور یعقوب لیث ما شاهد این هستیم که خوارج به تدریج به یک فرقه مذهبی تبدیل می‌شوند و از فعالیت نظامی آن‌ها کاسته می‌شود. از قرن هفتم-هشتم به بعد هم تقریباً اثری از حضور خوارج در این منطقه نمی‌بینیم و کانون خوارج فقط بیشتر در عمان باقی می‌ماند آن‌هم معتدل‌ترین فرقه خوارج که اباضیه هستند.

اصولاً تندروترین فرقه‌های خوارج به سمت ایران آمدند مانند ازارقه. علی‌رغم این‌که خوارج شعار تساوی طلبانه و عدالت‌خواهانه مطرح می‌کردند (که می‌توانست مایه جذب موالی و ایرانیان باشد) به لحاظ سختگیری که در برخورد با سایر مسلمانان داشتند نتوانستند بخش معتناهی از مردم ایران را به سمت خودشان جذب کنند و به‌صورت مزوی در گوشه‌هایی از ایران باقی ماندند و تأثیرشان در مناطق جنوبی و شرقی ایران بود. اما آشوب‌های نظامی که در آن مناطق ایجاد می‌شود و درگیری‌هایی که خلافت با خوارج دارد، منجر به پیدایش جریانی به نام مطوّعه و عیاران می‌شود که از دل این‌ها صفاریان بیرون می‌آیند. درواقع خوارج به‌طور غیرمستقیم یا ناخودآگاه در پیدایش اولین سلسله‌های مستقل یا نیمه‌مستقل ایرانی نقش داشتند. طاهریان،





کلیدواژه‌ها: تدریس تاریخ، رویکرد سیستمی، تدوین کتاب.

پیش‌گفتار

تشکیل همایش‌ها و جلسه‌های متعدد نقد و بررسی در سطح کشوری و استانی در سال‌های اخیر، به‌ویژه در رابطه با تدوین کتاب‌های درس تاریخ از یک‌سو، و توجه به نظرات دبیران که در خط اول اجرای فرایند آموزشی قرار دارند، در مورد مشکلات موجود در امر تدریس تاریخ، افت انگیزه دانش‌آموزان نسبت به این درس و نیز تحقق نیافتن اهداف آموزشی مورد انتظار به گونه‌ای مناسب از سوی دیگر، علاقه و توجه تمامی دست‌اندرکاران آموزش تاریخ را به آسیب‌شناسی، بازنگری و اتخاذ رویکردهای جدید نشان می‌دهد.

نقش **ابومسلم** هم نقش کمی نیست. برخلاف عبارت منصور که به ابومسلم گفت اگر گریه کوری هم به جای تو بود این کار را می‌توانست انجام دهد، نمی‌توان از نقش ابومسلم گذشت. اما از یک نکته غافل نباشیم. این عبارت منصور حاوی پاره‌ای از حقیقت هم است. و این حقیقت این است که قیام عباسیان قیامی سازماندهی شده بود و یک تشکیلات دقیق آن را رهبری می‌کرد. هسته مرکزی قیام عباسی از خاندان عباسی بودند و اگر آن‌ها را عرب بدانیم بنابراین رهبری این قیام در دست آن‌ها بود و هدایتش با آن‌ها بود که در حقیقت قرار داشتند و بعداً در کوفه.

اما خود عباسیان هم از ابتدا تکیه اصلی قیامشان را بر **موالی** ایرانی قرار دادند و نه بر قبایل عرب. عباسیان برخلاف بنی‌امیه احساسات عربی را دامن نمی‌زدند و بعد از این‌که روی کار آمدند از ایرانیان در بخش‌های اداری استفاده کردند. بنابراین نمی‌توان به‌طور قطع در این زمینه صحبت کرد که این قیام، قیام عربی است یا ایرانی و شاید کسانی که آن‌موقع در این قیام شرکت کردند با این نگاه که ما با امروز به آن می‌نگریم نگاه نمی‌کردند و بحث نژادی در این قیام کمتر بوده.

شعار عباسیان به گونه‌ای بود که همه طیف‌های سیاسی، مذهبی رادبرمی‌گرفت و همه این طیف‌ها تصور می‌کردند که این قیام در راستای اهداف آن‌هاست. برخلاف خوارج که معتقد بودند که هر که با ما نیست علیه ماست، عباسیان شعارشان این بود که هر که علیه ما نیست با ماست. بنابراین با شعار **الرضا من آل محمد** همه را هم به سمت خود جذب کردند. به قول یکی از محققین هنر عباسیان این بود که قیامی ترتیب دادند که هم بندگان و هم اربابان آن‌ها در این قیام شرکت کردند، حتی زرتشتیان و سایر اقلیت‌های قومی مذهبی دیگر.

مأمور سرکوب خوارج بودند. فلسفه پیدایش طاهریان را باید بیشتر در نقشی که برعهده دارند، یعنی سرکوب خوارج، دید. صفاریان هم که از دل عیاران بیرون آمدند درواقع برای آرام کردن اوضاع از هرج‌ومرجی که خوارج ایجاد کرده بودند سر برآوردند و توانستند اولین سلسله مستقل ایرانی را تشکیل بدهند.

○ **آقای دکتر من در مورد انتقال خلافت از بنی‌امیه به بنی‌عباس می‌خواهم سؤالی مطرح کنم. همیشه روی این بحث که نقش اصلی در انتقال خلافت را ایرانیان ایفا کرده‌اند، تأکید شده. با توجه به این‌که در خراسان عصر اموی تعداد زیادی از قبایل عرب در خراسان بودند و اختلافات خودشان را به آن منطقه منتقل کرده بودند، ارزیابی شما از میزان تأثیر این قبایل در قیام ابومسلم چیست؟**

● همان‌طور که اشاره کردید در این زمینه حداقل دو دیدگاه مقابل هم وجود دارد. مورخین عمدتاً ایرانی و پاره‌ای از مستشرقین قیام عباسی را قیامی با ماهیت ایرانی و علیه عرب می‌دانند. می‌گویند که ایرانیان در جنگ زاب تلافی جنگ قادسیه را درآوردند. تلاش این مورخان بر این است که نقش ایرانیان را برجسته‌تر نشان بدهند و قیام را اصولاً دارای ماهیتی ایرانی بدانند، البته با پررنگ کردن نقش ابومسلم. متقابلاً برخی از مورخین عرب مانند محمد عبدالحی شعبان در کتاب انقلاب عباسیان نظرشان این است که این قیام ماهیتی عربی داشته و ایرانیان نقش چندانی در این قیام نداشته‌اند و داعیان ایرانی عباسی هم عامل و کارگزار عباسیان بوده‌اند. اما اگر بخواهیم با شواهد تاریخی به موضوع نگاه کنیم بدنه اصلی قیام را ایرانیان تشکیل می‌دهند. هرچند قبایل عرب در خراسان حضور دارند، اما نقش اصلی را در خراسان ایرانیان ایفا می‌کنند.



وزارت آموزش و پرورش و سازمان‌های وابسته، از این جهت که متولی امر بنیادی و بسیار مهم آموزش دانش، پرورش شخصیت، مسئولیت‌پذیری، خودباوری و نیز هویت‌یابی برای جوانان آینده‌ساز این مرز و بوم هستند و با توجه به این‌که آموزش درست تاریخ می‌تواند نقش مهمی در تحقق این رسالت ایفا کند، باید همواره جلوتر و بیشتر از هر سازمان دیگر، طالب و مشوق نقد و بررسی اهداف و روش‌های اجرایی خود باشند. انجام نقد و بررسی و آسیب‌شناسی، نشانه‌ای از پویایی و تضمین‌کننده تداوم اصلاحات در راستای به‌کارگیری شیوه‌های مؤثرتر نظری و عملی به منظور دست‌یابی به اهداف مطلوب است. کوشش‌های انجام‌گرفته، بیانگر توجه همگان به امر پژوهش، پژوهشگری و پیدا کردن راه‌حل‌های جدید است و نیز گامی مثبت و ارزنده در مسیر بهبود فرایند آموزش محسوب می‌شود. هم‌چنین، تلاش‌های فراوان و ابتکارات برخی از دبیران در سراسر کشور در استفاده از شیوه‌های نوین تدریس در جهت افزایش علاقه دانش‌آموزان، اگرچه جنبه فراگیر ندارد، توانسته است نتایج مثبت و مؤثری را به‌بار بنشاند. در این نوشتار، نکاتی به‌اختصار در مورد آسیب‌شناسی عوامل تأثیرگذار در فرایند آموزشی و رویکرد نظام‌دار به آن و نیز درباره تدوین کتاب‌های درسی و شیوه‌های تدریس، ارائه می‌شود.

رویکرد سیستمی در تدوین کتاب‌ها و شیوه‌های تدریس تاریخ

نازنین موفق

رویکرد نظام‌دار در آسیب‌شناسی

در سال‌های اخیر، تلاش‌ها و اقدامات مثبتی در مسیر نقد و بررسی مؤلفه‌های مؤثر در فرایند آموزش تاریخ، به گونه جداگانه و مجزا برای هریک از آن‌ها و با تمرکز بیشتر بر تدوین کتاب‌های درسی، صورت گرفته و در برخی از موارد بهبود نسبی نیز به‌دست آمده است. نقد و بررسی و بازنگری جداگانه این عوامل، بدون در نظر گرفتن وابستگی و تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر، هماهنگی و هم‌سویی لازم بین آن‌ها، امکانات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مورد نیاز برای انجام اصلاحات در مورد هریک از عوامل و نیز بررسی نتایج بازنگری آن‌ها به‌طور مستقل از یکدیگر، نمی‌تواند اثربخشی مناسب داشته باشد. در این باره، برای نمونه، پرسش‌های زیر مطرح است:

آسیب‌شناسی

همان‌گونه که اشاره شد، لازمه پویایی هر سازمان و در نتیجه تلاش مداوم برای دست‌یابی به اهداف و شیوه‌های مطلوب، نقد و بررسی اهداف فعلی، سیاست‌ها و روش‌های اجرایی خود است. سنجش، مقایسه و بازنگری و اصلاح سیاست‌ها و روش‌ها، از طریق شناخت کاستی‌ها، موانع و مشکلات، موضوع آسیب‌شناسی است. باید توجه کرد که بررسی‌های آسیب‌شناختی، زمانی بهره‌ورتر و مؤثرتر خواهند بود که:

- به‌گونه‌ای پیوسته و مداوم در طول اجرای طرح‌ها و روش‌ها انجام گیرد تا از پدیدار شدن اثرات منفی و ناخواسته تصمیمات که از بین بردن آن‌ها به تغییرات وسیع‌تر و هزینه‌های بیشتر نیاز خواهد داشت، جلوگیری کند.

- آسیب‌شناسی و اتخاذ تصمیم در مورد بازنگری‌ها باید واقع‌گرایانه انجام پذیرد. آموزش و پرورش به گونه یک سیستم باز، تأثیرپذیر از محیط اطراف و بیرونی، خود از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ارزشی، و جهانی است و در نتیجه هرگونه بازنگری در تدوین و اجرای طرح‌ها و روش‌ها، باید با در نظر گرفتن واقعیت‌های محیط اطراف انجام گیرد. به این ترتیب، با انتخاب سیاست‌های مناسب، بر محیط بیرونی خود نیز تأثیرگذار خواهد شد و به اهداف مطلوب خود خواهد رسید. از این‌رو، در تدوین اهداف و روش‌های اجرا، توجه جدی به عوامل زمان و مکان، داده‌های امروز، نیاز نسل جوان، آینده‌نگری و پژوهش در مورد داده‌های فردا، سرعت تغییرات و تحولات در دنیای کوچک کنونی، ویژگی‌های دوران ارتباطات و اطلاعات و برچیده شدن مرزها، ضروری خواهد بود.



تدوین کتاب‌های درسی و شیوه‌های تدریس

همان‌گونه که اشاره شد، مؤلفه‌های متعددی بر فرایند آموزشی تأثیر گذارند (هدف اصلی و اصول حاکم در تبیین نگرش تاریخی، تدوین کتاب‌های درسی، الگوهای تدریس، شیوه‌های ارزش‌یابی، آموزش و آماده‌سازی معلمان و...). با توجه به فرصت محدود، نکات و پیشنهاداتی درباره تدریس کتاب‌های درسی و شیوه‌های تدریس ارائه می‌شود:

نکات

- اگرچه در سال‌های اخیر، با توجه به نظرات همه همکاران گرامی درباره حجم کتاب‌ها، شیوه نثر، محتوا، سرفصل‌ها، اسناد و تصاویر و تعداد ساعات درس متناسب و...، تغییرات و اصلاحات مفیدی در تدوین کتاب‌های درسی صورت گرفته است. اما هنوز در ساختار و دیدگاه حاکم بر تدوین آن‌ها، تحولی اساسی مطلوب به وجود نیامده است.
- پایه و اساس و محتوای کتاب‌های درسی تاریخ بر «نقل وقایع و رویدادها» بنا شده است و «وقایع‌نگاری»، محور اصلی آن‌ها را تشکیل می‌دهد.
- «فایده تاریخ» و «درس‌آموزی از تاریخ»، در میان انبوهی از رخدادها و حوادث پنهان مانده است.
- حجم کتاب زیاد است و بیش از اندازه به «نقل» جزئیات و حاشیه‌ها پرداخته شده است. در نتیجه درباره «نقد» رویدادهای تاریخ‌ساز و انسان‌ساز و تجارب ارزشمند گذشتگان در رابطه با فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، معنوی و عمران و آبادانی، توجه کافی و مورد انتظار مشاهده نمی‌شود.
- محتوای کتاب‌های درسی بیشتر پاسخ‌مدار و کمتر پرسش‌مدار هستند.
- آموزش سنتی و کتاب‌محور کنونی نیز، مانند شیوه تدوین کتاب‌های درسی، بر پایه توصف و نقل وقایع و در بیشتر مواقع به صورت یکسویه، شکل گرفته است.
- نسل جوان امروز بیش از گذشته طالب تجزیه و تحلیل و بررسی‌های مستدل است. آن‌ها می‌خواهند پرسش‌های خود را مطرح و پاسخ‌های مناسب دریافت و حس کنجکاوی‌شان را ارضا کنند.
- آموزش سنتی و نحوه یاددهی-یادگیری فعلی که بر مبنای «گفتن-شنیدن-حفظ کردن» و بدون مشارکت دانش‌آموزان استوار است، خود مانعی برای افزایش انگیزه محسوب می‌شود.
- آموزش سنتی توانایی پاسخ به سؤال را در دانش‌آموز تقویت می‌کند و نه توان نقد و پرسشگری را.
- دانش‌آموزان بدون درس‌آموزی و شناخت تجربه‌ها و تجزیه تحلیل آزمون‌ها و خطاهای گذشته، برای کاربرد در مسیر حال و آینده خود، تنها به حفظ وقایع و رویدادها می‌پردازند و این موضوع باعث کاهش جاذبه فراگیری تاریخ شده است.

● چگونه می‌توان تحولی در نگرش بر تدوین کتاب‌های درسی ایجاد کرد، بدون آن‌که در شیوه‌های تدریس، تغییرات مناسب و هماهنگ به وجود آید؟

● چگونه می‌توان «فایده تاریخ»، «درس‌آموزی از تاریخ» و «هویت‌یابی» را در راستای افزایش انگیزه و علاقه دانش‌آموزان و دست‌یابی به اهداف مطلوب آموزشی، با آموزش مهارت‌ها و شیوه‌های تجزیه و تحلیل تبیین کرد، درحالی‌که ارزش‌یابی به گونه سنتی و بر مبنای محفوظات صورت گیرد؟

● چگونه می‌توان شیوه‌ها و الگوهای نوین تدریس را به صورت یکنواخت و در تمامی دبیرستان‌ها و هنرستان‌های کشور و نه به گونه منفرد از سوی برخی از دبیران تلاشگر، به اجرا گذاشت؛ بدون آن‌که معلمان را آماده کنیم؛ به گونه‌ای که بتوانند دستاوردهای جدید آموزشی را به کار برند و نیز از صلاحیت‌های شناختی، مهارتی و عاطفی که در مجموع، صلاحیت تأثیرگذاری بر دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد، برخوردار باشند.

از این‌رو به نظر می‌رسد، برای رفع کاستی‌ها و ناهماهنگی‌های موجود و نیز افزایش کارآمدی، توجه به تمامی عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در فرایند آموزشی به صورت یکپارچه و یک «سیستم» و اتخاذ رویکرد «سیستمی» در آسیب‌شناسی آن‌ها، همراه با «بازخورد کلی» سیستم برای سنجش و شناخت اثرات اعمال هرگونه تغییر و تحول و بازنگری، ضروری خواهد بود. بدین ترتیب، در طول زمان و با پیشرفت اجرای طرح‌ها و روش‌ها، نسبت به رفع به موقع نواقص و کمبودهای مؤلفه‌های فرایند آموزشی، به گونه‌ای هماهنگ اقدام و اصلاحات لازم انجام خواهد گرفت.

پیشنهادهای

- ساختار به‌ویژه محتوای کتاب‌های درسی در راستای تقویت مهارت‌ها، خودآدراسی و خودفهمی دانش‌آموزان و نقد وقایع و رویدادها به‌جای نقل صرف وقایع، متحول شود.
- جزئیات و حاشیه‌ها حذف و در نتیجه حجم کتاب کمتر شود و به تجزیه و تحلیل، و درستی و نادرستی تجربه‌های گذشتگان به‌صورت واقع‌گرایانه، بیشتر توجه شود.
- ساختار کتاب در کل و نیز برای هر درس می‌تواند شامل دو بخش باشد: یک بخش برای دانش و آگاهی از داده‌ها و نکات اصلی وقایع و رویدادها و بخش دیگر برای تجزیه و تحلیل، پردازش و نقد داده‌ها و رویدادهای تاریخی و نتیجه‌گیری از آن‌ها.
- از شیوه‌نویساری کمتر و از نمودارها و دیاگرام‌ها در سنجش، مقایسه و تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی در جهت تأمل و تفکر بیشتر از سوی دانش‌آموزان برای درک وقایع، بیشتر استفاده شود.
- در رویکردهای جدید تدریس، به پرورش استعداد برای طرح سؤال از سوی دانش‌آموزان توجه شود تا توانایی فراگیرنده را نسبت به ارزیابی دانسته‌ها و ندانسته‌های خویش پرورش دهد.
- در شیوه‌های جدید تدریس، انباشتن انبوهی از اطلاعات و داده‌ها در ذهن دانش‌آموزان ملاک نیست و روش یادگیری و کیفیت آن مورد توجه است. داده‌هایی که به ذهن سپرده شوند، ممکن است در آینده به‌خاطر آورده شوند، اما مطالب و درسی که یاد گرفته شود، در آینده به کار گرفته خواهد شد.
- استفاده و به‌کارگیری الگوهای فعال تدریس و بهره‌گیری از وسایل کمک‌آموزشی، در راستای آموزش مهارت‌ها و شیوه‌های نقد و تجزیه و تحلیل و چگونگی یادگیری به دانش‌آموزان و در نتیجه افزایش انگیزه آنان، مورد توجه و تأکید قرار گیرد.
- روش‌ها و الگوهای فعال تدریس باید به صورت فراگیر، در تمام مدارس متوسطه و به‌طور رسمی، به جای روش عرضه اطلاعات، اجرا و به کار گرفته شود.

برای رفع کاستی‌ها و ناهماهنگی‌های موجود و نیز افزایش کارآمدی، توجه به تمامی عوامل و مؤلفه‌های مؤثر در فرایند آموزشی به‌صورت یکپارچه و یک «سیستم» و اتخاذ رویکرد «سیستمی» در آسیب‌شناسی آن‌ها، همراه با «بازخورد کلی» سیستم برای سنجش و شناخت اثرات اعمال هرگونه تغییر و تحول و بازنگری، ضروری خواهد بود

دوروش در تدریس تاریخ

مژده زحمتکشان

دبیر علوم اجتماعی. شیراز

کلیدواژه‌ها: تاریخ، آموزش تاریخ، خلاقیت.

رشد مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی، تقویت اعتماد به نفس، تقویت و گسترش مهارت‌های ذهنی و فیزیکی و طرز تفکر یعنی دانستن، توانستن و خواستن، از نتایج کلاس‌های مشارکتی محسوب می‌شود.

آموزش تاریخ با یادگیری مشارکتی

مقدمه

خوشبختانه آموزش تاریخ به روش فعال روزبه‌روز در میان همکاران بیشتر رواج می‌یابد. در یادگیری فعال و مشارکتی، معلم به جای این‌که خود را عرضه‌کننده دانش و مفاهیم به دانش‌آموز بداند، روند یادگیری را اداره و تسهیل می‌کند. تجارب پژوهشی نشان می‌دهد، یادگیری با رویکرد مشارکتی، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را ارتقا می‌بخشد و موجب می‌شود دانش‌آموزان از تجارب یادگیری خود لذت ببرند. هم‌چنین،

فرم پنج مرحله‌ای روش ساختن گرایی، تاریخ پایه سوم راهنمایی، درس (دوم)

معلم پرسشی را مطرح می‌کند. این پرسش می‌تواند از طریق پخش فیلم و یا نشان دادن تصاویر باشد. به‌طور مثال: چرا قزلباش‌ها که نیروی نظامی صفویان بودند، توسط شاه‌عباس سرکوب شدند؟ آیا این سرکوب، صفویان را دچار مشکل نکرد؟

مرحله اول، انگیزش

دانش‌آموزان در گروه‌های خود به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. سپس نتیجه بحث را به‌صورت گزارش ارائه می‌دهند.

مرحله دوم، جست‌وجوی

هر گروه نتایج بحث گروه خود را مطرح می‌کند و در صورت لزوم، به پرسش‌های دانش‌آموزان دیگر گروه‌ها پاسخ می‌دهد. ممکن است نتیجه بحث این گونه باشد:

۱. به علت خیانت، قزلباش‌ها سرکوب شدند.
۲. شاه از قدرت زیاد آنان وحشت داشت و...

مرحله سوم، تشریح

معلم منابع تاریخی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد، مانند فیلم، کتاب، جزوه و غیره. فراگیرندگان پس از مشاهده فیلم یا مطالعه کتاب، دانسته‌های خود را با پاسخ صحیح مطابقت می‌دهند. در صورت لزوم، معلم نیز توضیحات کافی می‌دهد و آنان را راهنمایی می‌کند.

مرحله چهارم، گسترش

دانش‌آموزان کار خود را ارزیابی می‌کنند. این کار به دو روش انجام می‌شود:

۱. هر گروه کار خود را ارزیابی می‌کند (خودارزیابی)
۲. هر گروه کار دیگر گروه‌ها را ارزیابی می‌کند (دگرازیابی).

البته قبل از آن، معیارهای ارزیابی باید مشخص شود.

مرحله پنجم، ارزشیابی

روش ساختن گرایی

از نظر طبقه‌بندی، روش ساختن گرایی جزو روش‌های فعال و اکتشافی است که بر تولید، کنترل و تعمیم دانش تأکید می‌کند. اکثر صاحب‌نظران مشهور تعلیم و تربیت، مدافع این روش هستند، زیرا در ساخت گرایی، به دستاوردهای شخصی و تولید و ابداع روش‌ها و مفاهیم توجه خاصی می‌شود. در فرایند تدریس ساختن گرایی، معلم و امکانات، تسهیل‌کننده هستند و جزو خدمات آموزشی به حساب می‌آیند. بنابراین، در این روش، دانش‌آموز در تولید فهم و شناسایی نقش اساسی را ایفا می‌کند. امروزه، رویکرد آموزش به نوآوری، خلاقیت و تولید دانش است و این مهم باید یکی از ویژگی‌های روش تدریس مناسب باشد تا جریان تدریس، بر اصل تعامل یادگیرندگان با محیط و کشف حقایق بنا شود.

جست‌وجوی فعالانه فراگیرندگان از طریق فعالیت‌های گوناگون برای کشف راه‌حل‌ها، مفاهیم، اصول و قوانین، یکی از اهداف مهم در این روش است. داشتن روحیه کاوشگری برای ایجاد سؤال، طراحی، اجرا، ابداع و به‌دست آوردن جواب نیز از ویژگی‌های روش ساختن گرایی است.

آموزش تاریخ از طریق بازی و مسابقه

«هنگامی که دل‌ها نشاط یافتند، علم و کمال را در آن‌ها به ودیعه بگذارید و هرگاه از نشاط تهی و گریزان شدند، آن‌ها را وداع کنید؛ زیرا دل‌ها در چنین حالتی آماده فراگیری علم نیستند.»

[بحارالانوار، جلد ۷۸، ص ۳۷۹]

جان دیویی، دانشمند معروف تعلیم و تربیت نیز در مورد علاقه و انگیزه‌های درونی فراگیرنده می‌گوید: «علاقه جرقه‌ای است که بدون آن، شعله یادگیری فروزان نمی‌شود. یادگیری امری دوسویه است و به توافق هر دو طرف نیاز دارد. به این ترتیب، معلم نمی‌تواند بدون توجه به انگیزه و علاقه دانش‌آموزان تدریس کند، زیرا تدریس تزریق نیست.

انجام مسابقه و سرگرمی و بازی در کلاس تاریخ باعث ایجاد انگیزه و شور و نشاط خواهد شد.

شما دبیر گرامی می‌توانید پس از مطالعه و بررسی این بازی و رفع نقایص احتمالی آن، شور و نشاط را به کلاس خود هدیه کنید.

پاسخ‌های درست و نادرست را از هم جدا کن و علت را توضیح بده

درس تاریخ پایه دوم درس شماره ۳

کارت‌های دانش‌آموز B هم همین جملات است. هر کدام سریع‌تر پاسخ صحیح را مشخص کرد و پاسخ‌های صحیح بیشتری داد، برنده بازی است. پیشنهاد: می‌توان هنگامی که دانش‌آموزان مشغول باز کردن پاکت و جدا کردن جملات درست و نادرست هستند، نوعی موسیقی را که معمولاً در مسابقات استفاده می‌شود، پخش کرد تا این کار در آرامش انجام شود و احیاناً بقیه دانش‌آموزان به جای حرف زدن، موسیقی را گوش دهند. در تهیه کارت‌ها می‌توان از رنگ‌های گوناگون استفاده کرد.

منابع

۱. فضلی‌خانی، منوچهر. راهنمای عملی روش‌های مشارکتی و فعال در فرایند تدریس. آزمون نوین. تهران. ۱۳۸۲.
۲. بورس، جویس و همکاران. الگوهای تدریس. ترجمه محمد رضا بهرنکی. مرکز ترجمه و نشر کتاب. تهران. ۱۳۷۳.

مراحل اجرا

ابتدا معلم با توجه به موضوع درس، جملاتی را روی کارت‌هایی می‌نویسد. این جملات به دو صورت درست و نادرست نوشته می‌شوند و در دو پاکت جداگانه قرار می‌گیرند. سپس دو دانش‌آموز برای اجرای مسابقه آماده می‌شوند. دانش‌آموز A و دانش‌آموز B. هر دو دانش‌آموز هم‌زمان در پاکت‌ها را باز می‌کنند و در زمان تعیین شده، کارت‌های صحیح و غلط را جدا می‌کنند و درباره درست یا نادرست بودن آن توضیح می‌دهند.

توجه: جملات درست و نادرست هر دو دانش‌آموز A و B یکی هستند و هنگامی که پاسخ می‌دهند، معلم در ابتدا در مورد درست بودن یا نبودن آن توضیحی نمی‌دهد و پس از توضیح دانش‌آموز B، اگر لازم بود توضیح می‌دهد و مشخص می‌کند که پاسخشان صحیح بوده است یا نه.

با مثال صفحه بعد، مراحل بازی روشن‌تر می‌شود.

انجام مسابقه و سرگرمی و بازی در کلاس تاریخ باعث ایجاد انگیزه و شور و نشاط خواهد شد.





اصول طراحی آزمون تاریخ

براساس معیارها و اصول حاکم بر حیطه شناختی

امیر کلبعلی

دبیر تاریخ. کرمان

اشاره

از آنجا که در نظام آموزش و پرورش ما، یکی از ارکان و معیارهای اساسی توسعه و پیشرفت، اتکا به نتایج به دست آمده از ارزشیابی‌های پایان سال تحصیلی است، لذا در این راستا آگاهی و وقوف بر ساختار طرح سؤال و چگونگی استفاده از انواع سؤالات استاندارد توسط معلمان، به‌ویژه دبیران تاریخ، از بدیهی‌ترین و ضروری‌ترین شاخصه‌های مهارتی-شغلی آنان محسوب می‌شود، چرا که طرح سؤال با استانداردهای معین و تعریف‌شده باعث می‌گردد تا یک نوع ارزشیابی استاندارد صورت گیرد و به دانش‌آموزان نیز این مجال را می‌دهد تا آموخته‌های طول دوران تحصیل خودشان را بیازمایند و بروز دهند و فوری‌ترین پیامد آن، بالا رفتن سطح قبولی دانش‌آموزان به همراه تعمیق بخشیدن به آموزش صحیح است. بنابراین، مربی و معلم باید با ویژگی‌های سؤالات حیطه شناختی که شامل: دانش، درک و فهم، کار بستن، تحلیل، ترکیب و ارزشیابی است، و نیز انواع پرسش‌های عینی که زیرمجموعه حیطه شناختی است، آشنا شود تا گام جدی و مؤثری در بهینه‌برگزار شدن فرایند اجرای امتحان بردارد.

مقدمه

بی‌گمان هیچ عقل سلیمی نخواهد پذیرفت که کشوری، بدون باور جایگاه واقعی آموزش و پرورش، پیشرفت خواهد کرد. البته مقصود از جایگاه واقعی آموزش و پرورش، علمی کردن معلمان و بالا بردن توانمندی‌ها و کاربردی‌های فناورانه آنان در عرصه تعلیم و تربیت است که یکی از راه‌های آن، برگزاری آزمون‌های ضمن خدمت متناسب با نیاز آموزشی و پرورشی کشور است. در این راستا باید تعادلی جدی میان برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برقرار شود، زیرا به بالندگی منجر خواهد شد. لذا در این راستا تلاشی جدی صورت گرفت تا از میان نظریات پژوهشگران خارجی و داخلی، وجیزه‌ای هرچند پر قصور اما مؤثر و کاربردی تهیه شود تا مورد توجه و امعان نظر همکاران خصوصاً دبیران تاریخ قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: حیطه شناسی، آزمون، امتحان، پرسش، طرح سؤال.

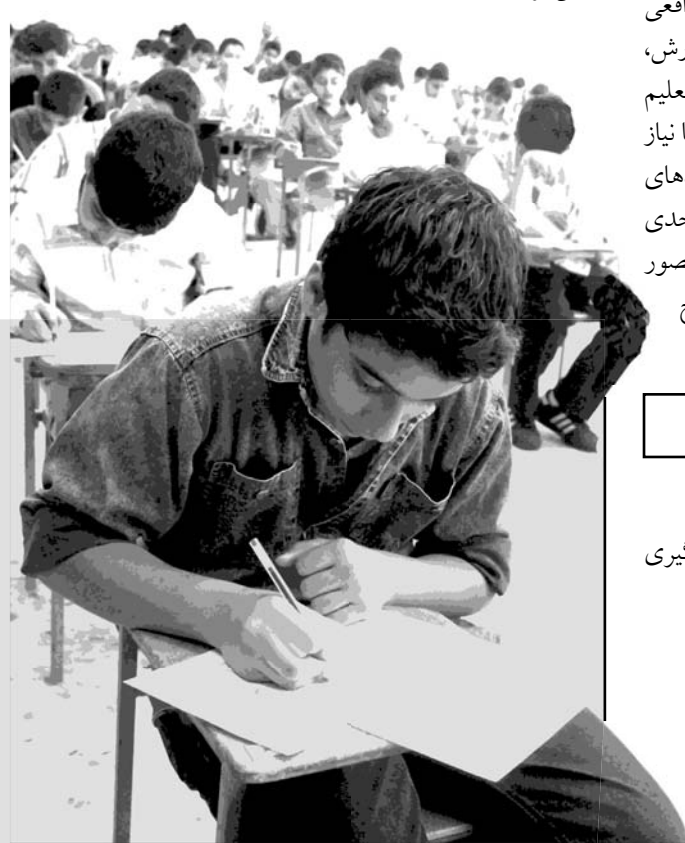
امتحان چیست؟

امتحان عبارت است از مجموعه‌ای منظم و هدفمند از سؤال‌هایی که میزان یادگیری حداقل یکی از موضوع‌های یادگیری در افراد را اندازه بگیرد.^۱

ضوابط و اصول نوشتن انواع

پرسش‌های امتحانی

برای طرح انواع سؤال امتحانی، باید اصول زیر را مدنظر قرار داد: ایجاز و اختصار، شفافیت، استقلال پرسش‌ها، روا بودن پرسش‌ها، مربوط بودن پرسش به اهداف درس؛^۲ نوشتن پرسش‌ها و رعایت اصول ویرایش و نگارش، تعدد و تنوع پرسش‌ها، تناسب تعداد، نوع و دشواری پرسش‌ها با فراگیرندگان، قابل تشخیص (استنباط) نبودن پاسخ هیچ پرسشی از روی پرسش‌های دیگر؛^۳ نبودن اشارات هدایت‌کننده به پاسخ در پرسش‌ها، انتخاب نمونه‌ای کامل و معرف از پرسش‌های درس برای امتحان.^۴



ساختار سؤالات تشریحی

از آن‌جا که اکثر سؤالات امتحانی تشریحی هستند (به‌خصوص در درس تاریخ و دروس علوم انسانی)، انتظار می‌رود معلمان و دبیران محترم راجع به ساختار سؤالات تشریحی اطلاعات مفیدی داشته باشند.

سؤالات تشریحی به دو دسته تقسیم می‌شوند

۱. محدود کردن طول یا چارچوب پاسخ:

مثال ۱: اولین رئیس جمهور آمریکا که بود؟

مثال ۲: در یک پاراگراف توضیح دهید...

این گونه سؤالات در سطح ادراک، کاربرد، تجزیه و تحلیل استفاده می‌شوند.^۹

۲. سؤالات تشریحی پاسخ گسترده: این گونه سؤالات به میزان آزادی در انتخاب، دانش‌آموزان را به انتخاب، سازمان‌دهی و ترکیب ایده‌ها و مواد در راه‌هایی مجاز می‌کند که منطقی به نظر می‌رسند.^۶ در سؤالات تشریحی هیچ‌گونه محدودیتی برای آزمون‌شونده منظور نمی‌شود. بنابراین، سؤال‌های گسترده پاسخ برای سنجش بالاترین طبقه حیطه شناختی (مهارت‌های فکری) مناسب‌ترین وسیله هستند.^۷ همچنین، استفاده از عباراتی چون: «بحث کنید»، «انتقاد کنید» و «نقل کنید»، ملاک خوبی نیست.^۸ و بهتر است به جای آن از کلمات، چرا، چگونه و به چه دلیل استفاده شود.^۹ سؤالات تشریحی باید تنها به اندازه‌گیری هدف‌هایی محدود شود که با سایر انواع آزمون‌ها به‌خوبی قابل اندازه‌گیری نیستند و از این میان، سؤالات تشریحی گسترده پاسخ، بهترین سؤال‌ها برای طبقه تحلیل، ترکیب (آفرینندگی) و ارزش‌یابی هستند. سؤالات را با عبارات و کلمات واضح و روشن بنویسید و از کلی‌گویی و ابهام در بیان پرهیزید. برای نشان دادن منظور سؤال از کلمات و

عبارات روشنی استفاده کنید. مثلاً کلمات و عبارات تعریف کنید، حل کنید، خلاصه کنید، طبقه‌بندی کنید، از «بررسی کنید» و «بحث کنید» روشن‌تر هستند.

هم‌چنین، در کاربرد اصطلاحات «توضیح دهید» و «مقایسه کنید»، بهتر است منظور خود را به صراحت بیان کنید. در غیر این صورت، آزمون‌شوندگان ممکن است برداشت‌های متفاوتی داشته باشند. از کاربرد کلماتی هم‌چون «چه کسی»، «چه وقت»، «کجا» پرهیزید، زیرا این کلمات تنها معلومات را اندازه‌گیری می‌کنند.^{۱۰} و نیز نباید پاسخ هیچ سؤالی از روی پرسش‌های دیگر قابل تشخیص باشد.^{۱۱}

خصوصیات سؤالات حیطه شناختی

هدف‌های حیطه شناختی به‌طور کلی به مجموعه یادگیری‌هایی مربوط است که با قوای ذهنی و شناختی و فرایندهای مغزی یادگیرنده سر و کار دارند. تمام یادگیری‌های مرتبط با تفکر، تخیل، حل مسئله، برنامه‌ریزی، حفظ، یادآوری، بازشناسی و... از این دست هستند.^{۱۲}

الف) سؤالات سطح دانش

سؤالات سطح دانش که از دانش‌آموزان می‌خواهد مشارکت بیشتری در فرایند آموزش داشته باشند^{۱۳}، شامل یادآوری، بازخوانی و بازشناسی است.^{۱۴} دانش‌آموز برای پاسخ‌گویی به این گونه سؤالات باید واقعیت‌های ویژه یا قطعاتی از اطلاعات را بداند؛ مثلاً اولین رئیس جمهور آمریکا که بود؟ و اصطلاحات و تعریف‌ها را به یاد بیاورد.^{۱۵}



در سؤالات حیطه دانش، از این کلمات استفاده می شود:

چگونه ← تعریف چه ← یادآوری

کجا ← شناختن چه کسی ← نام^{۱۶}

مثال: روی الواح باقی مانده در میان دورود، چه موضوعاتی نوشته شده است؟^{۱۷}

(ت) سؤالات سطح ارزش یابی

ارزش یابی به بیان ساده، داوری ارزشی در مورد پدیده ها برای مقصودی خاص است. بنابراین، یادگیری در طبقه ارزش یابی، یعنی توانایی داوری آگاهانه و مستدل توسط فراگیر در مورد پدیده ها بعد از مقایسه با یک یا چند ملاک، به منظور تصمیم گیری.^{۲۵} این سؤالات دو موقعیت در دو زمان متفاوت را با یکدیگر مقایسه می کنند:

مثال ۱: از نکته نظر سود و زیان ایران، عهدنامه پاریس را با ارزشه الروم مقایسه کنید؟

مثال ۲: کدام شخصیت در پیشبرد اوضاع ایران مؤثرتر بود؛ چرا؟

الف) امیرکبیر ب) قائم مقام فراهانی^{۲۶}

در این گونه سؤالات، شاگردان شما باید جایگزین هایی را انتخاب کنند که در ارائه قضاوت و داوری نسبت به موضوع به آن ها کمک کند.^{۲۷} در این سؤالات از کلماتی هم چون: قضاوت کردن، ارزیابی کردن، و تعمیم دادن استفاده می شود.^{۲۸}

(ج) سؤالات سطح تجزیه و تحلیل

در این سطح، توانایی شکست مطلب یا موضوعی به اجزا و عناصر تشکیل دهنده آن مطرح است. یادگیری در این طبقه، حداقل با یکی از توانایی های زیر قابل اندازه گیری است:

- تفکیک و جداسازی اجزای تشکیل دهنده یک کل واحد.
- تشخیص روابط بین اجزای تشکیل دهنده یک کل واحد و چگونگی روابط.
- مشخص کردن اساس و آرایش اجزای تشکیل دهنده یک کل واحد و طبقه بندی آن ها.^{۲۹}

از سؤالات در سطح تجزیه و تحلیل هنگامی استفاده می شود که لازم باشد دانش آموز به تشخیص انگیزه ها و دلایل و علت های حادثه ای بپردازد^{۳۰} و در این سؤالات، از کلماتی هم چون: چرا و چه عواملی، استفاده می شود.^{۳۱}

هم چنین، سؤالات این سطح به تشخیص ارتباط میان دو گزاره نیاز دارد که این ارتباط می تواند در محدوده نفوذ، تداعی یا توالی های ضروری، توضیح داده شود.

مثال ۱: انگیزه امیرکبیر در تأکید بر اصلاحات بهداشتی چه

(ب) سؤالات سطح درک و فهم

طبقه فهمیدن یادگیری هایی را شامل می شود که در پایین ترین سطح ادراک قرار می گیرند... براساس طبقه بندی بلوم و همکاران، زیرشاخه های فهمیدن عبارت اند از: ترجمه، تفسیر، برون یابی.^{۱۸}

سؤالات این سطح نیز از دانش آموز می خواهد مشارکت بیشتری در فرایند آموزش داشته باشد. در طرح آن ها از عبارت هایی هم چون: چه تفاوت هایی، چه شباهت هایی، مقایسه کنید، خلاصه کنید و مثال جدید بیاورید، استفاده می شود^{۱۹}؛ هم چنین است کلماتی هم چون: تشریح کنید و مقابله کنید.^{۲۰}

نمونه:

س ۱. سپاه ایران به این دلیل در دشت چالدران از عثمانی شکست خورد که؟
الف) فاقد اسلحه گرم بود.

ب) سپاهیان ایران جنگ جو نبودند.

ج) فرماندهی سپاه ایران ضعیف بود.

د) عده سربازان دشمن بسیار بود.^{۲۱}

س ۲. علت عدم موفقیت اصلاحات امیرکبیر چه بود؟

الف) مخالفت ناصرالدین شاه با اصلاحات.

ب) زیرا مردم درک خوبی از اصلاحات نداشتند.

ج) زیرا اصلاحات به ضرر افراد با نفوذ و دول استعماری بود.

د) کشته شدن امیرکبیر و مرگ زودهنگام وی.^{۲۲}

(پ) سؤالات سطح ترکیب

این سؤالات موجبات رشد و توسعه خلاقیت شاگردان را فراهم می کند. در سؤالات حیطه ترکیب، از این کلمات استفاده می شود.^{۳۳}

پیش بینی ← توسعه تولید کردن ← چه اتفاقی می افتد
مثال ۱: اگر شما به جای امیرکبیر بودید، برای موفقیت در



بود؟

مثال ۲: چرا اکثر سازمان‌های بین‌المللی در اروپا هستند؟^{۳۲}

مثال ۳: نتیجه رفتار کلیسا و فتودال‌ها در قرون وسطا چه پیامدهایی به دنبال می‌آورد؟

مثال ۴: عدم آگاهی فتحعلی‌شاه از تحولات جهانی، چه پیامدهایی را برای ایران به دنبال داشت؟

مثال ۵: چه عواملی زمینه‌های قتل امیرکبیر را فراهم آورد؟

مثال ۶: چرا ایران در عصر قاجار کشور عقب‌مانده‌ای بود؟^{۳۳}

چ) سؤالات سطح کار بستن

کار بستن توانایی استفاده از امور انتزاعی، قواعد و قوانین، اصول، اندیشه‌ها و روش‌ها در موقعیت‌های عینی و عملی را گویند.^{۳۴}

مثال ۱: چگونه با مطالعه زندگی انسان‌های گذشته، برای امروز و فردایمان درس عبرت بگیریم؟

مثال ۲: امروزه با انجام ندادن کدام اعمال نیاکانمان، موفقیت‌هایمان صدچندان می‌شود؟^{۳۵}

ویژگی‌های کلی سؤالات عینی

سؤالات عینی به صورت چندگزینه‌ای، صحیح-غلط، کامل‌کردنی و جور کردنی می‌آیند. این سؤالات باید یکی از هدف‌های رفتاری مهم تدریس را دربرگیرند و از نظر نوشتاری کاملاً روشن و دور از ابهام باشند.^{۳۶} منظور از عینی بودن سؤالات این است که اولاً: با دقت باید فراهم شوند، و قبلاً بر گروهی اجرا شده باشند، پاسخ آن‌ها کوتاه باشد و ارزش‌گذاری آن مستقل از نظر مصحح باشد.^{۳۷}

سؤالات عینی به صورت چندگزینه‌ای، صحیح-غلط،

کامل‌کردنی و جور کردنی می‌آیند. این سؤالات باید یکی

از هدف‌های رفتاری مهم تدریس را دربرگیرند و از نظر

نوشتاری کاملاً روشن و دور از ابهام باشند

اصول حاکم بر سؤالات عینی- کامل‌کردنی

این گونه سؤالات به صورت جمله‌های خبری و بیانی می‌آیند و اگر سؤالات کامل‌کردنی به صورت جمله‌های استفهامی مطرح گردد، آن را سؤال کوتاه جواب می‌گویند.^{۳۸} کلمه یا عباراتی که در این گونه سؤالات حذف می‌شود، لازم است از مفاهیم مهم و

بارزش جمله باشد. در هر سؤال کامل‌کردنی، نباید بیش از یک جای خالی گنجانده شود.^{۳۹}

فلمینگ نکات کلیدی را در طرح سؤالات کامل‌کردنی چنین معرفی می‌کند:

- عبارات را مستقیماً از کتاب درسی اخذ نکنید.

- اصطلاحات مهم را جای خالی بگذارید.

- تعداد جای خالی را در هر جمله به یک یا دو محدود کنید و مطمئن شوید که فقط با یک جواب، هر جای خالی تکمیل می‌شود.^{۴۰} در این گونه سؤالات، از حذف کلمات کم‌اهمیت جمله‌ها خودداری شود و کلمه یا عبارتی حذف شود که از ارکان مفاهیم عمده جمله باشد. در هر سؤال فقط یک جای خالی گذاشته شود، و گرنه سؤال بیشتر جنبه هوش‌آزمایی پیدا می‌کند.^{۴۱}

مثال ۱: نام پادشاهی که در عصر او مشروطیت ایران اعلام شد..... بود.^{۴۲}

مثال ۲: دیوار چین توسط..... ساخته شد.

مثال ۳: برگزارکننده مراسم مذهبی در عیلام افرادی به نام..... بودند.

مثال ۴: تبدیل طریقت صفوی به یک نهضت مهم سیاسی- مذهبی در عهد..... صورت گرفت.

مثال ۵: در زمان نخست‌وزیری امتیاز ننگین کاپیتولاسیون به آمریکا اعطا شد.^{۴۳}

اصول حاکم بر سؤالات عینی- جور کردنی

این سؤالات برای اندازه‌گیری توانمند یادآوری معانی لغات، مفاهیم جزئی مانند نام‌ها و مشخصات آبی امور، مناسب است.^{۴۴} این سؤالات هم‌چنین وقتی به کار می‌روند که هدف آزمایش، توانایی دانش‌آموزان برای انطباق بین دو نوع اطلاعات است.^{۴۵} هم‌چنین، تعداد پاسخ‌ها باید بیش از تعداد سؤالات باشد و سؤالات و پاسخ‌ها لازم است مختصر باشد و سؤالات باید با یکدیگر متجانس باشند.^{۴۶}

اصول حاکم بر سؤالات عینی- صحیح و غلط

این سؤالات باید طوری نوشته شود که قطعاً درست یا قطعاً غلط باشد و از گنجاندن دو مطلب در یک سؤال خودداری شود.^{۴۷} سؤالات صحیح- غلط برای دانش‌آموزان ابتدایی باید به صورت مثبت نوشته شود.^{۴۸} هم‌چنین، این سؤالات برای ارزیابی معلومات حفظی کاربرد دارد و نقطه ضعفشان تشویق و حدس زدن است.^{۴۹}

مثال ۱: در جنگ جهانی اول ایتالیا در جرگه متحدین قرار داشت.

الف) صحیح ب) غلط

مثال ۲: آخرین امیر زیاری گیلانشاه بود.



الف) صحیح (ب) غلط

مثال ۳: دانش و تجربه باستان‌شناس در مرحله کاوش محک

می‌خورد.

الف) صحیح (ب) غلط^{۵۰}

اصول حاکم بر سؤالات عینی- چند گزینه‌ای

هودسن در مورد این سؤالات می‌گوید: «مناسب‌ترین نوع پرسش را با در نظر داشتن هدف از ارزش‌یابی انتخاب کنید و سؤال را به‌روشنی هرچه ممکن ارائه دهید و مطمئن شوید که پرسش‌ها به یکدیگر مربوط هستند».

فلمنینگ ویژگی‌های این سؤالات را این‌گونه ترسیم می‌کند: در این شیوه، از سؤالات انحرافی که صحیح به نظر می‌رسد، استفاده شود و سؤالات انحرافی صحیح باید به‌طور متناوب نوشته شود. هم‌چنین، متن و کلید پاسخ‌های صحیح نیز گنجانده شود.^{۵۱} باید از به‌کارگیری سؤالات منفی پرهیز و هنگام نوشتن متن سؤال، از نوشتن نشانه‌های هدایت‌کننده مثل: هرگز، همیشه و فقط خودداری شود و پاسخ هیچ سؤالی نباید صریحاً و تلویحاً از متن سؤال دیگر استنتاج شود.^{۵۲}

پی‌نوشت

۱. یارعلی، جواد. از امتحان بد به امتحان خوب. انتشارات گلبن. اصفهان، چ اول، ۱۳۸۳. ص ۱۰.
۲. همان، ص ۸۷.
۳. همان، ص ۸۸.
۴. همان، ص ۸۹.
۵. دونالدسی و دیگران. راهبردهای تدریس. ترجمه سیامک‌رضا مهجور. انتشارات ساسان. تهران، ۱۳۷۹. ص ۳۶۵.
۶. همان، ص ۳۶۶.
۷. موسوی، فرشته. چهار گام اساسی در ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی. انتشارات عابد. تهران، ۱۳۸۴. ص ۶۱.
۸. صدیق، عیسی. روش نوین در آموزش و پرورش. انتشارات طبع کتاب. تهران، چ ۲۳، ۱۳۴۰. ص ۳۲۰.
۹. گروه تاریخ اصفهان. حیطه‌های شناختی سؤالات. کهن روزگار. سازمان آموزش و پرورش کرمان. کرمان، ۱۳۸۵. ص ۸۵.
۱۰. سیف، علی‌اکبر. اندازه‌گیری، سنجش و ارزش‌یابی آموزش. انتشارات دوران. تهران، ۱۳۸۲. ص ۱۶۴.
۱۱. گروه تاریخ اصفهان. پیشین. ص ۸۵.
۱۲. یارعلی، پیشین. ص ۴۸.
۱۳. دونالدسی و دیگران. پیشین. ص ۸۳.
۱۴. یارعلی، پیشین. ص ۴۹.
۱۵. همان، ص ۸۱.
۱۶. فلمنینگ، سی‌ام و پروس، الیزابت. فرایند تدریس. ترجمه سید مهدی سجادی. انتشارات تربیت. تهران، ۱۳۷۳. ص ۱۴۹.
۱۷. گردآورنده پژوهش.
۱۸. یارعلی، پیشین. ص ۵۱.
۱۹. دونالدسی و دیگران. پیشین. ص ۸۳.
۲۰. فلمنینگ، سی‌ام. پیشین. ص ۱۵۱.
۲۱. صفوی، امان‌الله. کلیات روش‌ها و فنون تدریس. انتشارات معاصر. تهران، ۱۳۷۱. ص ۴۷.
۲۲. گردآورنده پژوهش.

۲۳. فلمنینگ، سی‌ام. پیشین. ص ۱۵۴.
۲۴. گردآورنده پژوهش.
۲۵. یارعلی، پیشین. ص ۵۴.
۲۶. گردآورنده پژوهش.
۲۷. فلمنینگ، سی‌ام. پیشین. ص ۱۵۴.
۲۸. همان، ص ۱۵۵.
۲۹. یارعلی، پیشین. ص ۵۲.
۳۰. فلمنینگ، پیشین. ص ۲۵۲.
۳۱. همان، ص ۱۵۳.
۳۲. دونالدسی و دیگران. پیشین. ص ۸۷.
۳۳. گردآورنده پژوهش.
۳۴. موسوی، فرشته. پیشین. ص ۲۹.
۳۵. گردآورنده پژوهش.
۳۶. نادری، عزت‌الله. سیف‌نراقی، مریم. سنجش و اندازه‌گیری و بنیادهای تحلیلی ابزارهای آن در علوم تربیتی و روان‌شناسی. انتشارات معین. تهران، ۱۳۷۱. ص ۷۶.
۳۷. همان، ص ۷۳.
۳۸. نادری، عزت‌الله. سیف‌نراقی، مریم. پیشین. ص ۷۴.
۳۹. همان، ص ۸۱.
۴۰. کوهن، لوئیز؛ مانیون، لارنس. راهنمای علمی تدریس. ترجمه فاطمه شاکری و هما فرشته. انتشارات جهاد دانشگاهی. مشهد، ۱۳۷۲. ص ۳۳۳.
۴۱. پاشاشریفی، حسن. اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی. انتشارات رشد. تهران، ۱۳۷۲. ص ۱۰۵.
۴۲. نادری، عزت‌الله؛ سیف‌نراقی، مریم. پیشین. ص ۸۲.
۴۳. گردآورنده پژوهش.
۴۴. نادری، عزت‌الله؛ سیف‌نراقی، مریم. پیشین. ص ۷۵.
۴۵. کوهن، لوئیز؛ مانیون، لارنس. پیشین. ص ۲۳۴.
۴۶. نادری، عزت‌الله؛ سیف‌نراقی، مریم. پیشین. ص ۸۲.
۴۷. پاشاشریفی، حسن. پیشین. ص ۱۰۳.
۴۸. همان، ص ۱۰۴.
۴۹. صفوی، امان‌الله. پیشین. ص ۲۳۴.

منابع

۱. پاشاشریفی، حسن. اصول روان‌سنجی و روان‌آزمایی. انتشارات رشد. تهران، چ اول، ۱۳۷۲.
۲. دونالدسی و دیگران. راهبردهای تدریس. ترجمه سیامک‌رضا مهجور. انتشارات ساسان. تهران، ۱۳۷۹.
۳. سیف، علی‌اکبر. اندازه‌گیری سنجش و ارزش‌یابی آموزشی. انتشارات دوران. تهران، ۱۳۸۲.
۴. صفوی، امان‌الله. کلیات روش‌ها و فنون تدریس. انتشارات معاصر. تهران، ۱۳۷۱.
۵. صدیق، عیسی. روش نوین در آموزش و پرورش. انتشارات طبع کتاب. تهران، چ ۲۳، ۱۳۴۰.
۶. فلمنینگ، سی‌ام، پروس، الیزابت. فرایند تدریس. ترجمه سید مهدی سجادی. انتشارات تربیت. تهران، ۱۳۷۳.
۷. کوهن، لوئیز؛ مانیون، لارنس. راهنمای علمی تدریس. ترجمه فاطمه شاکری و هما فرشته. انتشارات جهاد دانشگاهی. مشهد، ۱۳۷۲.
۸. گروه تاریخ اصفهان. حیطه‌های شناختی سؤالات. کهن روزگار. سازمان آموزش و پرورش کرمان. کرمان، ۱۳۸۵.
۹. گردآورنده پژوهش. کلبعلی، امیر. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی.
۱۰. موسوی، فرشته. چهار گام اساسی در ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی. انتشارات عابد. تهران، ۱۳۸۴.
۱۱. نادری، عزت‌الله؛ سیف‌نراقی، مریم. سنجش و اندازه‌گیری و بنیادهای تحلیلی ابزارهای آن در علوم تربیتی و روان‌شناسی. انتشارات معین. تهران، ۱۳۷۱.
۱۲. یارعلی، جواد. از امتحان بد به امتحان خوب. انتشارات گلبن. اصفهان، چ اول، ۱۳۸۴.

جنگ‌های تاریخ بشر و تأثیر آن‌ها

یعقوب توکلی

مسئول شورای گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی تألیف کتب درسی

مقدمه

تنافس بشر و موجودات زنده برای دستیابی به مواهب طبیعی، قدرت و سیطره بر یکدیگر، امری غریزی بین موجودات است. هم‌چنان‌که بین آحاد انسانی در گذشته‌های دور و نزدیک، تلاش بر سر دست‌یافتن به چراگاه‌ها و مراتع، موجب نزاع‌های خونین می‌شد، کشمکش‌های خونینی نیز برای تسلط بر یک شهر یا کشور اتفاق می‌افتاد. ضمن آن‌که در طول تاریخ جنگ‌های عقیدتی بر مبنای باورهای دینی نیز به‌وقوع پیوسته است. در

تاریخ بشری، نبردهای خونین بسیاری برای به‌دست آوردن قدرت صورت گرفته است که معمولاً جز ارضای حس برتری‌طلبی و کسب غنیمت برای اشخاصی محدود و قدرتمندان حاکم، برای مجریان و طرفین نبرد نفعی نداشته است. اما این نبردهای برتری‌جویانه، سبب بروز تخصصات، تعارضات و کنش‌های جدیدی در اجتماع می‌شدند. مقابله و مدافعه نیروهای اجتماعی و مردمی که به آن‌ها تجاوز می‌شد، از انواع کنش‌های اجتماعی بود که به فراخور جوامع و نوع و میزان حساسیت‌های مردمی

و نیز میزان و زمان مقابله و مقاومت در برابر تجاوز، متفاوت بوده و هست. این ویژگی، در هر اجتماع الگوهای متفاوت و خاص دارد. بنابراین، از یک نگاه کلی، جنگ‌ها به لحاظ نوع رفتار انسان‌ها، تقریباً با همان انگیزه‌های گذشته اتفاق می‌افتند و کشفیات، اختراعات جدید و حتی بروز پدیده‌های بزرگی چون بمب هسته‌ای، تغییری در ماهیت واقعی نبردها ایجاد نکرده است.

پروفسور ویلیام آرکینز، عضو انستیتوی پژوهش سیاست خارجی آمریکا، در این باره می‌نویسد: «حقیقت ندارد که ظهور سلاح‌های هسته‌ای به تاریخ پنج هزار ساله خاتمه داده و مبدأ تاریخی جدیدی را گشوده است. مبارزه برای کسب قدرت به مرحله دیگری رسیده، اما هنوز از همان ماهیت قبلی برخوردار است... این حقیقت مسلم است که بزرگ‌تر شدن خطرها به آنان که راه مبارزه با ادراک طرف مقابل و چگونگی استفاده از این گونه مخاطرات را می‌دانند و با آن ماهرانه برخورد می‌کنند، برتری استراتژیکی اعطا کرده است و آنچه را که جمود هسته‌ای (امتناع ناشی از بازدارندگی) می‌نامند، نه استفاده از قدرت را ممنوع ساخته و نه اندرزهای استراتژی کلاسیک را بی‌اعتبار کرده است. برعکس، افزایش خردمندانه قدرت برای دستیابی به مقاصد سیاسی، اینک به ایفای همان نقشی که همواره به‌عهده داشته است، ادامه می‌دهد.»

حقیقت آن است که تحولات و پیشرفت صنعت بشری در گستره آسیب‌های ناشی از نبردها بسیار مؤثر بوده



است. چنانچه در جنگ‌های ادوار گذشته، تعداد تلفات نبردها «یک تا ده در هزار نفر بوده است. این نسبت در طی قرون به زیان کشته‌شدگان جنگ افزایش یافت و در جنگ جهانی دوم از هر دو سرباز شرکت‌کننده در جنگ، یک نفر کشته شد. ضمن آن که دامنه جنگ به شهرها و مناطق مسکونی کشیده شد و بسیاری از غیرنظامیان را به ورطه مرگ و نیستی کشاند. اگر در تاریخ‌های گذشته بشری دو قدرت عمده امپراتوری روم و شاهنشاهی ایران با رودرو قرار دادن لشکرهایشان پیروز یا مغلوب جنگ را تعیین می‌کردند، یا به واسطه نبرد و یا چند هم‌اورد ویژه در میدان نبرد، فصل مخاصمت برای مدتی بسته می‌شد و یا در دوره‌های تاریخ اسلام بعد از ده‌ها جنگ با ابعاد گسترده جغرافیایی، عده کشتگان طرفین کمتر از دو هزار نفر بود، این واقعیت در دنیای جدید به طرز وحشتناکی تغییر یافته است. به همین علت، آخرین جنگ‌های قرون معاصر به نمایشی از کشتارهای دسته‌جمعی بدل شدند که با نبردهای گذشته و متعارف در عالم بشری بسیار متفاوت است.

با افزایش قدرت و گستره ابزار جنگی، میزان آسیب‌های بشری نیز بیشتر شد. **کوئینسی وایت** در کتاب علل جنگ و شرایط صلح آورده است: «از آغاز قرن هفدهم کشورهای اروپایی در آتش ۲۳۰۰ جنگ سوختند. برای نمونه، جنگ اول جهانی که ۱۵۶۵ روز طول کشید، چهارصد میلیارد دلار آن زمان خسارت و ۹ میلیون کشته و ۳۳ میلیون معلول و ۵ میلیون مفقود به‌جا گذاشت و معلوم نیست این خسارت مادی، صرف‌نظر از خسارت معنوی، چه نتیجه‌ای برای بشریت داشته است.»

در آن زمان، کوئینسی وایت نمی‌دانست که انسان معاصر، اسیر جنگ بزرگ دیگری می‌شود که بیش از ۴۰ میلیون کشته و چندین میلیون آواره و معلول و پناهنده و بیمار روحی برجای خواهد گذاشت و بر

اثر این جنگ، جامعه بشری شاهد تمدن اضطراب و دوره وحشت می‌گردد.

جنگ‌ها بر حسب نوع و چگونگی آغاز و حوزه جغرافیایی، به دو نوع عمده تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از جنگ‌های خارجی و جنگ‌های داخلی.

جنگ‌های خارجی به جنگی گفته می‌شود که بین دو یا چند کشور، یا دو یا چند قوم که سابقه وحدت سیاسی و جغرافیایی میان آنان وجود ندارد، درمی‌گیرد. این جنگ‌ها نیز به دو گروه عمده جنگ‌های تهاجمی و جنگ‌های تدافعی تقسیم می‌شوند.

کلیدواژه‌ها:

جنگ، جنگ تحمیلی، نبردهای تدافعی.

۱. جنگ‌های تهاجمی

در جنگ‌های تهاجمی، قدرت‌های برتر نظامی برای رسیدن به اهداف خود تهاجم را آغاز می‌کنند. این تهاجم ممکن است به عللی عمدی یا تصادفی شروع شود، یا بر مبنای محاسبات غلط، سوء تفاهم، وجود نیروی سوم به منزله محرک و حتی اعمال غیرعقلانی یک قدرت انجام گیرد. جنگ‌های تهاجمی غالباً با اهداف برتری‌جویانه همراه است و حتی در مواردی استثنایی ممکن است با هدف دفاع پیشگیرانه اتفاق بیفتند. جنگ‌های تهاجمی معمولاً به دلیل فزون‌خواهی‌های سیاسی، اقتصادی و به قصد تصرف سرزمین‌های دیگران آغاز می‌شود. این جنگ، صورت‌های گوناگونی دارد، از جمله:

الف) نبردهای تهاجمی خارجی که به پیروزی کشور مهاجم منجر می‌شود.

در آثار ادبی و فرهنگی کشور پیروز، این نوع نبردها را عموماً در قالب حماسه‌هایی غرورآفرین و عملی قهرمانانه برای توسعه قدرت کشور منعکس می‌کنند. نظیر گزارش حملات داریوش به مصر

و خشایارشا به یونان، جنگ‌های پیروز ساسانیان با رومی‌ها، حمله سلطان محمود غزنوی به هندوستان و فتح سومنات، حمله نادرشاه افشار به هندوستان، حمله ناپلئون به کشورهای همسایه، حمله اسکندر به ایران، حملات دولت انگلستان به کشورهای جهان و حملات آمریکا به کشورهای دیگر. این نبردها ممکن است مخالفت‌هایی ضمنی را برانگیزاند، ولی غالباً غرورآفرین و گسترش‌دهنده روحیه و فرهنگ شجاعت و میل به تجاوز و مولد ادبیات تهاجمی است. در فرهنگ اغلب کشورها، سردارانی که زمینه‌ساز گسترش سرزمینی یک دولت شده‌اند، مورد تحسین شعرا و ادبا، نویسندگان و مورخان قرار گرفته‌اند.

ب) نبردهای تهاجمی خارجی که منجر به شکست کشور مهاجم می‌شود.

حمله به سرزمین‌های دیگران همیشه با پیروزی همراه نیست. گاهی دولت‌های متجاوز و مهاجم شکست می‌خورند.





همانند نبرد با صلاح‌الدین

ایوبی و شکست ریچارد شیردل،

به بازگشت خفت‌بار صلیبی‌ها به
موطن خود و امتناع از تهاجم جدید به
مدت یک قرن منتهی شد. اما این شکست
به گونه‌ای دیگر در ادبیات انگلیسی‌ها
انعکاس یافت. شکست ارتش عراق و
صدام در نبرد با ایران باعث به‌وجود آمدن
احساس سرافکندگی در داخل عراق و
ارتش آن شد که در نهایت صدام برای از
بین بردن بحران سرخوردگی، به کویت
حمله کرد. اما شکست مجدد در کویت،
روحیه ارتش و مردم عراق را تضعیف کرد.
به گونه‌ای که در نبرد بعدی، هیچ‌گونه دفاع
جدی در برابر تجاوز و اشغالگران صورت
نگرفت.

شکست آلمان در جنگ جهانی اول
که به پذیرش مسئولیت تهاجم و تحمیل
غرامت سنگینی به آن کشور انجامید، جامعه
آلمان را برای مدتی طولانی از هم پاشید؛
به حدی که تا مدت‌ها دولت مرکزی
نیرومندی در این کشور شکل نگرفت و
حاکمیت از طریق جمهوری وایمار اعمال
می‌شد. شکست ایالات متحده آمریکا
در جنگ ویتنام، سبب بروز ناآرامی و
تنش‌هایی در داخل این کشور شد و همین
امر، نافرمانی‌های مدنی متعددی را دامن زد
که نتیجه‌اش شعار معروف دموکرات‌ها در
انتخابات ۱۹۷۷ بود: نه ویتنامی دیگر و نه
پینوشه‌ای دیگر. در پیامد این وقایع بود که
سیاست ایالات متحده در دوره کارتر، به
بازسازی اخلاقی آمریکا در جهان، معطوف
شد.

از نمونه‌های دیگری که به بروز بحران

شکست در میدان نبردهای تجاوزکارانه،
بازخوردهای ویژه‌ای در جامعه دارد.
شکست در میدان نبرد برای دولت مهاجم
غالباً با بحران‌های داخلی همراه است.
نیروهای مهاجم شکست‌خورده دچار یأس
و حرمان می‌شوند و گاه شورش می‌کنند
و از قدرت نفوذ آنان کاسته می‌شود. مانند
مغولان، به‌ویژه هولاکوخان که در طول
سالیان دراز نبرد با ایرانیان و عباسیان پیروز
شدند و این پیروزی‌های مداوم، باعث تداوم
تهاجمات و احساس غرور در آنان شد. اما
هنگامی که مغولان قصد تصرف مصر و
سوریه تحت حاکمیت دولت ممالیک را
داشتند، دولت‌های کوچک سوریه و مصر
متحد شدند و هولاکوخان را شکست دادند.
این شکست، مغولان را از ادامه تهاجمات
بازداشت و باعث محدودیت قدرت آنان و
جرئت گرفتن مخالفانشان شد. به‌دنبال این
اتفاق، تلاش مغولان برای تثبیت قدرت
به‌جای توسعه ارضی آغاز شد. هم‌چنین،
شکست‌های صلیبیان در منطقه فلسطین

پس از شکست در تهاجم خارجی انجامید،
می‌توان به شکست دولت اسرائیل در
نبرد با مردم لبنان اشاره کرد. عقب‌نشینی
و سرافکندگی اسرائیل سبب شد انتفاضه
فلسطین قدرتمندتر شود؛ به گونه‌ای که
منازعات شدید داخلی و فعلی فلسطین
اشغالی تاکنون سابقه نداشته است.

ضرورت ظهور یک منجی و مرد نیرومند

معمولاً پیامد شکست در نبردهای
خارجی، بروز بحران‌های داخلی است،
زیرا دولت شکست‌خورده به علت از
دست دادن فرصت‌ها بر امور کشور مسلط
نیست و در صورت ادامه حاکمیت دولت
شکست‌خورده، کشور در بحران و تنش
فرومی‌رود. در چنین وضعیتی، ظهور مردی
نیرومند و منجی، از خواسته‌های مردم آن
کشور می‌شود. این موضوع از علل وقوع
انقلاب در پی شکست در نبردهای خارجی
است. جامعه شکست‌خورده برای نجات
خود و احیای شخصیت و اعتبارش،
ظهور یک منجی را آرزو می‌کند. در چنین
اوضاعی، اگر حکومت نتواند به این خواسته
مردم پاسخ دهد و مخالفان سازمان‌یافته نیز
داشته باشد، وقوع انقلاب بسیار محتمل
است. اما چنان‌چه مخالفان سازمان‌یافته در
میدان نباشند، زمینه‌های قهرمان‌خواهی در
جامعه شکل می‌گیرد.

شکست ارتش ایران در نبرد با
امپراتوری روم در زمان خسرو پرویز،
نظام حاکمیت ساسانی را از هم گسیخت.
خسرو پرویز برای رسیدن به اهداف نظامی،
به نبردهای گسترده و بیهوده دست می‌زد و
با شکست در برابر سپاهیان روم، نه تنها در
میدان جنگ شکست خورد، بلکه از درون
نیز دچار فروپاشی شد.

جامعه ایرانی در آن زمان به دنبال راه
نجات بود که آن را در گرایش به اسلام و
رها شدن از حاکمیت از هم گسیخته دید.

جنگ‌های تهاجمی و شکل‌گیری ادبیات و هنر ضد جنگ

از نتایج جنگ‌های تهاجمی، شکل‌گیری مخالفت‌های داخلی است؛ زیرا آنانی که در معرض جنگ و مخاطرات آن قرار می‌گیرند، معمولاً نه اراده‌کنندگان جنگ، که مردم عادی‌اند که به اجبار به مسلخ اراده سیاست‌مداران و نظامیان برده می‌شوند. آنان باید کسانی را بکشند و غارت کنند که هیچ شناخت یا خصوصی از آنان در دل ندارند؛ جنایتی که برای تصاحب سرزمین‌های دیگر، فضای باز بیشتر برای تنفس (همانند آلمان‌ها)، اثبات برتری عزم و اراده سیاسی سیاست‌مداران، کسب غنیمت و به دست آوردن فرصت‌های بهتر برای حیات هموطنان-البته به قیمت نیستی مردمی که به آنان هجوم می‌برند-انجام می‌شود. طبیعی است در میان ادبیات و هنر برتری‌جویانه و حماسه‌ورزانه معطوف به نگاه قدرتمندان حاکم، جمع بسیاری از وجدان‌های بیدار و منزعج از تهاجم و جنایت، از چنین نیروهایی با تلخکامی یاد می‌کنند.

ادبیات و هنر ضد جنگ در جوامع مهاجم سبب می‌شود که هیچ‌گاه فرماندهان جنگ به اسطوره‌های مردمی تبدیل نشوند. ادبیات ضدجنگ در آلمان و اروپا، از هیتلر چهره‌ای افتخارآمیز نساخت. در فرانسه و به طور کلی اروپا، اگرچه عده‌ای ناپلئون را به خاطر نبوغ و استعداد نظامی‌اش می‌ستایند، بسیاری نیز به علت جنگ‌های تهاجمی و تجاوزکارانه، وی را محکوم می‌کنند. هم‌چنان‌که در ایران، بسیاری نادرشاه را به‌خاطر حمله به هندوستان، مستحق نکوهش می‌دانند.

۲. جنگ‌های تدافعی

هر ملت یا قوم در برابر تهاجم، به دفاع دست می‌زند. جنگ‌های تدافعی به‌خاطر ماهیت دفاعی آن، همواره نبردهای مشروع و قانونی، عدالت‌خواهانه

یا نبرد ملی و میهنی و در مجموع دفاع مقدس، خوانده شده‌اند. این نوع جنگ‌ها غالباً در کشورها و یا اقوام ضعیف رخ می‌دهد. اکثر کشورهایی که در مقایسه با قدرت‌های مهاجم در موقعیت ضعیفی قرار داشته و فاقد بازدارندگی دفاعی بوده‌اند، مورد تهاجم کشور قدرتمند قرار گرفته‌اند. هرچند ممکن است قدرت بازدارندگی خود را بعد از مدتی به دست آورده و به دلیل ایجاد انسجام و تغییر در توانایی خود، حتی به کشوری مهاجم تغییر موضع دهند.

جنگ‌های دفاعی در تمام مکاتب الهی، مادی و فرهنگ‌های بشری تقدیس شده است. شخصیت‌هایی که در برابر تهاجم، از سرزمین، حیثیت، اموال و نوامیس کشور خود دفاع می‌کنند، در ادیان الهی به عنوان شهید و در مکاتب مادی به منزله قهرمان مورد تجلیل قرار گرفته‌اند. هرچند پیروان عموم مکاتب، از هر دو واژه برای کشتگان و مدافعان نبردهای دفاعی استفاده می‌کنند. شخصیت‌های مدافع و فداکار، در آثار تاریخی، فرهنگی و هنری کشورها، بسیار تأثیر گذاشته‌اند. آن‌قدر که شخصیت‌های مدافع یک جامعه در شکل‌گیری حماسه‌های ماندگار و شخصیت‌های اسطوره‌ای مؤثر بوده‌اند، هیچ طیف انسانی دیگری اثرگذار نبوده است. رستم دستان، آرش کمانگیر، آریو برزن، جلال‌الدین خوارزمشاه، شیخ حسن جوری، امام‌قلی‌خان، عباس میرزا، رئیس علی دلواری، مصطفی چمران، علی‌اکبر شیرودی، صیاد شیرازی، حسین فهمیده و... گزیده‌ای از چهره‌های مدافع و فداکار در تاریخ ملت ایران هستند که در کنار بسیاری از دیگر اسطوره‌های شهادت و فداکاری، ماندگار شده‌اند.

نبردهای تدافعی از حیث تأثیرگذاری به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند:

الف) نبردهای تدافعی پیروز

پس از پیروزی یا شکست در برابر

هجوم خارجی، ممکن است دو اتفاق به‌وقوع بپیوندد: در صورت پیروزی مدافعان کشور یا قوم در برابر لشکر مهاجم خارجی، تحولات درخور توجهی در عرصه فرهنگ، سیاست و اجتماع به‌وجود می‌آید. نبردهای تدافعی پیروز باعث ایجاد روحیه غرور و علاقه‌های ملی و گسترش روحیه حماسی در کشورها می‌شود. اخراج مغولان در نبرد تدافعی سربداران خراسان، پیروزی ایرانیان در اخراج پرتغالیان از جنوب کشور، نبرد مبارزان الجزایری یا فرانسویان، مقاومت

مقاومت‌های

پیروز، همیشه الهام‌بخش

مقاومت‌های در حال جریان

بوده‌اند. هم‌چنان‌که مقاومت

ویتنامی‌ها در برابر آمریکا برای

مردم بسیاری از کشورها از جمله

ایران الهام‌بخش بود

در برابر ارتش

اشغالگر.

عراق،

پیروزی

مقاومت

حزب الله

لبنان

در برابر

اسرائیل،

پیروزی ارتش

روسیه در مقابل ناپلئون

بنپارت و آلمان

هیتلری، مبارزه

چریک‌های ویتنام

با فرانسه و ایالات

متحدۀ آمریکا و

نبرد افغان‌ها

ضد ارتش

اتحاد جماهیر

شوروی، نمونه‌هایی

از مقاومت‌های دفاع

پیروزمندانه است.

نبردهای تدافعی

پیروز زمینه‌ای

می‌شود برای تجلی

فرهنگ مقاومت و نبرد

آزادی‌خواهانه؛ ضمن

این‌که عموماً الگوهای



مناسبی برای یکدیگر هستند. اگر تاریخ فرهنگی مقاومت دفاعی کشورها مرور شود، اشتراکاتی جدی در آن‌ها مشاهده خواهد شد که عبارت‌اند از: توضیح و تبیین فرهنگ، استراتژی، تاکتیک مقاومت و دفاع؛ ترجمه و انتقال این فرهنگ و استراتژی به کشورهای دارای وضعیت مشابه. مثلاً الگوی نبرد و مبارزه روس‌ها در استالینگراد را ویتنامی‌ها در جنگ با فرانسویان به‌کار گرفتند که در آثار هنری و مکتوب نیز منعکس شد. الجزایر هم از اصول و شیوه‌های مبارزه ویتنامی‌ها در نبرد با فرانسوی‌ها استفاده کرد. همین اصول در ایران نیز پس از دخالت و نفوذ آمریکا به کار گرفته شد. ترجمه و استفاده از آثار ژنرال جی‌آپ، فرمانده ارشد ویت‌کونگ‌ها، و دستورالعمل و آثار هوشی‌مین، رئیس‌جمهور ویتنام، در ایران در میان گروه‌های چپ‌گرا و اسلام‌گرایان در قبل و بعد از پیروزی انقلاب شایان توجه است.

مقاومت‌های پیروز، همیشه الهام‌بخش مقاومت‌های در حال جریان بوده‌اند. هم‌چنان‌که مقاومت ویتنامی‌ها در برابر آمریکا برای مردم بسیاری

از کشورها از جمله ایران الهام‌بخش بود. مقاومت لبنان، هم اینک الهام‌بخش و فرهنگ‌ساز نبرد تدافعی با اشغالگران است. از پیامدهای مهم نبردهای تدافعی پیروز، افزایش توان بازدارندگی در عرصه منازعات خارجی و ایجاد قدرت اجتماعی به علت هماهنگی اجتماعی است. کشورهایی که در نبرد تدافعی به پیروزی دست یافته‌اند، بسیار دیرتر از دوره‌هایی که شکست می‌خورند، مورد تجاوز مجدد همان دشمن خارجی قرار می‌گیرند. چنان‌چه پیروزی شاه عباس اول در نبرد با پرتغالیان، آنان را برای همیشه از منطقه خلیج فارس راند و پیروزی در نبرد علیه عثمانی‌ها و ازبک‌ها، سالیان طولانی سرحدات غربی و شرقی کشور ایران را امنیت بخشید. هم‌چنین، پیروزی **نادرقلی میرزا** در نبرد علیه متجاوزان خارجی از جمله دولت نیرومند عثمانی، سبب شد روس‌ها که به مناطقی از ایران تهاجم کرده بودند، عقب‌نشینی و از عملکرد خود عذرخواهی کنند. پیروزی در نبردهای دفاعی باعث شکل‌گیری ساختارهای سازمانی مقاومت در کشور می‌شود. مادام که این ساختار وجود داشته باشد، دوره بازدارندگی استمرار خواهد یافت. چنان‌که سازمان مردمی نیروهای حامیان

فداکار انقلاب در دفاع مقدس با فرهنگ ایثارگری و شهادت شکل گرفت و تغییر عمده در الگو و استراتژی نبرد و مقاومت مردمی ایجاد کرد. مادام که این ساختار با فرهنگ خاص خود تداوم یابد، قدرت بازدارندگی تداوم خواهد یافت.

از جمله تأثیرات نبردهای تدافعی پیروز، زمینه‌سازی برای خلق آثار هنری بسیار در این زمینه است. هیجان به‌وجود آمده از پیروزی در نبرد و مقاومت نیروهای مدافع، احساس بسیاری از مردم را برمی‌انگیزد که به نوعی، مقاومت و پیروزی را ستایش کنند و یاد آن‌ها را محفوظ بدارند. بسیاری از این آثار بر اثر شور و حماسه خلق و در مواردی نیز با حمایت دولت‌ها و شخصیت‌ها، هدایت می‌شود.

ب) نبردهای تدافعی شکست‌خورده

در برخی نبردها که به مردم کشوری حمله می‌شود، به علت پیش‌بینی‌های استراتژیک قدرت مهاجم که اغلب با برتری نظامی همراه است، مهاجمان پیروز می‌شوند و ممکن است مدت‌ها و حتی سالیان طولانی آن کشور را اشغال کنند. اغلب نبردهای تهاجمی به پیروزی یا پیروزی اولیه کشور مهاجم منتهی می‌شود. کشوری که شکست می‌خورد، متحمل ضررها و تأثیرات نامطلوب بسیاری می‌شود. شکست‌های نظامی معمولاً به دو صورت اتفاق می‌افتد:

۱. شکست در مقاومت مظلومانه

مقاومت یک ملت یا مدافعان به علت اندک بودن مبارزان و تجهیزات به شکست منتهی می‌شود و مدافعان، به‌رغم مقاومت جدی در برابر تهاجم، کشته می‌شوند. چنین نبردهایی در عین پذیرش شکست، زمینه‌ساز حماسه‌سازی در جامعه می‌شود که اتفاقاً زاینده روحیه دفاع و



جامعه شکست خورده برای نجات خود و احیای شخصیت و اعتبارش، ظهور یک منجی را آرزو می کند. در چنین اوضاعی، اگر حکومت نتواند به این خواسته مردم پاسخ دهد و مخالفان سازمان یافته نیز داشته باشد، وقوع انقلاب بسیار محتمل است

فقدان

آثار هنری

و علمی خوب در صد سال اول دوره حاکمیت مغول ها و تلاش های محدود و هوشمندانه شخصیت هایی هم چون **خواجه نصیر طوسی** در مهار قدرت مغولان برای حفظ پاره ای آثار، شاهد این مدعاست، و جز گسترش خانقاه ها، که مغولان برای آن حرمت قائل بودند، اتفاق مهم دیگری در کشور نیفتاد؛ هر چند بعدها همین خانقاه ها کانون مقاومت شیعی شد. حمله مغول ها چنان جدی و گسترده و عمیق بود که تا قرن ها ایرانیان از تشکیل یک دولت منسجم ناتوان ماندند و در پی آن، مقاومت شیعی در برابر مغولان تضعیف شد. موج جدید تهاجم تیمور به ایران از سر گرفته شد. این بار نیز به علت فقدان فرهنگ و روحیه مقاومت، تیمور پیروز شد. البته قیام های گسترده ای چون قیام **خواجه فضل الله حروفی**، در برابر تیمور در ایران به راه افتاد و خواهی که نیز به طرز شکوهمندی به شهادت رسید. تنها شیوه ای که ایرانیان در پیش گرفتند، پناه بردن به مشی صوفیگری و بیتوته کردن در خانقاه ها و درویش خانه ها بود. و جامعه ایرانی برای سالیانی دراز در چنگال حاکمیت ملوک الطوائفی گرفتار آمد و از این ناحیه آسیب های فراوانی را متحمل شد.

در دوران معاصر نیز حملات روس ها

تلاش برای از بین بردن آثار شکست به طور جدی آغاز و خود به بحران ها، تنش و بعضاً شورش و جنگ های داخلی خونین دیگر منتهی می شود. ضمن آن که روحیه نبرد و مقاومت در یک کشور از بین می رود و زمینه برای تهاجم جدید فراهم می آید.

ناکامی سپاهیان حضرت علی (ع) در نبرد صفین که به خاطر نافرمانی از دستورات امام علی (ع) به وقوع پیوست، سبب ظهور بحران در سپاه امام و پیدایش خوارج با فرهنگ و آداب و ستیزه جویی های خاصی شد که در نهایت به آشوب در خلافت اسلامی و وقوع جنگ نهروان منتهی گردید. در پی آن جنگ نیز نه تنها ستیزه جویی ها خاتمه نیافت، بلکه به شهادت امام (ع) انجامید و مشکلات فراوانی برای خلافت اسلامی به وجود آمد. نافرمانی و عدم فداکاری سربازان امام حسن مجتبی (ع) در نبرد با معاویه و استحاله خلافت اسلامی، حاکم شدن روحیه ضعف و سستی و فتور بر مسلمانان نیز پیامد همین شکست بود. هم چنین، زمینه گسترش تجاوز امویان به صورت بسیار گسترده تر فراهم شد، ادبیات دینی حاکم فرو ریخت و ادبیات ضد اسلامی اموی حاکم شد، امام حسن (ع) (حقیقت مغلوب) را شهید کردند و برای تغییر وضعیت آشفته سرزمین اسلامی، راهی جز قیام و مقاومت سرسختانه عاشورایی باقی نماند؛ هم چنان که شکست ایرانیان در نبرد با مغولان نیز به فتور و سستی تاریخ منتهی شد؛ شکستی که تمام ارکان اقتصاد، فرهنگ و سیاست کشور را دربر گرفت و برای چندین قرن، شکل گیری حکومتی ایرانی را به تأخیر انداخت.

اگر به بررسی علل عقب ماندگی و فتور تاریخی مسلمانان بپردازیم، قطعاً شکست ایرانیان در برابر مغولان، همانند ساطور بزرگی است که برای دوره ای طولانی، دستان فرهنگ پرور ایرانیان را قطع کرد و ریشه شهامت آنان را خشکاند. این ادعا ممکن است اغراق آمیز به نظر برسد، ولی

مقاومت است. شکست ایرانیان عصر شاه اسماعیل صفوی در نبرد چالدران در برابر عثمانی های مهاجم، مقاومت **لطفعلی خان زند**، مقاومت تنگستانی ها و **رییس علی دلواری** در نبرد با انگلیسی ها، شکست **میرزا کوچک خان جنگلی** در برابر انگلیسی ها و قزاق ها، و مقاومت مردم، پاسداران و بسیجیان در خرمشهر و شهادت **سید حسین علم الهدی** و یارانش در هویزه در جنگ عراق علیه ایران، از آن جمله اند.

این دسته از مقاومت های ناکام، نوعی حماسه اند. عالی ترین نمونه این جنگ ها که سبب مقاومت های بسیار و ایجاد فرهنگی خاص شد، حماسه عاشورا است که حضرت **سیدالشهدا (ع)** به رغم شهادت مظلومانه و شکست در نبرد نظامی، جریان تاریخ را به نفع مظلومان تغییر داد.

۲. شکست در مقاومت مقهورانه

گاهی شکست در دفاع، به علت تعلل، کوتاهی در انجام وظیفه و عدم فداکاری، نافرمانی از فرمانده و مهم تر از همه ترس، صورت می گیرد. این نوع شکست آثار منفی و تلخی را در کشور و قوم برجا می گذارد. بر اثر شکست مقهورانه در برابر تهاجم، روحیه عمومی آن قوم یا کشور در هم می ریزد و آشفتگی و نابه سامانی در کشور پدیدار می شود. بی سبب نیست که حضرت امیرالمؤمنین (ع) در مراحل آغازین جنگ صفین (بعد از این که سپاه معاویه فرات را تصرف کرد) می فرماید: «رَوَالِسُيُوفُ مِنَ الدِّمَاءِ تَرَوَاءُ الْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَ الْحَيَاءُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهَرِينَ: شمشیرهایتان را از خون دشمن سیراب کنید تا خود سیراب شوید. مرگ در زندگی شکست خورده گان و ترسندگان است و زندگی در مرگ پیروزمندان و ترسانندگان».

مهم تر این که بر اثر شکست در نبرد،



به

ایران و
ضمیمه‌شدن

بخش‌های وسیعی
از کشور به خاک آن‌ها،

نمونه‌ای از این دست

آسیب‌ها به‌شمار می‌آید. این

شکست‌ها که بر اثر کوتاهی،

تعلل، ترس و در عین حال قدرت مهاجم

خارجی بوده است، تا ۱۵۰ سال چنان

روحیه ترسی بر ایرانیان مستولی ساخت که

پس از شکست از روسیه تزاری، ایرانیان

در تمامی مواجهات خارجی بدون استثنا

شکست خوردند و بخشی از سرزمینشان را

از دست دادند و به لحاظ فرهنگ و تمدن

دچار اضمحلال و یا دست‌کم افت شدید

شدند. شکست ایرانیان در نبرد اول، باعث

تلاش علما از جمله **سید محمد مجاهد** و

ملا احمد نراقی و اعلام جهاد برای نجات

از این شکست شد. اما دولتیان حاکم،

شکست مجددی را بر مردم و علما تحمیل

کردند و با بیرون راندن علما از عرصه جهاد،

خود شکست جدید خفت‌باری را با امضای

قرارداد ترکمانچای پذیرا شدند. **ملا احمد**

نراقی، نومیدانه از میدان نبرد به کاشان رفت

و در آن‌جا کتاب عوایدالایام را نوشت که

هدف از آن نجات کشور از شرایط موجود

و تغییر حاکمیت پادشاهان جاهل و بی‌سواد

و بدون تعهد بود.

او در این کتاب با استناد به منابع

دینی، نظریه ولایت فقیه را مطرح کرد.

شکست‌های پیاپی ایرانیان، متفکران ایرانی

را به فکر خروج از
شرایط پیچیده اجتماعی
انداخت. افرادی چون **سید**

جمال‌الدین اسدآبادی و

مراجعی مانند **میرزای**

شیرازی، برای اصلاح

امور، روش بازگشت به

اسلام و وحدت مسلمانان

را پی گرفتند. در مقابل،

متفکران غربگرا و فراماسون،

به پناه بردن به مدرنیته و گرایش

فرهنگ غرب می‌اندیشیدند. نتیجه تعامل

و تضارب این آرای مختلف، به جنبش

تنباکو در عصر **ناصرالدین شاه قاجار** و

عدالت‌خواهی و قتل او منتهی شد. در عصر

مظفرالدین‌شاه نیز عدالت‌خواهان به تلاش

بیشتری روی آوردند و به جنبش مشروطیت،

که اتفاقاً به واسطه پیروزی ژاپن بر روسیه

به لحاظ روحی تقویت شده بود، منجر شد.

بعد از مشروطه، مقاومت‌های جدی‌تری در

برابر خارجیان صورت گرفت، نظیر جنبش

میرزا کوچک‌خان و مقاومت رییس‌علی

دلواری در جنوب. اما شکست‌های مکرر

سیاسی، نظامی و اقتصادی ایرانیان در

برابر روس‌ها و انگلستان، باعث ضعف و

فتور عمومی مردم ایران شد و موارد فوق

استثناهای خاص تاریخی در این دوره

است: مانند قرارداد ۱۹۰۷ و سپس جنگ

جهانی اول که ایران به چند حوزه نفوذ میان

انگلیس و روسیه تقسیم شد و هیچ مقاومت

عمومی صورت نگرفت.

قرارداد تحت‌الحمایگی ایران در

قرارداد ۱۹۱۹م جز با همان مقاومت‌های

اندک فوق اتفاقی را به همراه نیاورد و این

رقابت‌های درونی انگلیسی‌ها با یکدیگر

بود که به جای قرارداد تحت‌الحمایگی
هزینه‌آور، پیشنهاد کودتای بدون هزینه
را دادند و هزینه‌های اشغال ایران را با
کودتای ۱۲۹۹ش بر دوش ایرانیان نهادند.
این بار انگلیسیان بدون دخالت روس‌ها
می‌توانستند برای ایران پادشاه تعیین کنند
و اتفاقاً مأموریت این پادشاه، درهم‌شکستن
باقی‌مانده روحیه مقاومت در میان عشایر
و مرزنشین‌ها بوده است که در جریان
حملات مختلف ارتش رضاخان، این مهم
به انجام رسید. به گونه‌ای که در جریان
جنگ جهانی دوم، ایران کاملاً به اشغال
ارتش متفقین درآمد؛ بدون آن‌که ارتش و
مردم کوچک‌ترین مقاومت سازمان‌یافته‌ای
از خود نشان دهند و انگلیسی‌ها، شاه‌ی
را که خود بر تاج و تخت نشانده بودند،
برداشتند و شاه جدید را جای‌گزین کردند.
بررسی این دوره حکایت از آن دارد
که در میان نظامیان، علما، روشن‌فکران
و عشایر، رگه‌های سازمان‌یافته مقاومت
وجود نداشت و در این دوره هیچ فرهنگ
مقاومتی شکل نگرفت. جمعی از ایرانیان
برای اثبات حقانیت خود به گذشته‌های دور
و باستانی پناه بردند یا این‌که در حسرت
وجود یک رستم و در غم سهراب گریستند
و تنها شاهد قطعه‌قطعه شدن ایران بودند و
متأسفانه جز مقاومت مختصر علمای دین
و مردم متدین، هیچ‌گونه مقاومت جدی در
ایران صورت نگرفت.

۲. جنگ‌های داخلی

جنگ‌های داخلی به نبردهایی گفته
می‌شود که بین مردم یک حوزه جغرافیایی
واحد به وقوع می‌پیوندد و البته ممکن است
که این مردم با همدیگر وحدت عقیدتی
مشترک داشته یا به لحاظ عقیدتی دچار
تعارض باشند. در صورت وحدت عقیدتی
مشترک، نبرد بر سر منافع و مطامع و نوع
تقسیم مواهب خواهد بود. نظیر جنگ
جمل که میان اصحاب امیرالمؤمنین(ع)
و یاران گذشته‌اش اتفاق افتاد. گاهی هم

برداشت‌های مختلف از یک واقعه و عقیده به نبرد منجر می‌شود، نظیر جنگ با خوارج. ضعف قدرت مرکزی در ماه‌های اول انقلاب اسلامی با آغاز نبردهای گروه‌های تجزیه‌طلب در کردستان و چریک‌های فدایی خلق در ترکمن صحرا و حزب‌التحریر در خوزستان همراه بود که برخی از آن‌ها به سرعت خاتمه یافتند و در مورد اول مدت‌ها به طول انجامید. بسیاری از کشورهای جهان به علت پراکندگی جغرافیایی و تفاوت نگرش‌های مذهبی یا سابقه اشغالگری، گرفتار درگیری‌های داخلی می‌شوند. جنبش‌های جمهوری‌خواه ایرلند، سازمان اتا، چریک‌های تیمور شرقی، ببرهای تامیل، در این خصوص درگیری‌های داخلی بسیاری را تجربه کردند. تردیدی وجود ندارد که جنگ‌های داخلی به لحاظ عملیاتی اشکال متفاوتی دارد و به همین ترتیب به لحاظ انگیزشی نیز به اشکال متعدد تقسیم می‌شود.

جنگ‌های داخلی از لحاظ شکل و سبک به نوع و میزان نیروهای درگیر در نبرد بستگی دارد. چنان‌چه نیروهای مخالف با حاکمیت مرکزی دست به شورش بزنند، نوعی جنگ داخلی میان حکومت و بخش‌هایی از مردم به وجود می‌آید که به قصد شورش یا اصلاح به راه افتاده است. جنگ‌های داخلی ایرانیان با مغولان، قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی علیه قرارداد ۱۹۱۹، جنگ داخلی کوبا به رهبری فیدل کاسترو ضد ژنرال باتیستا، و نبرد چریک‌های السالوادور علیه حاکمیت مرکزی، نمونه‌هایی از این دست هستند.

گاهی جنگ‌های داخلی با هدف تجزیه از دولت مرکزی صورت می‌گیرد که با نوعی ادبیات و تمایلات جدایی طلبانه همراه است. البته این تجزیه‌خواهی دو شکل متفاوت دارد. نخست آن‌که سرزمینی به اشغال دولت اشغالگری درآید و جزو قلمرو آن شود. این نوع نبردها، عموماً به شکل شورش هستند.

نبرد چریک‌های الجزایر با دولت فرانسه، مبارزه هندی‌ها با دولت انگلستان و ارتش جمهوری‌خواه ایرلند با دولت انگلیس، جنگ داخلی در انقلاب اول کوبا علیه اسپانیا و نبردهای چریک‌های سوآپو و کنگره ملی خلق آفریقای جنوبی با دولت آفریقای جنوبی و نبردهای مردم جنوب لبنان و فلسطینیان با اشغالگران اسرائیلی از این نوع هستند. این دسته از نبردهای داخلی عموماً مقاومت نامیده می‌شود که سازنده و خالق آرزوها و آمال ملت‌هاست. اما گاهی نبردها به قصد سرکوب گروه‌های رقیب برای تصاحب سهم بیشتر از قدرت است. برخلاف نبردهای مقاوم که بسیار مقدس جلوه می‌کنند، این نبردها بسیار تلخ و تبعات سوء اجتماعی دارند.

جنگ‌های فراوانی در تاریخ ایران و کشورهای مسلمان اتفاق افتاد که طرفین به قصد تصاحب قدرت یکدیگر، دست به جنایات گسترده زدند، مثل نبرد فرزندان خسروپرویز و عبدالله بن زبیر و عبدالملک مروان، جنگ عباسیان و امویان، درگیری‌های متعدد داخلی در سرزمین ایران میان صاحبان قدرت، و هم‌چنین جنگ امین و مأمون فرزندان هارون الرشید، نبرد میان بازماندگان هولاکوخان در ایران، جنگ‌های میان حاکمان ملوک‌الطوایفی در ایران در حد فاصل حمله تیمور و روی کار آمدن صفویه، جنگ‌های محمدحسن خان و آقامحمدخان علیه حاکمیت مرکزی تا کودتای ۱۲۹۹، از جمله این نبردهای داخلی هستند که پیامدهای سنگین و تلخی برای مردم داشته و دارند.

از نمونه‌های دیگر آن می‌توان به جنگ‌های شانزده ساله داخلی لبنان و جنگ بالکان و اتحاد صرب‌ها علیه مسلمانان در بوسنی اشاره کرد که اعمال سیاست نسل‌کشی گسترده مسلمانان را به دنبال داشت. از این دسته از جنگ‌ها، عموماً با تلخکامی فراوان یاد می‌شود، زیرا دوستان

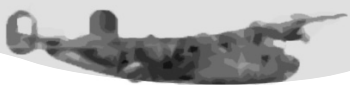
دیروز بر یکدیگر تیغ می‌کشند، درحالی‌که همان‌ها باید دوباره با یکدیگر بر سر سفره یک جغرافیای واحد بنشینند. در تاریخ ادبیات ایران، جنگ رستم و سهراب و مرگ سیاوش، نمونه‌های ادبی از این نوع جنگ است. داستان معروف شکسپیر در هملت و قتل برادر و ازدواج با همسر وی و انتقام آن و هم‌چنین داستان شاه‌ریچارد و پرنس جان، از موارد معروف برادرکشی در جنگ‌های داخلی بر سر تصاحب قدرت است.

در میان همه ملت‌ها، چنین داستان‌های مشابهی وجود دارد. واقعیت یا افسانه بودن آن، حکایت از این دارد که جنگ داخلی میان برادران و همگنان و هم‌وطنان جز حزن و اندوه تاریخی ثمره دیگری ندارد و تأمل در این مسئله ما را متوجه این واقعیت می‌کند که چرا حضرت امیرالمؤمنین (ع) در تمامی نبردها، با وجود مشکلات فراوانی که برایشان فراهم می‌شد، اصرار داشتند تا در اجرای سیاست‌های عمومی خلافت اسلامی از وقوع نبرد جلوگیری کنند و این از اشتباهات مسلم تاریخ و ذهنیت اموی‌گرایانه است که آن حضرت را مظهر نبرد و خشونت معرفی کرده‌اند.

شکست در میدان نبرد برای دولت مهاجم غالباً با بحران‌های داخلی همراه است

پرشکوه‌ترین حماسه‌های امیرالمؤمنین (ع) در صحنه‌های نبرد، احتراز ایشان از وقوع جنگ بوده است.

گاهی نبردهای داخلی، وحدت‌بخش هستند. جنگ‌هایی که به قصد گردآوری



کانون‌های مختلف گریز از مرکز تحت حاکمیت دولت مرکزی صورت می‌گیرد. این نبردها صرف نظر از شکل، وحدت بخشی جغرافیایی را حفظ می‌کنند و تشکیل دولت مرکزی و هویت ملی را فراهم می‌سازند. در تاریخ ایران، یکی از مشهورترین این نبردها که مورد کم توجهی قرار گرفته است، نبردهای شاه اسماعیل صفوی برای ایجاد وحدت ملی در کشور و تبدیل آن از ملوک الطوائفی به وضعیت ملت-کشور و حاکمیت واحد است و این تا حدود زیادی با وحدت یابی واحدهای کوچک سیاسی در اروپا و هم چنین شکل گیری امپراتوری عثمانی هم زمان است.

باید توجه داشت که وجدان عمومی ملت‌ها و تاریخ معمولاً در تمییز دادن قدرت خواهان، تجزیه جویان و استیلا طلبان از علاقه مندان به مردم میهن و آیین کمتر دچار اشتباه می‌شود و هیچ گاه ادبیات ستایش از قهرمانان نبردهای تجاوز کارانه، جز در میان طرفداران ویژه آن‌ها، میان سایر ملت‌ها شکل و صورت واقعی نخواهد یافت. برای بررسی بیشتر چنین مطالبی منابع زیر دربردارنده اطلاعات فروانی اند:

نهج البلاغه.
مزاحم کوفی، نصر ابن. وقعه الصفین.
تاریخ طبری.
لوبون، گوستاو. تمدن اسلام و غرب.
پارسادوست، منوچهر. شاه اسماعیل اول.
انتشارات سهامی انتشار.
خاطرات علی عزت بگوویج. اندیشه سازان نور.
موسی نجفی. مظفر نامدار و موسی حقانی. تاریخ معاصر ایران. مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
ام. کالینز، جان. استراتژی بزرگ، ترجمه کوروش باینلر.
جعفریان، رسول. دین و دولت در عصر صفوی.
عاملی، جعفر. زندگی سیاسی امام رضا (ع).
سویدان، طارق. تاریخ مصور فلسطین.
مغازی. واقدی.
روزشمار جنگ تحمیلی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
تاریخ یعقوبی.
تاریخ بلعمی.

ایرج افشار تحصیلات ابتدایی را در دبستان زرتشتیان و شاپور تجریش به انجام رساند. سپس وارد دبیرستان فیروز بهرام شد و در سال ۱۳۲۴ گواهی نامه دبیرستان را در رشته ادبی اخذ کرد. از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۸ در دانشکده حقوق دانشگاه تهران، در رشته حقوق قضایی تحصیل کرد و رساله خود را تحت عنوان «اقلیت‌ها در ایران» ارائه داد. علاقه به فرهنگ و ادب در او پیش از اشتغال در رشته تحصیلی دانشگاهی اش بود. لذا در سال ۱۳۲۹ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و در مدارس شرف و قریب تهران تدریس کرد.

در سال ۱۳۳۰ بارقه‌ای تازه مسیر زندگی علمی و فرهنگی این جوان جویای علم را هدفمندتر کرد. به تشویق دکتر محسن صبا و محمد تقی دانش پژوه، به کتابداری در کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران پرداخت و بعدها در فن کتاب شناسی و کتابداری بی نظیر شد. وی در این دانشکده تجربه‌ای را آغاز کرد که در سرنوشت آتی او نقش مهمی ایفا کرد. در سال ۱۳۳۱ مجله فرهنگ ایران زمین را بنیان گذارد.

از سال ۱۳۳۳ تا ۱۳۳۵ سردبیر مجله سخن بود. از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۷ مدیر و سردبیر مجله راهنمای کتاب بود. هم چنین

از سال ۱۳۳۷ به تدریس در دانش سرای عالی وابسته به دانشگاه تهران پرداخت. در سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۴۰ نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را تأسیس کرد و به ریاست کتابخانه دانش سرای عالی رسید.

در سال ۱۳۴۱ به مقام ریاست کتابخانه ملی ایران نایل گشت. سال ۱۳۴۲ رئیس مرکز تحقیقات ایران شناسی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۴۲ فهرست نگاری مجموعه کتاب‌های چاپی فارسی دانشگاه هاروارد آمریکا را به انجام رساند. زبان‌های انگلیسی و فرانسه را خوب می‌دانست. در سال ۱۳۴۸ رئیس مرکز ملی کتاب وابسته به کمیسیون ملی یونسکو شد و از این سال تا سال ۱۳۵۷، به استادی رشته تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی نایل گشت. در این سال‌ها به تدریس در رشته‌های کتابداری، علوم تربیتی و علوم اجتماعی پرداخت. او در دانشگاه برن سوییس نیز تدریس می‌کرد. ایرج افشار از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۵۷، رئیس کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران بود. در سال ۱۳۷۴ کار فهرست نگاری نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه ملی اتریش در وین را به عهده گرفت و انجام داد. ایشان عضو چندین انجمن مرتبط با ایران شناسی

در اواخر سال گذشته، مردی از دنیا رفت که بی شک از برجسته ترین نسخه شناسان روزگار ما و دانشمندی بزرگ بود. استاد ایرج افشار محقق، مورخ و پژوهشگر در حوزه ایران شناسی، متولد ۱۶ مهرماه ۱۳۰۴ در تهران و فرزند دکتر محمود افشار، (بنیان گذار موقوفات دکتر محمود افشار یزدی و یکی از استادان مدرسه دارالفنون) و خانم نصرت برازنده بود.

درگذشت ایرج افشار

اکرم علیخانی

در داخل و خارج از ایران و نیز عضو شورای عالی اسناد ملی ایران بود. افشار تحقیقات ارزشمندی درباره ایران شناسی و کتاب شناسی انجام داد که در نشریات معتبر ایرانی و خارجی منتشر شده است. از ایشان به عنوان پدر کتاب شناسی ایران یاد می شود. تألیف کتاب های متعدد، صدها مقدمه بر کتاب های شاگردان و دوستان و دیگران، نگارش قریب به هزار مقاله و سردبیری ده مجله و نشریه مهم، از افتخارات پدر کتاب شناسی ایران است. هم چنین بیش از دویست و پنجاه عنوان کتاب و رساله در زمینه های تصحیح، تألیف و ترجمه از ایشان منتشر شده که در نوع خود بی نظیر است. کتاب ها و رسالات او در چند حوزه تحقیقات ایرانی، کتاب داری و کتاب شناسی و منابع تاریخی انتشار یافته است. استاد ایرج افشار قرار بود در سپتامبر سال ۲۰۱۱ در رشته تاریخ از دانشگاه اسکاتلند، مدرک دکترای افتخاری دریافت کند.

فهرست برخی از آثار استاد افشار عبارت است از:

– پژوهش های ایران شناسی نامواره دکتر محمود افشار. انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار. چاپ اول. ۱۳۸۴.

– دفتر تاریخ. انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار. چاپ اول. ۱۳۸۴.

– ریاض الفردوس خانی. انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار. چاپ اول. ۱۳۸۵.

– فرهنگ ایران زمین در ۳۰ جلد. به کوشش ایرج افشار.

– نامه های تهران شامل ۱۵۴ نامه از رجال دوران به سید حسن تقی زاده. به کوشش ایرج افشار. انتشارات فروزان روز. چاپ دوم. ۱۳۸۵.

– گلگشت در وطن. سفرنامه چه. انتشارات اختران. چاپ اول. ۱۳۸۴.

– فهرست دست نویس های فارسی در کتاب خانه ملی اتریش و آرشیو دولتی اتریش در وین. انتشارات فرهنگستان علوم اتریش. فهرستگان چاپ اول. ۱۳۸۲.

هم چنین، مقاله های فارسی با موضوع ایران شناسی را در شش جلد کتاب به نام «فهرست مقالات فارسی» به چاپ رسانده است. این شش جلد بالغ بر چهل سال از زندگی وی را دربر گرفته است. هر که بخواهد در موضوعات مربوط به ایران و زبان و فرهنگ ایرانی دست به پژوهش بزند، از مراجعه به این کتاب بی نیاز نخواهد بود. تعداد مقالاتی که این ادیب بزرگ در مجلات به چاپ رسانده است، بالغ بر دو

هزار مقاله است و کتاب هایی که در زمینه فرهنگ، تاریخ و ادب ایران منتشر کرد، افزون بر سیصد جلد می شود که در نوع خود بی نظیر است.

مهدی آستانه ای در مقاله ای در وصف محقق فقید ایرج افشار آورده است: «جناب آقای افشار از تهران با ماشین خودش می رود تا هرجا که باشد؛ مگر چیز تازه ای بیاید و بر ثروت فرهنگی کشور بیفزاید. در این راه، نه اندیشه هزینه دارد و نه پروای خطر که به قول استاد پاریزی، مزاربان تاریخ شده است.»

ایرج افشار، مؤلف، مصحح و پژوهشگر برجسته حوزه ایران شناسی، مدتی بود که از بیماری رنج می برد. از شامگاه پنجشنبه دوازدهم اسفندماه ۸۹ در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان جم تهران بستری شده بود. سرانجام بیماری خونی که قلب و ریه وی را درگیر کرده بود، در بعد از ظهر چهارشنبه هجدهم اسفند ۱۳۸۹، شمع وجود این استاد فرهیخته و فقید را در سن ۸۵ سالگی خاموش کرد.

منابع

۱. کتاب ارج نامه ایرج (جشن نامه ایرج افشار). عباس زریاب خویی و محمدتقی دانش پژوه. انتشارات توس.
۲. وبگاه. ویکی پدیا.

ایران و ایرانیان در حیات مردان نامی

رحیم شبانه

دبیر تاریخ از بهبهان

مقدمه

پلوتارک از مورخان به نام یونان باستان است که در عصر رومیان، کتاب حیات مردان نامی را نوشت. او به جای نگارش حوادث زمان معاصر خود، با استفاده از نوشته‌های مورخان، کوشید نوعی بازسازی را در تاریخ‌نویسی ارائه دهد. هرچند این کتاب بیشتر درباره افراد و شخصیت‌های مشهور یونان و روم نوشته شده، اما مطالبی نیز در ارتباط با ایران عصر هخامنشی، سلوکی و اشکانی دارد. این مقاله برای شناخت بهتر دیدگاه پلوتارک در ارتباط با تاریخ ایران و ایرانیان نوشته شده است.

کلیدواژه‌ها:

پلوتارک، ایران باستان، ایران.

حیات پلوتارک و کتاب حیات مردان نامی

پلوتارک یا پلوتارخوس، مورخ، زندگی‌نامه‌نویس و فیلسوف بزرگ یونانی در اواسط قرن اول میلادی، در شهر «خروئه» در سرزمین «بئوسی» یونان در خانواده‌ای اصیل و ثروتمند به دنیا آمد [پلوتارک ۱۳۷۹: ۱۲ مقدمه]. او برای تکمیل تحصیلات خود به آتن و سپس برای تدریس علوم مختلف به رم سفر کرد [میراحمدی، ۱۳۶۹: ۹۵]. وی از طرف تراژان، امپراتور روم، با اختیارات کامل به حکومت ایالت «ایلیری» رسید. اما در اواخر قرن اول به خروئه برگشت و به تألیف آثارش پرداخت. و در سال ۱۲۰ میلادی همان‌جا درگذشت. تعداد آثارش را بیش از ۱۰۰ و حتی ۱۲۰ کتاب نوشته‌اند [موسوی، ۱۳۸۰: ۳۹]. مشهورترین کتاب پلوتارک همانا کتاب زندگی‌نامه مردان مشهور است که شامل شرح حال ۴۴ تن از مردان برجسته یونانی و رومی و مقایسه آن‌ها با همدیگر است. این کتاب چهار زندگی‌نامه منفرد دیگر را نیز دربرمی‌گیرد. انگیزه او بیشتر استفاده اخلاقی و عبرت‌آموزی بوده است. در نوشتن این کتاب، از منابع فراوان مورخان یونانی و رومی پیش از خود بهره



نشد آموزش تاریخ

گرفته و تقریباً بیشتر این منابع را در کتابش نام برده است. وی در این کتاب از حماسه، شعر، تراژدی، کمدی و فلسفه استفاده کرده است.

تاریخ ایران در حیات مردان نامی عصر هخامنشی

با وجود آن‌که کتاب حیات مردان نامی بیشتر درباره افراد و شخصیت‌های یونانی و رومی است و به جز زندگی‌نامه اردشیر دوم هخامنشی، به‌طور مستقل به زندگی هیچ شخصیت ایرانی دیگر نپرداخته است، در عین حال پلوتارک در زندگی‌نامه‌های افراد یونانی و رومی به‌طور پراکنده از ایران و ایرانیان مطالبی را ذکر کرده است. او اطلاعات خود را از منابع گوناگون استفاده می‌کند. درباره جنگ‌های ایران و یونان، کتاب هرودوت منبع اصلی است. از نوشته‌های تو سیدید نیز به فراوانی بهره برده، در مورد نبرد سالامیس از نوشته‌های اشیل که تراژدی به نام ایرانیان^۱ داشته و خود در این جنگ حضور داشته، بهره گرفته است [همان، ج ۱، ۲۳۴]. در مورد زندگی اردشیر دوم از نوشته‌های مورخانی چون دیون یا دنیون و هراکلید و کتزیاس استفاده کرده است. کتزیاس حدود ۱۷ سال



هستند. نویسنده نشان می‌دهد که خود یونانی‌ها بر قدرت ایرانیان اذعان داشتند. منتها تمام تلاششان آن بود که این قدرت به مرزهای آسیا منحصر باشد [همان، ج ۱، ص ۴۴۲].

با وجود دید ناسیونالیستی پلوتارک، از نوشته‌های او می‌توان فهمید که یونانیان تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایران بوده‌اند. آن‌ها از معماری هخامنشی الهام می‌گرفتند. چنان‌که پلوتارک می‌نویسد: پریکلس ساختمانی را بنا کرد. «گویند که آن را از روی الگوهای محل جلوس خشایار شاه ساخته و به امر پریکلس از آن محل طراحی و اقتباس شده است» [همان، ص ۴۳۱]. منابع دیگر نیز این گفته‌ها را تأیید می‌کنند. یونانی‌ها هم‌چنین در ساختن آثار و بناهایی چون «اودئون یا تالار موسیقی»، «پریتاسیوم»، «پارتنون» و «ارخئتوم»، تاحدود زیادی از بناهای ایرانی الهام گرفته‌اند [بیکر،

پلوتارک نیز مانند هرودوت ایران را مظهر و مرکز

استبداد می‌داند و یونان و تمدن آن را مظهر

آزادی و روح دموکراسی قلمداد می‌کند

۱۳۸۸، ۱۹]. از صادرات ایران به یونان در این زمان اسب‌های معروف «نسائی» بوده است. ظاهراً نساء شهری در ناحیه‌ی ماد در ایران قدیم است که مرکز پرورش بهترین اسب‌ها بود [پلوتارک، همان، ص ۲۷۵].

چنان‌که گفته شد، به جز زندگی‌نامه اردشیر دوم هخامنشی، موضوع نوشته‌های پلوتارک تاریخ ایران نبوده است. اما چون بسیاری از قهرمانان کتاب او به نوعی زندگی‌شان با ایران و ایرانیان گره خورده است، پس به‌ناچار او مطالبی را از تاریخ ایران ذکر می‌کند. پلوتارک ظاهراً نظر خوبی نسبت به کوروش، مؤسس سلسله هخامنشی، نداشته و محرک او برای فتوحات را چون اسکندر مقدونی، میل و شهوت سیراب‌نشدنی به تسلط و سلطنت

قلمداد می‌کند [همان، ج ۱، ص ۳۴۱]. نوشته‌های او نشان می‌دهد که وی دولت هخامنشی را دولتی سلطه‌گر می‌دانست که یونانی‌ها حتی به قیمت نابودی خود، باید جلوی آن را می‌گرفتند [همان، ج ۴، ۶۳۶]. با وجود این، پلوتارک نیز مانند توسیدید شاهان هخامنشی را بزرگ می‌داند و نشان می‌دهد که از نظر یونانیان، ایران منبع ثروت بی‌پایانی است که آن‌ها (یونانی‌ها) همیشه با حسرت به آن نگاه می‌کردند. از نوشته‌های پلوتارک به‌خوبی می‌توان فهمید که ایرانیان در معادلات سیاسی میان دولت-شهرهای یونانی، نقش اصلی را داشتند. به‌طوری‌که سرداران و فرمان‌روایان یونانی برای افزایش نفوذ سیاسی یا موقعیت اقتصادی خود در برابر رقیبان، با آن‌ها در حال چانه‌زنی

در دربار هخامنشیان زندگی کرده بود. او کتابی درباره‌ی پارس‌ها نوشت که به ادعای خودش آن را از روی پوست نوشته‌های شاهان هخامنشی تدوین کرده بود [امستد، ۱۳۷۸، ۵۱۷]. اما پلوتارک درباره‌ی صحت مطالب او شک دارد [پلوتارک، ج ۴، ۴۷۸]. شاید دلیل این باشد که نوشته‌های کتزیاس با گفته‌های هرودوت مطابقت ندارد [داندامایف، ۱۳۷۳، ۱۶۲]. درباره‌ی نبرد کوناکسا و شورش کوروش صغیر علیه برادرش اردشیر دوم، به‌جز نوشته‌های گزنفون، از آثار دیگران هم بهره گرفته شده است.

پلوتارک نیز مانند هرودوت ایران را مظهر و مرکز استبداد می‌داند و یونان و تمدن آن را مظهر آزادی و روح دموکراسی

و حرص و ولع بی انتها در فرمان‌روایی مطلق می‌داند [همان، ج ۴، ص ۳۶۴].
 علت لشکرکشی **داریوش اول** به یونان را تصرف تمام یونان و غارت آن می‌داند [همان، ج ۲، ۱۰۷]. دربارهٔ جنگ **خشایارشا** و شکست ایران در سالامیس نیز مطالبی نقل می‌کند و می‌نویسد: بدون شک نجات یونان در این نبرد، مرهون نیروی دریایی آن‌ها بوده است [همان، ج ۱، ۳۱۰].
 پلوتارک هم در بسیاری از موارد به تکرار گزافه‌گویی‌های هرودوت و دیگر مورخان یونانی پرداخته است و از سپاه خشایارشا و ترس ایرانیان از یونانیان آمار و ارقام حیرت‌آوری ارائه می‌دهد. تناقض‌گویی در گفتار پلوتارک زیاد به چشم می‌خورد. مثلاً در حالی که پیروزی‌های افتخارآمیز یونانی‌ها در زمان **سیمون** در برابر ایرانیان می‌گوید. به‌طوری که در قرارداد صلح نیز آن‌گونه که او آورده، قید شده بود. بلافاصله چند سطر پایین‌تر، مطالبی نقل می‌کند که نشان می‌دهد برعکس، یونانی‌ها چه‌قدر از

ایرانیان ترس و واهمه داشتند [همان، ج ۲، ص ۵۱۱]. آن‌گونه که پلوتارک نشان می‌دهد، در بسیاری از موارد، یونانی‌ها در برخورد با ایرانیان از در مکر و فریب وارد می‌شدند [همان، ص ۱۱۵]. ماراتن و سالامیس در ذهن یونانی‌ها به سمبل پیروزی بر بیگانگان تبدیل شده بود [همان، ص ۱۲۴].

برداشتی که از نوشته‌های پلوتارک می‌شود، این است که با وجود نظام-دولت-شهر و تفرقه و اختلاف بین دولت-شهرهای یونانی، جنگ‌های داریوش و خشایارشا باعث ایجاد نوعی وحدت و حس ناسیونالیستی بین یونانی‌ها شده بود. او می‌نویسد که حکمرانان ولایات آسیای صغیر بیشتر سرداران سپاه هخامنشی بودند [همان، ص ۵۲۱].

پلوتارک، اردشیر اول پسر و جانشین خشایارشا را در مهربانی و نرم‌خویی

و علوطبع بر تمامی پادشاهان سلسلهٔ هخامنشی برتر می‌داند و می‌نویسد: او را درازدست می‌گفتند، بدین‌خاطر که دست راستش از دست چپ بلندتر بود. البته برخی در این مطلب شک دارند، زیرا پادشاهان نباید نقص عضو داشته باشند. اگر پادشاهی هم نقص عضو می‌داشت، آن را مخفی و پوشیده می‌کرد [بیانی، ۱۳۸۴: ۱۳۸]. پلوتارک، اردشیر دوم معروف به باحافظه یا ممنون را پسر دختر اردشیر اول می‌داند [همان، ج ۴، ص ۴۷۸].

در زمان اردشیر دوم بود که برادرش **کوروش صغیر** علیه او شورش کرد. پلوتارک می‌نویسد: کوروش صغیر از آغاز طفولیت طبعی پرخاش‌جو داشت، درحالی‌که اردشیر برادر او بسیار ملایم و رحیم بود و به‌ندرت گرفتار خشم می‌شد. با اطرافیان خود به مدارا رفتار می‌کرد [همان، ص ۴۷۹]. با وجود آن‌که پلوتارک مطالب خود دربارهٔ کوروش صغیر و اردشیر دوم را از گزننفون اقتباس کرده است، اما در کتاب گزننفون برخلاف پلوتارک، تعریف و تمجیدهای زیادی نسبت به کوروش شاهد هستیم [گزننفون، ۱۳۸۳: ۷۶]. بعد از اردشیر دوم، پسرش «اوخوس» معروف به اردشیر

با وجود آن‌که پلوتارک از اسکندر و اقداماتش تعریف و تمجید زیادی می‌کند، اما می‌نویسد: محرک اصلی اسکندر در حمله به ایران، چیزی جز سودای تجاوز و تعدی نیست



سوم، به پادشاهی رسید [پیرنیا، ۱۳۷۰: ۱۴۷]. به گفته پلوتارک، او از شرورترین و سفاک‌ترین مردان روزگار بوده است [همان، ص ۵۲۱].

مؤلف «حیات مردان نامی»، شاهان هخامنشی را مظهر طلا و ثروت می‌داند و از ضیافت‌ها و بخشش‌های فراوان آن‌ها خبر می‌دهد. به‌طوری که می‌نویسد، این ضیافت‌ها و بخشش‌ها در میان یونانی‌ها ضرب‌المثل شده بود. او نقل می‌کند، یکی از نشانه‌های عظمت امپراتوری و سروری ایرانیان بر دنیا در این زمان آن بود که (در شوش) پادشاهان ایران آب مورد نیاز خود را از رودخانه‌های نیل و دانوب به این محل حمل می‌کردند [همان، ج ۳، ص ۴۵۵].

مطالبی که پلوتارک در مورد مذهب ایرانیان دوره هخامنشی ارائه می‌دهد، با نوشته‌های هرودوت، استرابن، گزنفون و سیسرون و غیره، تا حدود زیادی مطابقت دارد [داماندایف، ۱۳۷۳: ۳۰۵] او از رسم و رسومات ایرانیان و دربار هخامنشی اطلاعات فراوانی به خواننده می‌دهد. ازجمله این‌که مردم شوش، پایتخت

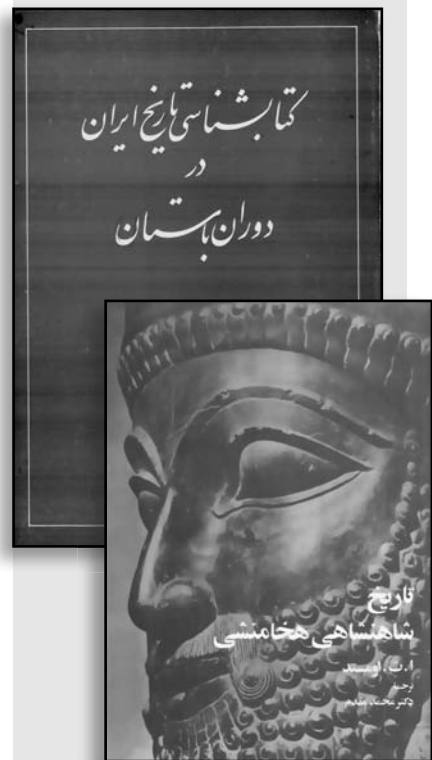
هخامنشی، در روزهای گرم تابستان روی مشک‌های پر از آب می‌خوابند [همان، ص ۴۵۴]. هم‌چنین نویسنده از جغرافیای ایران نیز مطالب جالبی دارد. درباره منشأ دریای خزر می‌نویسد: «این دریا از لبریز شدن آب‌های زائد مرداب‌های «مئوتید» تشکیل شده است» [همان، ص ۴۶۶].

اسکندر و جانشینانش

دوران قدرت یابی فیلیپ، پدر اسکندر، با دوران زمام‌داری اردشیر سوم هخامنشی مصادف است. آن‌گونه که پلوتارک آورده است اردشیر در این زمان سعی در ایجاد ارتباط با مقدونی‌ها داشت [همان، ص ۳۹۹]. شاید چون از میزان قدرت و اهداف فیلیپ و اسکندر مطلع بود، درصدد تحریک یونانی‌ها علیه مقدونی‌ها برآمد [همان، ج ۴، ص ۱۷۶]. پلوتارک در چند مورد بیان می‌کند که از دفتر خاطرات روزانه اسکندر کلمه‌به‌کلمه استفاده کرده است [همان، ج ۳، ص ۵۱۰] به‌غیر از دفتر خاطرات اسکندر، او از نامه‌های منسوب به اسکندر در نوشتن زندگی‌نامه اسکندر بهره برده است [همان، ص ۴۰۴].

با وجود آن‌که پلوتارک از اسکندر و اقداماتش تعریف و تمجید زیادی می‌کند،

اما می‌نویسد: محرک اصلی اسکندر در حمله به ایران، چیزی جز سودای تجاوز و تعدی نیست [همان، جلد ۴، ص ۱۱۹]. او تأسف می‌خورد که چرا کسی چون اسکندر که یک غیر یونانی بود، آرزوی یونانی‌ها را در تصرف ایران و آسیا برآورده کرد؟ و چرا خود یونانی‌ها این مهم را انجام ندادند [همان، ج ۳، ص ۲۲۶]. پلوتارک بعد از آن همه تعریف و تمجید از جوان‌مردی اسکندر در حق خاندان داریوش سوم، سرانجام پرده از جنایات او برمی‌دارد و می‌نویسد: «در این مدت، کشت و کشتار فجیعی از اسرا به‌عمل آمد: اسکندر بنابر مصلحت امور دستور داد تا اسرا را جملگی از لب شمشیر بگذرانند و خود این منظره را تماشا کرد» [همان، ۴۴۵]. اسکندر عاقبت تحت تأثیر فرهنگ ایرانیان قرار گرفت و رسومات ایران را پذیرفت [همان، ج ۴، ص ۴۳۰]. پلوتارک به روابط بین جانشینان اسکندر (سلوکیان، بطلمیوسی‌ان، و آنتی‌گون) نیز اشاراتی داشته و از تنش‌های موجود بین آن‌ها مطالبی نقل می‌کند [همان، ص ۳۲۲].



عصر اشکانیان

تعدادی از شخصیت‌های رومی که پلوتارک زندگی‌نامه آن‌ها را بررسی کرده است، با دوران اشکانیان همزمان بوده‌اند و گروهی از ایشان چون از سرداران و شخصیت‌های سیاسی و نظامی هستند، با دولت اشکانی در ارتباط بودند. لذا به ناچار نویسنده حیات مردان نامی، مطالبی را از تاریخ ایران این دوره مطرح کرده است. از میان پادشاهان اشکانی که او اشاراتی به رویدادهای زمان آن‌ها دارد، می‌توان از **مهرداد دوم** (کبیر) اشک نهم و **ارد اول**، اشک سیزدهم و **فرهاد چهارم**، اشک چهاردهم، نام برد.

پلوتارک می‌نویسد، تا قبل از مهرداد دوم، ملت ایران و روم با هم ارتباطی نداشتند [همان، ج ۲، ص ۲۴۳]. اما توسعه‌طلبی‌های رومیان در شرق و فتوحات مهرداد در غرب سرانجام باعث برخورد بین دو کشور شد که سرانجام به جنگ کشیده شد. رومیان توسعه‌طلب می‌خواستند دولتی

غیر از دولت روم نباشد و امپراتوری عظیم خود را «صلح رومی» می‌نامیدند [پیرنیا، همان، ص ۲۱۸]. اما اشکانیان چون سدی در مقابل ایشان بودند. به نوشته پلوتارک، رومیان، اشکانیان را «خدعه‌کارترین اقوام گیتی» می‌دانستند [پلوتارک، همان، ج ۳، ص ۳۷۷].

شیوه جنگی پارت‌ها که تعقیب و گریز و تیراندازی در حین تاخت از عقب سر بود، بسیار مورد توجه پلوتارک قرار گرفته است [همان، ص ۸۱]. او قدرت اصلی ارتش اشکانی را به‌خاطر سواران و اربابه‌های جنگی ایشان می‌داند [همان، ج ۲، ص ۴۴۶]. از نوشته‌های او چنین برداشت می‌شود که در زمان **مهرداد اشکانی**، سپاه ایران نیروی دریایی مجهزی داشته است [همان، ص ۵۲۷]. پلوتارک هر جا که از پیروزی رومیان با مهرداد صحبت می‌کند، مفصلاً آن‌ها را با جزئیات بیان می‌کند. اما وقتی به پیروزی‌های طرف مقابل می‌رسد، کلام را به اختصار می‌رساند. نوشته‌های او به‌خوبی می‌رساند که مهرداد نه تنها یک پادشاه و سردار نظامی بزرگ بوده، بلکه در امور دیپلماسی و سیاست نیز بسیار توانا بوده است. [همان، ج ۳، ص ۱۵۷].

با وجود آن‌که پلوتارک جریان جنگ مهرداد با رومیان را طوری نوشته است که گویا رومیان پیروز بودند، اما در جایی مجبور به اعتراف می‌شود و می‌نویسد: «... میتریدات دشمن خون‌خوار رم که ۱۵۰ هزار رومی ساکن آسیا را از دم تیغ گذرانده بود، پس از چهار سال غارت و چپاول، صحیح و سالم، با غنائم فراوان به سرزمین خود بازگشت» [همان، ج ۲، ص ۴۶۳]. ایرانیان آن‌گونه که نویسنده نشان می‌دهد، در این زمان تا سواحل و جزایر مدیترانه رفته بودند و مرز ایران را در غرب تا حدود دوره هخامنشیان رسانده بودند [همان، ۴۵۶]. از میزان خوش‌حالی رومیان وقتی خبر مرگ مهرداد دوم را شنیدند، می‌توان

فهمید که آنان چه قدر از قدرت اشکانیان در زمان مهرداد واهمه داشتند. «غریو شادی از همه‌جا برخاست و همه به اهدای قربانی در پیشگاه خدایان پرداختند و مراتب شکرگزاری به‌جای آوردند و ضیافت‌ها برپا کردند، چنان‌که گویی با مرگ میتریدات، تعداد بی‌نهایتی از دشمنان خون‌خوارشان رهسپار دیار عدم گردیده‌اند» [همان، ج ۳، ص ۳۲۴].

برخی گمان می‌برند گزارش‌های پلوتارک درباره کراسوس و جنگ حران داده است، اقتباسی از اثر نویسنده‌ای یونانی ساکن بین‌النهرین باشد [بویل، ۱۳۶۸: ۱۲۴]. پلوتارک می‌نویسد: آرزوی کراسوس این بود که فتوحات خود را به بلخ و هند و حتی به «دریای مشرق و شمس طالع» برساند [پلوتارک، همان، ص ۷۶]. کراسوس همواره سودای بسط امپراتوری روم را در سر می‌پخت و آرزو داشت از سواحل دریای خزر بگذرد و خود را به اقیانوس هند برساند [همان، ص ۱۱۱]. پلوتارک می‌رساند که کراسوس هرگز فکر مقاومت سرسختانه پارت‌ها را نمی‌کرد و فکر می‌کرد که پارت‌ها همانند ارمنه و «کاپادوکی‌ها» هستند که سردارانی چون «لوکرلوس» مکرر آن‌ها را شکست داده بودند [همان، ص ۸۱].

پلوتارک صحنه‌های جنگ کراسوس با سورنا را به‌روشنی نشان می‌دهد. شاید این جامع‌ترین صحنه‌روشن تاریخ ناروشن اشکانیان باشد.

از نوشته‌های پلوتارک چنین می‌توان برداشت کرد که تا زمان حکومت ارد اشک سیزدهم و لشکرکشی کراسوس، هنوز در سرزمین بابل بقایای سلوکیان حاکم بودند. شکست و کشته‌شدن کراسوس در جنگ حران چنان عظیم بود که به قول پلوتارک: «در تمام دوران جنگ‌های رم بی‌سابقه بود». در این جنگ متجاوز از ۲۰ هزار سرباز رومی کشته و ۱۰ هزار تن اسیر



منابع

۱. اومستد، ا. ت. تاریخ شاهنشاهی هخامنشی. ترجمه محمد مقدم. امیرکبیر. تهران. چاپ چهارم. ۱۳۷۸.
۲. بیانی، شیرین. تاریخ ایران باستان (۲) از ورود آریایی‌ها به ایران تا پایان هخامنشیان. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). تهران. چاپ دوم. ۱۳۸۴.
۳. بیکر، جانین. «تأثیر هنر و معماری ایران در تمدن یونان». ترجمه احمد فضلی‌نژاد. مجله رشد آموزش تاریخ. شماره ۳۴. بهار ۱۳۸۸.
۴. بویل، جی. آ. تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی. (جلد سوم - قسمت اول). ترجمه حسن انوشه. امیرکبیر. تهران. چاپ اول. ۱۳۶۸.
۵. پلوتارک. حیات مردان نامی. جلد‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴. ترجمه رضا مشایخی. ققنوس. تهران. چاپ چهارم. ۱۳۷۹.
۶. پیرنیا، حسن. ایران باستانی. دنیای کتاب. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۰.
۷. حریریان، محمود و دیگران. تاریخ ایران باستان. جلد اول. سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاه‌ها (سمت). تهران. چاپ اول. ۱۳۷۷.
۸. داندامایف، م. آ. ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی. ترجمه روحی ارباب. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. تهران. چاپ دوم. ۱۳۷۳.
۹. ----- تاریخ سیاسی هخامنشیان. ترجمه خشیایار بهاری. کارنگ. تهران. چاپ اول. ۱۳۸۱.
۱۰. کومون، فرانتس. ادیان شرقی در امپراتوری روم. ترجمه ملیحه معلم و پروانه عروج. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). تهران. چاپ اول. ۱۳۷۷.
۱۱. موسوی، حسن. شناخت و نقد منابع تاریخ ایران. مرکز نشر دانشگاهی شیراز. شیراز. چاپ اول. ۱۳۸۰.
۱۲. میراحمدی، مریم. کتاب‌شناسی تاریخ ایران در دوران باستان. امیرکبیر. تهران. چاپ اول. ۱۳۶۹.

13. t. g. Luce, Athare, The Greek
Historians, Publisher: Routledg,
London and New York, 1997.

در اراضی ساحلی مارهای بسیار و مهلکی بود که مشکلات زیادی برای او ایجاد کرد [همان، ج ۳، ص ۳۱۶ و ۳۱۷].

پلوتارک می‌نویسد که در هر ستون از سپاهیان اشکانی، صفوف طولی از اراابه‌ها مملو از زنان و آلات و ادوات موسیقی وجود داشت [همان، ۱۰۷]. هم‌چنین ذکر می‌کند، «پارت‌ها با آواز فلوت و شیپور و بوق حرکت نمی‌کردند، بلکه طبل‌های عظیم داشتند که در گرد آن زنگوله‌هایی بسته بودند تا از چند محل صدا کند». باز می‌نویسد: «پارت‌ها نیز هم‌چون تاتارها، موهای خود را مرتب نمی‌کردند تا خوف و هراس بیشتری در دل دشمنان ایجاد نمایند» [همان، ص ۸۹].

پلوتارک درباره عقاید مذهبی پارت‌ها می‌نویسد: یکی از الهه‌های آن‌ها دیان (همان آناهیتا یا ناهید) است که در اطراف معبد آن ماده‌گاو‌هایی را که آزادانه می‌چریدند، وقف یا قربانی آن‌ها می‌کردند. این گاوان دارای علامت الهه، یعنی نقش «شمع فروزان» بودند [همان، جلد ۲، ص ۵۵۸]. ایرانیان در عصر اشکانی علاوه بر جنگ‌ها، نوع دیگری از روابط نیز با رومیان داشته‌اند. چنان‌که از نوشته‌های پلوتارک برمی‌آید، رومیان به‌شدت تحت‌تأثیر فرهنگ ملل آسیایی، به‌ویژه ایرانیان بوده‌اند. او در موارد مختلف از «پیشگویان»، «غیب‌گویان» و منجمان کلدانی در میان رومی‌ها صحبت می‌کند [همان، ۴۳۲ و ۴۸۰ و ج ۴، ص ۷۷۳]. مطالب پلوتارک تأثیر نفوذ غرب بر تمدن اشکانی را هم نشان می‌دهد. او می‌نویسد: ارد اشک سیزدهم به‌خوبی زبان یونانی را می‌دانست، به‌طوری‌که در مجالس بزم او، اشعار یونانی سروده می‌شد [پلوتارک، همان، ج ۳: ۱۰۷].

پی‌نوشت

1. Phanias Lesbien
2. Berosé

شدند [همان، ص ۱۰۵ و ۱۰۹]. با وجود این پیروزی، خود سورنا سرانجام خوبی نداشت. آن‌گونه که پلوتارک گزارش می‌دهد: «در واقع ارد از غایت حسادت و رشک به افتخارات روزافزون سورنا، او را کشت». پسر ارد «پاکوروس» در جنگ با رومیان کشته شد و خود ارد چندی بعد به مرض «استسقا» مبتلا شد و سرانجام به‌دست پسرش فرهاد چهارم کشته شد.

در زمان فرهاد چهارم، گروهی از نجبا به خارج از کشور فرار کردند. در این زمان آنتوان سردار رومی به ایران حمله کرد. رومیان که هنوز در ننگ و شرمساری شکست حران بودند، برای تلافی به ایران یورش آوردند. در این جنگ، پادشاه ارمنستان با رومیان همراه شد و آنتوان با لشکر عظیمی که به قول پلوتارک آوازه آن تا اقصا نقاط آسیا رفته بود، به ایران لشکر کشید: «این سپاه عظیم و جرار که حتی هندیان ماوراءالنهر و بلخ را به هراس انداخته و پشت آسیا را به لرزه انداخته بود» [همان، ج ۴، ص ۴۰۶]. پلوتارک از تاکتیک‌های متعدد فرهاد علیه آنتوان خبر می‌دهد. هر چند که نویسنده حیات مردان نامی از پیروزی آنتوان بر اشکانیان دم می‌زند، اما مطالبی که نقل می‌کند، چیزی جز گزارش شکست، قحطی و مرگ و نابودی رومیان نیست. به‌طوری‌که آنتوان با بدبختی سرحدات ایران را ترک می‌کند [همان، ۴۲۴].

پلوتارک از بقیه پادشاهان اشکانی نامی نمی‌برد. اما در عوض مطالب مناسبی در ارتباط با آداب، رسوم، سرزمین‌ها و اقوام اطراف ایران به‌دست می‌دهد. این‌که «هیبری‌ها» در اطراف دریای خزر زندگی می‌کردند و هرگز تحت سلطه ایرانیان نرفتند. حتی تابع اسکندر و مقدونی‌ها نشدند. یا آمازون‌ها که اطراف کوهستان‌های قفقاز رو به سمت دریای خزر سکنا داشتند، و در زمان لشکرکشی پمپه به سرزمین گرگان،

ایرانیان در دیوان سالاری حکومت سلاجقه روم

فاطمه تقوایی

دبیر تاریخ و دانشجوی دکترای تاریخ

چکیده

مهاجرت تعداد زیادی از ایرانیان به آسیای صغیر که با فتح بزرگ آلب ارسلان در «ملازگرد» بسیار پررنگ‌تر شده بود، از قرن هفتم به بعد و با شروع حملات مغول گسترده‌تری پیدا کرد. شکل‌گیری دولت سلجوقیان روم به‌زودی آناتولی را نه تنها به‌عنوان پایگاه جدید قدرت و رفاه، بلکه به‌عنوان کانون تحولات فرهنگی مطرح کرد که در آن، حضور محسوس عنصر ایرانی بیش از همه جلب‌نظر می‌کرد.

موضوع اساسی در تحقیق حاضر، بررسی چگونگی حضور این مهاجران ایرانی و میزان تأثیر آنان در توسعه فرهنگ ایرانی در آسیای صغیر است. نگارنده با استفاده از روشی تاریخی با رویکرد توصیفی و تحلیلی، به بررسی منابع و اطلاعات موجود پرداخته و تا حد امکان کوشیده است، منابع تحقیقی و پژوهش‌های صورت گرفته را با منابع اصلی مقایسه کند و در صورت وجود اختلاف، به بررسی و نقد آن‌ها بپردازد.

یافته‌های پژوهش حاضر بر این نکات تأکید دارند که ایرانیان به همراه خود فرهنگ، آداب و رسوم، و نشانه‌های بارزی از علم و هنر و دانش رایج در ایران عصر سلجوقی را رواج دادند و آثار علمی، هنری، ادبی و... بسیاری را خلق کردند. در این میان، تعامل میان ایرانیان و حاکمان سلجوقی روم و شرایط مناسب فراهم‌شده توسط آنان نیز، زمینه را برای رشد و شکوفایی فرهنگ ایرانی ایجاد کرد.

مقاله حاضر ضمن تحلیل مشاغل این دوران، به چگونگی حضور ایرانیان در سه منصب پروانگی، وزارت و قضاوت پرداخته و نشانه‌های فرهنگ ایرانی را در دستگاه اداری سلجوقیان روم جست‌جو کرده است.

کلیدواژه‌ها: سلجوقیان روم، آسیای صغیر، پروانگی، وزارت، قضاوت.



مقدمه

در آستانه حمله مغول، یعنی در آغاز قرن هفتم هجری، تمدن ایران اسلامی در مشرق و مرکز ایران به مراحل بالایی از ترقی رسید و شمار دانشمندان و اهل علم و اطلاع، عرفان و ادب بسیار چشم‌گیر بود. طبعاً عده‌ای از دانشمندان در گیرودار حمله مغول از بین رفتند، ولی عده‌ای هم یا به ممالک مجاور گریختند و در پناه امرای آن نواحی به کار خود ادامه دادند و یا در خود ایران احیاناً از زیر ضربات حمله مغول جان به‌در بردند و در گوشه و کنار مملکت پناه جستند. در این زمان، پناهگاه‌هایی در ایران و خارج از ایران وجود داشتند و آنان که از تیغ بی‌دریغ مغول امان یافته و جانی به‌در بردند، غالباً به این پناهگاه‌ها گریختند و در آنجا بقیه ایام حیات را سپری کردند [صفا، ۱۳۷۳، ج ۳: ۳۰۵]. یکی از این پناهگاه‌ها آسیای صغیر بود که توسط سلجوقیان روم اداره می‌شد. پادشاهان این حکومت چون دریافتند مقاومت در برابر مغول که از شرق چون طوفانی در حرکت بود، ممکن نیست، پس از اظهار انقیاد ظاهری در برابر آنان، خطر حمله مغول را برطرف ساختند. این امر که در حرکت موج عظیمی از ایرانیان به سمت آناتولی نقش داشت، در دگرگونی فرهنگ این منطقه بسیار شایان توجه است. بنابراین طبیعی است، ایرانیانی که در آناتولی حضور داشتند، در مشاغل و مناصب متفاوت این دوران عهده‌دار تصدی امور باشند؛ مشاغل و مناصب گوناگونی که به‌جز مواردی خاص، مطابقت زیادی با مشاغل موجود در ایران زمان سلجوقیان داشتند.

مقایسه‌ای اجمالی میان مناصب و اصطلاحات تشکیلاتی سلجوقیان ایران و آناتولی، گستردگی اقتباس و شباهت این دو دستگاه را آشکارتر خواهد کرد. تشکیلات کشوری سلجوقیان ایران به پنج دیوان تقسیم می‌شد: وزارت یا دیوان اعلا؛

دیوان استیفا؛ دیوان طغرا که شامل دیوان انشا و رسائل بود؛ دیوان اشراف؛ دیوان عرض [لمبتون، ۱۳۷۱: ۲۷۱-۲۰۱]. متولیان هریک از این دیوان‌ها را به ترتیب **وزیر، مستوفی، طغرای، مشرف و عارض** می‌گفتند که هریک وظایفی ویژه داشتند.

وزیر در رأس تشکیلات و ناظر بر امور جاری بود. **مستوفی**، مدیر مالی و رییس دیوان، **طغرا**، ناظر بر مکاتبات و صدور فرامین و... **مشرف**، عهده‌دار نظارت بر اخبار دربار و هم‌چنین نظارت بر عملکرد کارکنان دولت به‌ویژه مأموران جمع‌آوری مالیات، و **عارض** نیز مأمور اداره امور نظامی کشور بود. در آناتولی، هم آن‌گونه که از اخبار مورخان آن روزگار برمی‌آید، تمامی این مناصب با همین عناوین و وظایف در پاره‌ای موارد با اندکی اختلاف وجود داشت. در منابع تاریخ این دوره، بارها به این مناصب و متولیان آن اشاره شده است. **آقسرائی**، مناصب موجود در آناتولی را در زمان **غیاث‌الدین کیخسرو** (۶۶۶ هـ) چنین برمی‌شمارد: «وزارت، پروانگی، نیابت سلطنت، استیفا، اشراف ممالک و بیگلربیگی» [آقسرائی، ۱۳۶۲: ۸۲]. در سایر منابع نیز به این مناصب اشاره شده است [ابن‌بی‌بی، ۱۳۵۰: ۹۶].

مهم‌ترین موارد اختلاف، منصب «پروانگی» بود که منشأ آن به‌درستی معلوم نیست. در ایران این منصب تنها یک منصب جزء اداری بود که متصدی آن «پروانه‌چی» خوانده می‌شد و پروانه احتمالاً مخفف همان است [ربانی، ۱۳۸۲: ۱۰۶]. در هر حال، پروانه یکی از مشاوران عالی سلطان بود که پیام‌های شخصی او را می‌رساند. اختلاف دیگری که باید به آن اشاره شود، مربوط به اختیار و قدرت وزیر است. در آناتولی به دلایلی نامعلوم، وزرا به‌ویژه تا پیش از حمله مغول، از اقتداری که همتایانشان در سایر بلاد اسلامی داشتند، برخوردار نبودند و همواره صاحب‌منصبان

دیگری هم‌چون اتابکان، نواب و... با آنان در قدرت شراکت داشتند. منصب اتابکی نیز در میان سلجوقیان آناتولی وجود داشت، اما اتابکان آناتولی هیچ‌گاه نتوانستند قدرتی مانند اتابکان سایر نقاط بیابند. شهرت برخی از ایشان بیش از آن که مربوط به منصب اتابکی آنان باشد، مرهون اقدامات و سمت‌های دیگر ایشان بود.

علاوه بر مناصب مذکور که در سطح کلان مطرح بودند، سلسله‌مراتب بعدی دستگاه اداری و نظامی سلجوقیان آناتولی نیز شباهت چشم‌گیری با همین سلسله‌مراتب در دستگاه سلجوقیان ایران و عراق داشت. اکثر مناصب،

اسامی فارسی و یا نیمه‌فارسی داشتند و همان‌هایی بودند



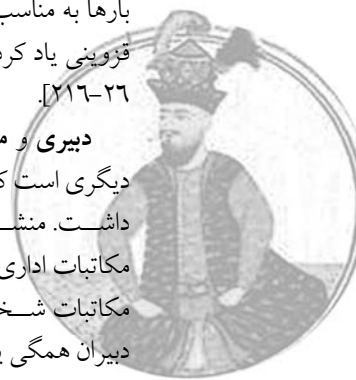
مقایسه‌ای اجمالی میان مناصب و

اصطلاحات تشکیلاتی سلجوقیان ایران

و آناتولی، گستردگی اقتباس و شباهت

این دو دستگاه را آشکارتر خواهد کرد

که در میان سلجوقیان ایران و عراق نیز به کار می‌رفتند؛ مناصبی نظیر **امیر آخور** که گاه به او «کند اسطبل» مأخوذ از «Condstable» بیزانسی نیز گفته می‌شد و وظیفه‌اش نظارت بر نگهداری از اسب‌های دربار بود. **امیر جاندار** که در رأس نگهبانان یا محافظان بود. **امیر سلاح** یا سرکرده سپاهیان. **امیر مجلس** که وظیفه‌اش ترتیب و تدارکات مراسم جشن و نظایر آن بود. **امیر عالم** که وظیفه تقدیم‌نامه‌های رسمی را داشت. **امیر شکار** که وظیفه‌اش تدارک مراسم شکار سلطان بود. **پرده‌دار** یا **حاجب** که نظارت بر ورود و خروج افراد به دربار را برعهده داشت. هم‌چنین: **چاشنی‌گیر**، **شراب‌سالار**، **طشت‌دار**، **جامه‌دار** و... مشاغل نظامی و مناصب مرتبط با



آن‌ها نیز در آناتولی وجود داشت. استفاده از اصطلاحاتی فارسی هم‌چون **سرهنگ**، **سرنفر**، **سرلشگر**، **سپه‌دار** و نظایر آن برای نامیدن مناصب، مراتب و درجات نظامی که برخی از آن‌ها بعدها عیناً به ترکی ترجمه شدند نیز نشان‌دهنده اقتباس سلجوقیان آناتولی از نظام سپاه در ایران است. در این میان، حضور ایرانیان به‌خصوص قزوینیان و دیلمیان در سپاه چشم‌گیرتر بود. **ابن‌بی‌بی** بارها به مناسب از این سرهنگان دیلمی و قزوینی یاد کرده است [ابن‌بی‌بی، ۱۹۷۵: ۲۶-۲۱۶].

دبیری و منشی‌گری از مشاغل مهم دیگری است که در دوران سلجوقی وجود داشت. منشیان متعددی وظیفه نگارش مکاتبات اداری، فرمان‌ها، منشورها و حتی مکاتبات شخصی را برعهده داشتند. این دبیران همگی یا ایرانی بودند یا فارسی را به‌خوبی می‌دانستند. اغلب خود نیز ادیبانی بودند که نوشته‌هایشان از ارزش ادبی خاصی برخوردار بود. اداره دیوان طغرا، عمدتاً به‌عهده این منشیان، دبیران و کاتبان هنرور بود. به‌جز مشاغل اداری و دیوانی، تدریس در مدارس آناتولی که تعداد آن‌ها بسیار زیاد بود، توسط **مدرسینی** صورت می‌گرفت که عمدتاً از فضلا، دانشمندان و عرفای اهل طریقت بودند.

منصب قضا نیز از مناصبی بود که عمدتاً بزرگانی برای تصدی آن انتخاب می‌شدند

که از دانشمندان و فضلا بودند. انتصاب در مسند قضا، یا از طریق حاکم سلجوقی در مواردی که استقلال داشت و یا در مواقعی که تحت نفوذ ایران بودند، از جانب حکومت‌های ایران صورت می‌گرفت. قضات این دوران از شأن و منزلت خاصی بهره‌مند بودند و گاهی نیز به‌عنوان **نماینده و یا واسطه‌العقد پیمان‌های سیاسی** فرستاده می‌شدند. در این دوران، تجار و بازرگانان زیادی نیز به آناتولی آمدوشد می‌کردند و اصناف موجود در بازار شهرهای بزرگ از جمله قونیه، حکایت از مشاغل متعددی دارد؛ از جمله، «پنبه‌فروشان» که ظاهراً مدرسه‌ای نیز داشتند؛ چرا که افلاکی از ارادت **صفی‌الدین هندی** که در مدرسه پنبه‌فروشان تدریس می‌کرد و جمعی از طلابش، به مولانا حکایاتی را نقل کرده است. «زرکوبان» که لقب **صلاح‌الدین زرکوب** مرخوذ از این شغل است و نیز «پارچه‌بافان، قالی‌بافان، پوستین‌دوزان» و... هر کدام حجره‌های خاص خود را در بازار داشتند. نشانه‌های باقی‌مانده در آثار معماری آناتولی نیز نشان‌دهنده اشتغال

جمعی از مردم به‌کارهایی مانند **گچبری**، **کاشی‌کاری**، **مقرنس‌کاری** و... است [ربانی، همان: ۱۵۲-۱۴۱]. گروهی نیز به هنرهایی مانند **تذهیب و مصورسازی** مشغول بودند.

صاحبان حرف درحقیقت شامل گروه‌های متعددی می‌شدند که عمدتاً از آسیای مرکزی و ایران به آناتولی مهاجرت کرده بودند. آن‌ها در شهرها و روستاهای موجود و یا تازه تأسیس شده سکونت یافته و عمدتاً در زمرة گروه‌هایی بودند که به تجارت و صنعت می‌پرداختند [شکر، ۱۳۸۵: ۲۹]. شاید به‌خاطر حضور و تأثیر همین گروه است که اصناف گوناگون سال‌ها بعد، چنان‌چه اولیای چلبی در سفرنامه خود در قرن یازدهم ذکر کرده است، هم‌چنان عناوینی فارسی داشته‌اند؛ از جمله: **خوانندگان و سازندگان**، **قدم‌زنان**، **شش‌تاریان**، **نکته‌شناسان**، **شعبده‌بازان**، **تیراندازان**، **جان‌بازان** و **پهلوانان**، **صدف‌کاران**، **مهرتران**، **قلم‌کاران**، **سرمه‌کشان**، **آهنکشان**، **زردوزان**، **سکه‌زنان**، **مهرکنان**، **کشتیبانان**، **خواجهگان**، **مرده‌شوران**، **پیل‌داران** و **نیزه‌داران**.



در اینجا لازم است یادآوری شود که بسیاری از آداب دربار سلجوقیان نیز از تأثیر فرهنگ ایرانی خالی نبود. در منابع به بازی‌ها و سرگرمی‌هایی هم‌چون چوگان، شطرنج و نرد نیز اشاره شده است که از تفریحات متداول میان ایرانیان بودند [فرغانی، ۱۳۶۴: ۱۱۹]. پرداختن به هر کدام از این مشاغل و مناصب، پژوهشی مستقل را می‌طلبد. بنابراین، در مقاله حاضر از بین کارگزاران ایرانی دستگاه اداری سلجوقیان روم، به سه منصب **پروانگی، قضاوت و وزارت** پرداخته شده است تا از این رهگذر، ردپای حضور ایرانیان در آسیای صغیر معلوم و تأثیر فرهنگ ایرانی جست‌وجو شود.

۱. پروانگی

در بین مناصب اداری آناتولی، منصب پروانگی مهم‌ترین منصب بود و طبق اطلاعات منابع، این منصب در خارج از آناتولی جز در ایران دوران مغول، در هیچ کجای دیگر دنیای اسلام معادلی نداشت. در آن‌جا نیز این منصب تنها یک منصب جزء اداری بود که متصدی آن پروانه‌چی خوانده می‌شد و پروانه احتمالاً مخفف همان است [ربانی، ۱۳۸۲: ۱۰۶]. در هر حال، پروانه یکی از مشاوران عالی سلطان بود که پیام‌های شخصی او را می‌رساند. از بین کسانی که صاحب این منصب بودند، چند تن معروف‌تر از بقیه‌اند؛ ازجمله: **علاءالدین کیتباد**، فردی به نام **ظهیرالدین** را در این منصب گماشته بود که در حق او عنایت بی‌نهایت داشت و حال آن‌که ظهیرالدین به خواسته‌های سلطان توجهی نمی‌کرد. سلطان علاءالدین «که به جای وفا جفا می‌دید»، روزی این دویبیتی را بر ورق شکایت نگاشت و نزد پروانه فرستاد: شمع که کنون در سر دل رفت تنم بی‌گریه شبی نگشت خندان دهنم «پروانه» که گفت یار غار تو منم او نیز رضا داد به گردن زدنم

[ابن بی‌بی، ۱۹۵۷م: ۱۱۴]. ابن بی‌بی به منشأ و مولد ظهیرالدین اشاره‌ای نکرده است، اما از همین ابیات می‌توان استنباط کرد که برحسب آشنایی ظهیرالدین با زبان فارسی، سلطان اشعارش را به فارسی نزد وی فرستاده است. سرنوشت ظهیرالدین که چند سال بعد از خدمت ملک علاءالدین جدا شد، سرگردانی در شهرهای کشور روم بود. سرانجام از راه یمن عازم دیار شام شد و در تلشیر، بر اثر بیماری فوت شد [همان، ص ۴۴].

سال‌ها بعد **عزالالدین کیکاووس اول**، وقتی تلشیر را تصرف کرد، شنید که ظهیرالدین پروانه که «روی از بندگی برتافته بود»، در تلشیر مدفون است. لذا فرمود تا «مرقد ظهیرالدین ایلی پروانه را تفحص کردند و عظام رفتش را از خاک به‌در آوردند و بر آتش نهادند و بر باد دادند و بدان سبب تشفی حاصل کرد» [همان: ۷۶-۷۵].

در نیمه دوم قرن هفتم و در دوره ضعف خاندان سلجوقی، یک دیوانسالار ایرانی تبار به نام **معین‌الدین پروانه**، شهرت و اهمیت برجسته‌ای پیدا کرد. معین‌الدین ابوالمعالی سلیمان بن علی الدیلمی، مشهور به پروانه، فرزند **مذهب‌الدین علی الدیلمی**، وزیر سلطان **کیخسروی دوم** (۶۴۴-۶۳۶/۴۶-۱۲۳۶م) بود. پدر وی همان کسی بود که بعد از شکست کیخسرو دوم در نبرد کوسه‌داغ، برای میانجیگری نزد مغولان رفت و توانست بایجونویان را قانع سازد و با انعقاد صلحی، سلطنت سلجوقی در روم را به مدت نیم‌قرن دیگر تثبیت کند. وی در آغاز کار خود مکتب‌دار بود و مردی روشن‌فکر و روشن‌بین، و از همین طریق وارد کارهای دیوانی شد.

معین‌الدین فعالیت سیاسی خود را در سال ۶۴۲ به ریاست توقات شروع کرد و پس از آن به امارت توقات و ارزنجان

رسید [همان، ص ۱۰۷-۱۰۶]. پروانه در دوران سلطنت سه فرزند سلطان کیخسرو و در فاصله سال‌های ۶۴۷ هـ/ ۱۲۴۹م تا ۶۵۴ هـ/ ۱۲۵۶م به مقام حاجبی نایل شد. وی به‌خاطر موقعیت ممتاز خانوادگی، لیاقت و کاردانی، نفوذ زیادی در امور سیاسی-نظامی حکومت سلجوقی داشت. نفوذ و تأثیر او تا بدان اندازه بود که بنا به نوشته آقسرائی، «هیچ کاری در ممالک و سلطنت بی‌حضور و صوابدید او» انجام نمی‌پذیرفت [آقسرائی، ۱۳۶۲: ۴۱]. او بعد از مقام حاجبی به مقام پروانگی نایل و از آن به بعد معین‌الدین پروانه نامیده شد. البته قبل و بعد از او، کسان دیگری نیز منصب پروانه

استفاده از اصطلاحات فارسی هم‌چون

سرهنک، سرنفر، سرلشگر، سپه‌دار و نظایر آن

برای نامیدن مناصب، مراتب و درجات نظامی

که برخی از آن‌ها بعدها عیناً به ترکی ترجمه

شدند نیز نشان‌دهنده اقتباس سلجوقیان

آناتولی از نظام سپاه در ایران است

داشتند، اما در مورد معین‌الدین دیلمی این عنوان به‌صورت نام خاص درآمد. ازجمله کارهای اثرگذار معین‌الدین پروانه این بود که همان نقش پدرش را در زمان عزالدین کیکاووس ایفا کرد و نزد بایجورفت و با او صلح کرد. با سعی و تلاش معین‌الدین پروانه، هلاکو خان مجاب شد که سلطنت سلجوقی به‌طور مساوی بین برادران تقسیم شود. هلاکو ضمن تأیید منصب وزارت و پروانگی او، به رکن‌الدین سلطان سلجوقی خاطر نشان ساخت که «برای انجام کارهایتان کسی را جز این مرد نزد من نفرستید» [ابن خلدون، ۱۳۶۹: ۲۸۰/۴]. هم‌چنین، ایلخان مغول اداره امور دولتی سلجوقی را به کل به پروانه سپرد و حتی منصب قضا و حکومت شرع را نیز به وی محول کرد [بیانی، ۱۳۷۵: ۳/۹۱۶].

طی سال‌هایی که پروانه زیر نظر مغولان همه‌کاره آسیای صغیر شده بود، سلطان رکن‌الدین فقط یک دست‌نشانده بود و فرمان‌روای اصلی، معین‌الدین پروانه محسوب می‌شد. همین امر باعث کدورت بین او و سلطان رکن‌الدین شد و کار به مشاجره لفظی انجامید و پروانه به مغولان وانمود کرد که سلطان رکن‌الدین قصد جان او را دارد و با ممالیک مصر همدست شده است [ابن‌بی‌بی، ۱۹۵۷م: ۳۰۱].

سرانجام پیروزی با معین‌الدین پروانه بود، زیرا شحنة مغولی در روم، در سال ۶۶۴ هـ/ ۱۲۶۶م رکن‌الدین را مسموم و مقتول ساخت. پروانه پس از این حادثه، پسر شش‌ساله رکن‌الدین به نام غیاث‌الدین کیخسروی سوم را به سلطنت نشاناد و تا ده سال بعد، به تنهایی به اعمال قدرت پرداخت. بنا به نوشته ابن‌خلدون، برای غیاث‌الدین کیخسرو تنها نامی از پادشاهی مانده بود و او در کفالت پروانه بود. [ابن‌خلدون، ۱۳۶۹: ۵۸۴ع].

به رغم اظهارات برخی پژوهشگران عرصه مغول‌شناسی که پروانه را نمونه بارز آن دسته از ایرانیان که مخالف سلطه مغول بوده و همواره سعی در حفظ استقلال روم داشته و برای دور نگه داشتن منطقه آسیای صغیر از گسترش نفوذ فرهنگ مغولی از هیچ کوششی دریغ نوزید [بیانی، ۱۳۷۵: ۹۱۶-۹۱۵]، مندرجات تاریخی نشان می‌دهند که معین‌الدین پروانه از زمان حضور عنصر مغول در آسیای صغیر تا روزگار هلاکوخان، نسبت به مغولان نظر مساعدی داشته و صادقانه برای پیشبرد امور آنان در آسیای صغیر خدمت کرده است. پروانه در پرتو مناسبات حسنه با مغولان، توانست حکومتی نسبتاً باثبات در آسیای صغیر به‌وجود آورد.

در میان امیران و وزیران سلجوقی روم، بیش از همه معین‌الدین پروانه و خانواده‌اش به مولانا ارادت می‌ورزیدند و از مریدان او

بودند و در اثبات اخلاص و اعتقاد خود به مولانا از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند [همان، ص ۲۳۱]. پروانه به‌شدت تحت‌تأثیر مراد خود بود. جالب این‌که اولین بحث مولانا در کتاب فیه‌مافیه به نام معین‌الدین پروانه و موضوع مغول آغاز می‌شود. در این مبحث از این‌که معین‌الدین با مغولان سازش و مدارا می‌کند، با تسلط آنان بر آسیای صغیر و حکومت سلجوقی روم مخالفت نمی‌کند و به‌خصوص از این طریق، مغولان در کار حمله به شامات و مصرند، خشمگین است و از این‌که این سرزمین که مأمن اندیشمندان شده و در معرض تعرض مغول قرار گرفته است، بسیار نگران است [همان، ص ۲۳۸-۲۳۷]. حتی مولانا یک‌بار خطاب به پروانه می‌گوید: «تو با تاتار یکی شده‌ای و یاری می‌دهی تا شامیان و مصریان را فدا کنی و ولایت اسلام را خراب کنی... روی به خدای عزوجل آور که محل خوف است و صدقه‌ها ده تا تو را از این حالت بد که خوف است، برهاند... و تو را از این پشیمانی دهد و اسبابی پیش آورد که تو باز در کثرت مسلمانی کوشی و قوت مسلمانی باشی» [مولوی، ۱۳۶۹: ۵-۴].

معین‌الدین ابوالمعالی سلیمان‌بن علی‌الدیلمی، از ایرانیان پاك‌نژاد و از خاندانی اصیل و قدیمی بود. همه منابع، ویژگی‌هایی چون حلم، دیانت، کفایت، سخن‌سنجی، عدوبت بیان، وقار، فرهنگ‌دوستی، عقل، بلندنظری، زبردست‌نوازی و عارف‌مسلمکی وی را ستوده‌اند. نویسنده ناشناس «تاریخ آل‌سلجوق در آناتولی» می‌نویسد: «در زمان پروانه چنان شد که گرگ و میش به‌هم آب می‌خوردند و به هم می‌چرخیدند و صحبت او با علما بود. عوام در غایت امن بود. مغل هم چون انگشتی بود در دستش گردان و...» [تاریخ آل‌سلجوق در آناتولی، ۱۳۷۷: ۳۵۳].

سرانجام در زمان اباقاخان، وی را به

تهمت ارتباط با ممالیک دستگیر کردند و به قول آقسرائی: «فی‌الجملة به تهمت خروج لشگر شام، صبح دولتش به شام تیره بدل شد و آخر الامر در الاطاع درجه شهادت یافت.»

جهان جود و معالی یگانه پروانه شهید گشت و جهان را نهاد بر دل داغ به سال ششصد و هفتاد و شش به وقت عشا شب نخست ز اول ربیع در الاطاع [آقسرائی، ۱۳۶۲: ۱۱۷].

شیرین بیانی، زندگی معین‌الدین را با زندگی شمس‌الدین محمد جوینی مقایسه کرده است. این دو مرد بزرگ برای حفظ و تداوم فرهنگ ایرانی در غوغای غلبه بیگانه، به جان کوشیدند و سرانجام نیز هر دو به بهانه خیانت به دستگاه مغول جان باختند [بیانی، ۱۳۷۵: ۳/۹۱۹]. سال‌ها بعد، در زمان سلطان مسعود، محمد بک پروانه، پسر معین‌الدین سلیمان، در بلوک قسطنطنیه به مقام پروانگی رسید [آقسرائی، ۱۳۶۲: ۱۱۷].

۲. وزارت و امارت

یکی از مناصب مهم این دوران مقام وزارت است. در آناتولی به دلایلی نامعلوم، وزرا به‌ویژه تا پیش از حمله مغول، از اقتداری که همتایانشان در سایر بلاد اسلامی داشتند، برخوردار نبودند و همواره صاحب‌منصبان دیگری هم‌چون اتابکان، نواب و... با آنان در قدرت شراکت داشتند [بیانی، ۱۳۷۵: ۲۱۷-۲۱۶]. بسیاری از آنان قبل از رسیدن به این مقام، مناصب دیگری مانند ریاست طشتخانه و خزانه‌داری و مکتب‌داری و طغرایسی را عهده‌دار بودند. عنوان صاحب، چه در داخل ایران و چه در خارج از آن، به وزرای حکومت سلجوقیان (۴۲۹-۷۰۸ هجری) داده می‌شد.

در روزگار علاء‌الدین کیقباد به نام چند تن از وزرای ایرانی برمی‌خوریم، از جمله: صاحب شمس‌الدین محمد اصفهانی که

در روزگار علاءالدین کیقباد و غیاثالدین کیخسرو و عزالدین کیکاوس، مناصب مهم از قبیل طغرا و نیابت وزرات و نیز وزارت را به تدریج متصدی شد [ربانی، ۱۳۸۲: ۱۰۶]. وی در زمان عزالدین کیکاوس اول، منشی خاص بود و اشعاری فارسی نیز از وی به جای مانده است. ابن بی‌بی اشاره می‌کند که وی در راه آفسرا دوییتی به اقتراح سلطان بر بدیهه گفت که بیت اول آن این است:

بادام شبی با تو دلارام چنان
کز غایت لطف شرح کردن نتوان
و به واسطه آن «شرف مطبخ و انشاء خاص مضاف گشت» [ابن بی‌بی، ۱۹۵۷: ۲۰۲]. با دخالت وی و اسدالله روزه و معین‌الدین پروانه، با وجود این که بعد از مرگ غیاث‌الدین کیخسرو، پسر کوچک‌تر او، علاءالدین کیقباد، به جانشینی رسید. پس مهتر او، عزالدین کیکاوس، به پادشاهی نشست و چون فرزندان غیاث‌الدین کیخسرو با یکدیگر اختلاف داشتند، به تدبیر صاحب شمس‌الدین اصفهانی و فرمان هلاکو، مقرر شد که هر سه در پادشاهی شریک باشند و صاحب شمس‌الدین وزارت آن سه را برعهده گیرد و یازده سال به رأی و تدبیر این وزیر دانشمند (۶۵۴-۶۵۵) آن سه برادر در یک زمان سلطنت کردند [همان، ص ۸۳].

وی سرانجام توسط معین‌الدین پروانه از وزارت معزول شد و حدود سال ۶۴۷ هـ در زندان به قتل رسید، زیرا پروانه برای این که نشان بدهد با مغولان همراه است، بسیاری را کشت؛ از جمله: شمس‌الدین محمد اصفهانی که در این زمان نایب‌السلطنه بود. ابن بی‌بی از تعدادی اتباع اصفهانی با نام **امیر رشیدالدین جوینی، خطیرالدین سجاسی، شجاع‌الدین رییس البحر و نجیب‌الدین مستوفی** نام می‌برد که مباشرین قتل صاحب شمس‌الدین اصفهانی را به حکم **یرلیغ** با دو شاخ به اردو بردند

و در آنجا کشف حال هر یکی کردند و در آنجا وزارت بر شمس‌الدین طغرائی، نیابت بر شجاع‌الدین رییس البحر، و استیفا بر نجیب‌الدین دلیخانی مستوفی، و امیر عارضی بر رشیدالدین جوینی قرار گرفت [همان، ص ۲۷۱].

با این توصیفات معلوم می‌شود، هر ایرانی که به منصب مهمی می‌رسید، تعدادی از دوستان، طرفداران و به خصوص هم‌شهریانش را با خود می‌آورد. تعداد این افراد بسیار زیاد بود، چنانچه صاحب فخرالدین علی بن حسین، خلقی بسیار و طایفه بی‌شمار از تبریزی، همدانی، عراقی، اصفهانی، خشکانی، خراسانی، گرجی، الانی، مرنندی، نخجوانی، تفلیسی و ارانی استصحاب کرد و از ارباب قروض هم از آن طوایف بعضی را به حجاب و بعضی را به نیابت خود منصوب و موسوم گردانید [آفسرای، ۱۳۶۲: ۱۴۹-۱۴۸].

چنان که از شواهد امر معلوم است، مقام وزارت و یا امارت ممالک روم در دوره ایلخانی تحت نظارت مستقیم ایلخان مغول بوده است. برای این مقام، گاهی مستقیماً از ایران فردی فرستاده می‌شد و یا مانند معین‌الدین پروانه باید مورد تأیید دربار ایلخانی قرار می‌گرفت و این احتمالاً از ترس دخالت ممالک در امور آناتولی ناشی می‌شد و چنان که قبلاً ذکر شد، اباق‌خان به دلیل عدم اطمینان به پروانه بود که دستور قتل وی را صادر کرد و بعد از آن و به منظور اطمینان از جبهه روم، کوشید افرادی مطمئن به‌ویژه از خاندان چنگیز را در روم به کار گمارد [بیانی، ۱۳۷۵: ۳/۹۲۷].

ابن بی‌بی از وزارت قاضی عزالدین محمد رازی در زمان عزالدین کیکاوس نیز سخن گفته است که بعد از صاحب شمس‌الدین اصفهانی، مدتی به این مقام گماشته شد [ابن بی‌بی، ۱۹۵۷: ۲۴۷]. امام معظم، **نجم‌الدین نخجوانی**، ایرانی دیگری بود که در دوران اختلافات سلطان

رکن‌الدین و برادرش عزالدین به وزارت منسوب شد و به گفته ابن بی‌بی: «در فنون علوم بحر موج و سحاب ثجاج بود و شرع و حکومت را جمع کرده و معقول و منقول را در ذات کریم امتزاج داده» بود، ولی ظاهراً مدت وزارت وی چندان به درازا نکشید، زیرا متوجه شد که کارها بر سیل وجوب نمی‌رود [همان، ص ۳۷۱-۲۷۰].

آفسرای و ابن بی‌بی در جای جای اثر خود از مناصب اداری نام می‌برند که توسط ایرانیان اداره می‌شد. از جمله در زمان سلطان



مندرجات تاریخی نشان می‌دهند که معین‌الدین

پروانه از زمان حضور عنصر مغول در آسیای صغیر تا

روزگار هلاکو خان، نسبت به مغولان نظر مساعدی

داشته و صادقانه برای پیشبرد امور آنان در آسیای

صغیر خدمت کرده است

غیاث‌الدین مسعود، **مجرالدین محمد معتز خراسانی**، فرزند **تاج‌الدین المعزز خراسانی** یا خوارزمی، نیابت سلطنت را به اضافه منصب پدرش، برعهده داشت. **عمادالدین زنجان** به اشراف ممالک و تولیت اوقاف رسید [همان، ص ۱۳۸]. **امین‌الدین امیرداد اصفهانی**، استاد الدار و متولی اوقاف ممالک بود و معین‌الدین پروانه او را ملازم و مصاحب غیاث‌الدین کیخسروی شش ساله کرد تا پیوسته به او مهمات خیر و اقامت بر ادای صلوه و صوم را بیاموزد [همان، ص ۸۸].

توجه به حضور این صاحب‌منصبان و امرای ایرانی که گاهی به مقام وزارت نیز رسیده بودند، بیانگر این واقعیت است که ایرانیان تا پایان دولت سلجوقی، هم‌چنان در رأس تشکیلات اداری و سیاسی سلجوقیان قرار داشتند. اعزام کارگزاران ایرانی توسط

حاکمان مغول از طرفی سبب حضور ایرانیان در رده‌های بالای تصمیم‌گیری اجتماعی و فرهنگی، و از طرف دیگر سبب مهاجرت گروه‌های معتنابهی از ایرانیان به همراه این افراد برای کمک در اداره امور بود که به گسترش فرهنگ ایرانی در جامعه کمک فراوانی می‌کرد. برای مثال، آقسرائی از تعداد زیادی ایرانی صحبت می‌کند که **صاحب‌فخرالدین علی قزوینی**، به‌هنگام وزارت، آن‌ها را در مناصب گوناگون به کار گماشت. «فی‌الجمله، صاحب‌قزوینی خلقی بسیار و طایفه بی‌شمار از تبریزی، همدانی، عراقی، اصفهانی، خشکانی، خراسانی، گرجی، الانی، مرندی، نخجوانی، تغلیسی و ارانی استصحاب نمود و از ارباب قروض هم از آن طوایف بعضی را به حجاب و بعضی را به نیابت خود منسوب و موسوم گردانید» [آقسرائی، ۱۳۶۲: ۱۴۸-۱۴۹] و یانویسنده ناشناس تاریخ آل‌سلجوق متذکر می‌شود که صاحب‌فخرالدین قزوینی را نایی بود تبریزی، شمس‌الدین می‌گفتند [تاریخ آل‌سلجوق در آناتولی، ۱۳۷۷: ۱۲۱].

۳. قضاوت

ازجمله مناصب مهم دیگر در این دوران، منصب قضاوت بود. یکی از مشهورترین افرادی که به مقام

قاضی‌القضاتی منصوب شده بود، **قاضی سراج‌الدین ابوالثنا محمودبن ابی‌بکر بن احمد ارموی شافعی** (۶۸۲-۵۹۴هـ) از بزرگان حکمای قرن هفتم و از دانشمندان بزرگ است که در منطق، حکمت، فقه، تفسیر و حدیث از علمای مشهور زمان خود بود. وی که در ارومیه تولد یافته بود، پس از این‌که در این دیار کسب دانش کرد، به آسیای صغیر و در اواخر عمر به قونیه رفت. او ابتدا در موصل تدریس می‌کرد، اما پس از آن به آسیای صغیر رفت و در همان‌جا دار فانی را وداع گفت. سلاطین سلجوقی هم چون **عزالدین کیکاوس دوم** و **رکن‌الدین قلچ ارسلان چهارم** و **غیاث‌الدین کیخسروی سوم**، نسبت به قاضی سراج‌الدین توجه تام داشتند و منصب قاضی‌القضاتی را به او واگذار کردند [صفا، ۱۳۷۳: ۲۴۶-۲۴۳]. وی علاوه بر مقام علمی، غیرت و شجاعت مردان جنگی را داشت. ابن‌بی‌بی در مورد وی می‌نویسد: در عهد غیاث‌الدین کیخسرو قرامانیان از ارمنستان به آسیای صغیر تاختند و فتنه‌ای به راه انداخته بودند و قونیه را محاصره کردند و قصد تصرف آن را داشتند، قاصدی فرستادند تا دروازه شهر را بکشایند و آنان وارد شهر شوند. قاضی‌القضاء ملک‌العماء سراج‌الدین ارموی، «که فرید وحید عصر خویش بود، ساکنان شهر را بر دفع دشمن تحریض کرد و در آن باب فتوا داد و خود بر دیوار قلعه رفت و شروع به تیراندازی نمود» [ابن‌بی‌بی، ۱۹۵۷م، همان: ۷۰۰]. ظاهراً این عمل باعث بهبود مقام وی نزد

سلطان شده است.

تمام مدت اقامت سراج‌الدین در قونیه، با عزت و احترام همراه بود و با رجال و معارف آسیای صغیر مراوده داشت. مجلس درس او همیشه دایر و طالب علوم دینی از محضرش برخوردار بودند و قاضی پیوسته در کار تألیف و تحقیق و تعلیم بود و «افاضل جهان از اطراف و اکناف بر سبیل استفادت روی به مجلس افادت او آورده بودند» [آقسرائی، ۱۳۶۲: ۱۲۱]. او شاگردانی تربیت کرد که بعضی از آن‌ها دانشمندان عصر خویش محسوب می‌شدند، ازجمله **صفی‌الدین ارموی**، مشهور به هندی، دانشمند قرن هفتم و اوایل قرن هشتم، یکی از تربیت‌یافتگان قاضی سراج‌الدین است. او از مریدان خاص **اوحدالدین کرمانی** بود و بنابر گفته خودش، صرفاً به دلیل مجاورت با اوحدالدین، از علاءالدین کیکباد خواست تا او را به قضاوت ملطیه بفرستد [اوحدالدین کرمانی، ۱۳۴۷: ۹۵-۹۱]. البته علاءالدین کیکباد، اوحدالدین کرمانی را در سفری به منطقه مورد احترام قرار داد و منصب قضای ملطیه را چندی نیز به اوحدالدین بخشیده بود [همان: ص ۲۶، ۲۱۷، ۱۴۲، ۲۸۹، ۲۸۶].

در مناقب العارفین افلاکی آمده است، قاضی سراج‌الدین در برابر تربت مولانا این ابیات را خواند:

کاش آن روز که در پای تو شد اجل
دست گیتی بزدی تیغ هلاکم بر سر
تا در این روز جهان بی‌تونیدی چشم
این منم بر سر خاک تو که خاکم بر سر
روزی نیز حضرت چلبی حسام‌الدین
ارموی، از حضرت مولانا پرسید: «همشهری ما قاضی سراج‌الدین چگونه است؟» فرمود: نیکومرد است. این فقیه بر جنازه مولانا نماز گزارد و آن‌قدر به وی احترام، علاقه و اعتقاد می‌داشت که پس از مرگش، مانع از اقدام فقهای شد که می‌خواستند نواختن رباب را حرام و ممنوع سازند [افلاکی،



سکه دوره سلجوقی

۱۳۶۲: ۴۱۱-۱۶۸.]

یکی دیگر از بزرگان روم که زمانی به روزگار عزالدین کیکاوس بن کیخسرو به وزارت رسید، **قاضی عزالدین محمد رازی** است که قاضی شهر سیواس بود. افلاکی نیز روایت می‌کند که وی برای مولانا مسجیدی در قونیه بنا نهاد و به استدعای وی در اجلالی که به مناسبت اتمام بنای آن مسجد برپا شده بود، مولانا وعظ و تذکیر فرمود و اگرچه در آغاز بر سما انکاری عظیم داشت، ولی سرانجام از آن انکار دست برداشت و به صدق تمام مرید شد [مولوی، ۱۳۶۹: ۳۴۰].

قطب‌الدین ابو‌الثنای محمودبن مسعودبن مصلح‌الدین کازرونی، مشهور به قطب‌الدین شیرازی، نیز مدتی منصب قضا در شهر سیواس را از جانب **شمس‌الدین جوینی** صاحب دیوان، عهده‌دار بود. وی فقیهی فیلسوف و دانشمندی مشهور است که در اکثر علوم، شاگرد **خواجه نصیرالدین طوسی** بود و در فضل و کمال به درجه بلند و مرتبه ارجمند ترقی فرمود [خواندمیر، ۱۳۵۳: ۱۱۶].

کمال‌الدین کامیارانی نیز که پدر زن ابن‌بی‌بی بود، از بزرگان و امیران دولت سلجوقی روم بود و در روزگار علاءالدین کیقباد (۶۳۴-۶۱۷هـ) مورد عنایت سلطان واقع شد و فتح ارمنستان و گرجستان و بعضی از بلاد شام بر اثر حسن کفایت و درایت او دست داد. به گفته مرحوم **عباس اقبال**، وی که صاحب شمشیر و قلم بود، عهده‌دار منصب قضاوت در ارزنجان بود و مردی فقیه، سخن‌گو و حکیم مشرب و از شاگردان **شیخ شهاب‌الدین سهروردی** محسوب می‌شد که سرانجام در آغاز پادشاهی غیاث‌الدین کیخسرو ۶۴۴-۶۳۶هـ در حدود سال ۶۳۴هـ یا ۶۳۵هـ به دست یک نفر دیگر از امرای سلجوقی به قتل رسید [اقبال، ۱۳۱۲: ۱/۱۳۵]. مؤلف «بزم و رزم» نیز در کتاب خود اشاره به تعدادی از

این

قضاات

می‌کند

که بسیاری از

آنان نسل‌اندرونسل

متصدی شغل قضاوت

بوده‌اند [استرآبادی، ۱۹۲۸، ج ۱: ۱۳۹].

برخی از کارگزاران قضاوت

دولت سلجوقی، خود از جمله نام‌آوران

ادب فارسی در آناتولی بودند. ابن‌بی‌بی

بعضی از اشعار آنان را که به زبان فارسی

سروده شده، ذکر کرده است [ابن‌بی‌بی،

۱۹۵۷: ۸۴-۵۷۵].

نتیجه

پیروزی مسلمانان در نبرد ملازگرد و ورود و استقرار آن‌ها در آناتولی، فقط به شکست و اسارت امپراتور بیزانس منتهی نشد، بلکه سد استوار امپراتوری بیزانس برای همیشه فرو ریخت و راه فتوحات بعدی و مهاجرت‌های گسترده به این سرزمین هموارتر شد.

منابع

۱. آق‌سرای، کریم‌الدین محمود. **مسامره‌الآخبار و مسایره‌الآخبار**. به کوشش عثمان توران. اساطیر. تهران. ۱۳۶۲.
۲. ابن‌بی‌بی، حسین‌بن محمدبن علی الجعفری الرغدی. **الآواهر العالیة فی الامور العالیة**. به کوشش نجاتی لوغال و عدنان صادق ارزی. آنکارا. ۱۹۵۷م.
۳. ابن‌خلدون، عبدالرحمن. **العبر**. ترجمه عبدالمحمد آیتی. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی. تهران. ۱۳۶۹.
۴. استرآبادی، عزیزبن اردشیر. **بزم و رزم**. به کوشش محمد فواد کوپرولو. اوقاف مطبعة سی استانبول. ۱۹۲۸م.
۵. افلاکی، شمس‌الدین احمد. **مناقب‌العارفین**. به کوشش تحسین یازجی. دنیای کتاب. تهران. ۱۳۶۲.
۶. اقبال، عباس. **تاریخ مفصل ایران**. مطبعة مجلس. تهران. ۱۳۱۲.
۷. بیانی، شیرین. **دین و دولت در ایران عهد مغول**. نشر دانشگاهی. تهران. ۱۳۷۵.
۸. ———. **دمساز دو صد کیش**. جامی. تهران. ۱۳۸۴.

۹. جوینی،

عطا ملک‌بن

محمد.

تاریخ جهان‌گشای.

علامه محمد قزوینی. دنیای

کتاب. تهران. ۱۳۸۰.

۱۰. خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین

حسینی. **تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد**

بشر. تصحیح محمد دبیر سیاقی. کتاب‌فروشی

خیام. ۱۳۵۳.

۱۱. ربانی، زهرا. **بررسی نقش نخبگان در رواج**

فرهنگ ایرانی در آناتولی دوره سلجوقیان روم.

رسالة دکترا. دانشگاه الزهراء. ۱۳۸۲.

۱۲. شکر، محمد. **سلجوقیان (شکست بیزانس در**

ملازگرد و گسترش اسلام در آناتولی). ترجمه

نصرالله صالحی و علی ارطغرل. ادیان. قم. ۱۳۸۵.

۱۳. صفا، ذبیح‌الله. **تاریخ ادبیات در ایران**. امین.

تهران. ۱۳۷۳.

۱۴. فرغانی، سیف. **دیوان سیف فرغانی**. به کوشش

ذبیح‌الله صفا. فردوسی. تهران. ۱۳۶۴.

۱۵. کرمانی، اوحدالدین حامدبن ابی‌الفخر. **مناقب**

اوحدالدین. به کوشش بدیع‌الزمان فروزانفر. بنگاه

ترجمه و نشر کتاب. تهران. ۱۳۴۷.

۱۶. گلشنی، عبدالکریم. **فرهنگ ایران در قلمرو**

ترکان سلجوقی. نشریه هنر و مردم. ۱۳۵۵. شماره

۱۷۱.

۱۷. لمبتون، آن. **ساختار درونی امپراتوری سلجوقی**.

پژوهش دانشگاه کمبریج. ترجمه حسن انوشه.

امیرکبیر. تهران. ۱۳۷۱.

۱۸. مشکور، محمدجواد. **اخبار سلاجقه روم**.

کتاب‌فروشی تهران. تهران. ۱۳۵۰.

۱۹. مولوی، جلال‌الدین محمد. **فیه‌مافیہ**. مقدمه و

تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر. امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۹.

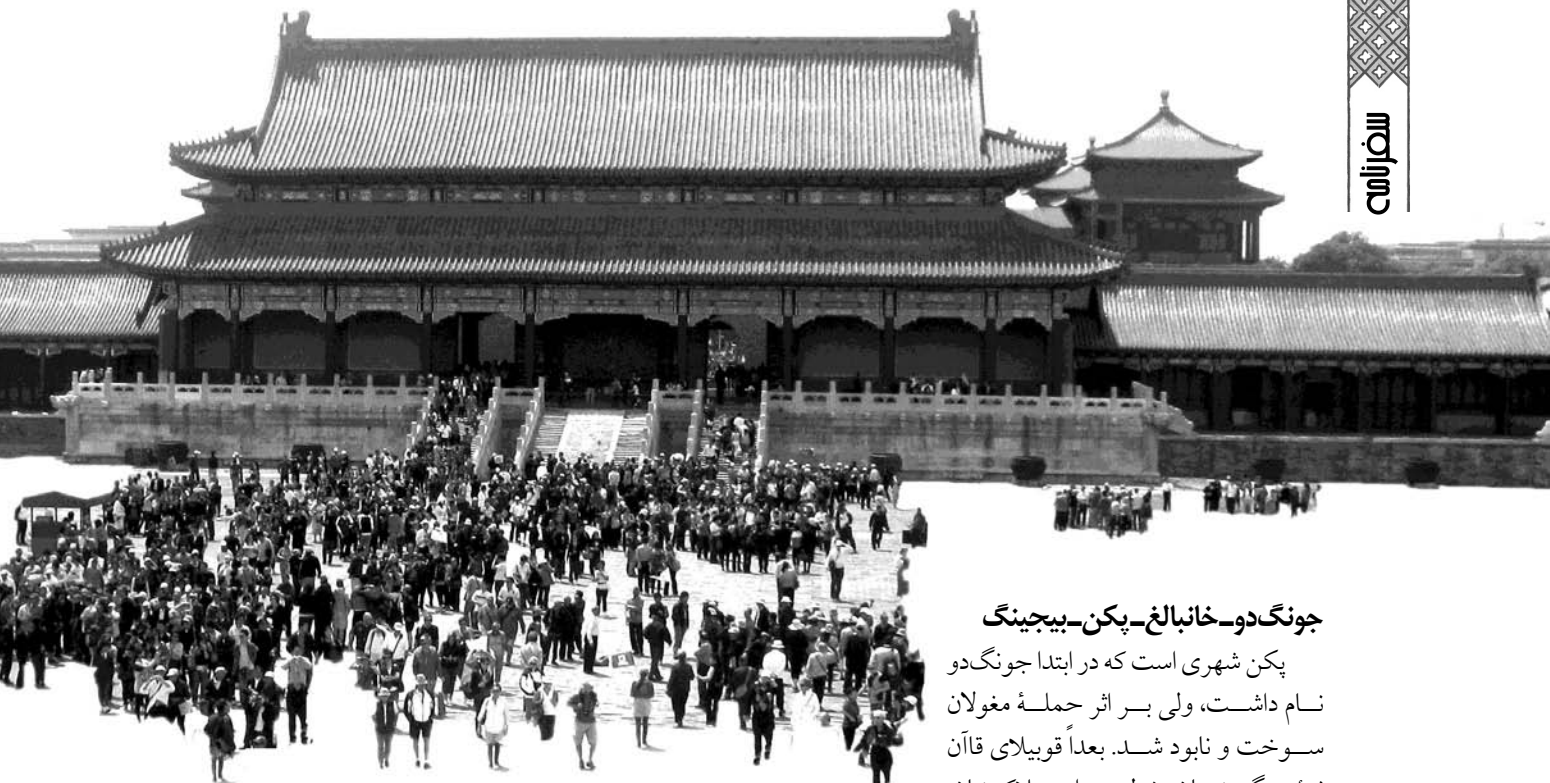
۲۰. ناشناس. **تاریخ آل سلجوق در آناتولی**. به

کوشش نادره جلالی. آینه میراث. تهران. ۱۳۷۷.

۲۱. نسوی، شهاب‌الدین محمد خرنزدی زیدری.

سیرت جلال‌الدین منکبرنی. تصحیح مجتبی مینوی.

علمی و فرهنگی. تهران. ۱۳۸۴.



جونگ دو-خانبالغ-پکن-بیجینگ

پکن شهری است که در ابتدا جونگ دو نام داشت، ولی بر اثر حمله مغولان سوخت و نابود شد. بعداً قوبیلای قاآن نوه چنگیز خان مغول و برادر هلاکو خان به جای آن شهر جدید خانبالغ، به معنی شهرخان، را ساخت. نام شهر خانبالغ به واسطه کاغذ مرغوبی که در آنجا ساخته می شد و از طریق جاده ابریشم به ایران می رسید، برای ما نامی آشناست. شهر خانبالغ را بعداً در سلسله مینگ پکن نامیدند که امروزه خود چینی ها به آن بیجینگ به معنی پایتخت شمالی می گویند.

احداث شهر ممنوعه^۱ به دستور چو-دی دومین امپراتور سلسله مینگ به سال ۱۴۰۶ در شهر پکن آغاز شد و پس از ۱۴ سال، در سال ۱۴۲۰ به پایان رسید. این تاریخ برابر است با زمانی که در ایران شاهرخ تیموری و فرزندانش حکومت می کردند.

شهر ممنوعه چیست؟

این شهر، و در واقع حصار بسیار بزرگ، مجموعه ای از کاخ های متعلق به امپراتوران چین است که به مدت پنج قرن محل استقرار آنها بوده و طی این مدت، ۲۴ امپراتور از این محل بر سراسر چین

دیدار از شهر ممنوعه

اشاره

اردی بهشت ماه ۸۹، در سفری گروهی به چین، به مدت هشت روز از این کشور دیدن کردیم. ما یک گروه ۲۰ نفره فرهنگی و بیشتر مدیران مدارس بودیم که با برنامه ریزی مؤسسه مرآت، با هدف دیدار از مدارس چین، راهی این سفر شده بودیم و خوش بختانه توانستیم از چهار مدرسه، دو مدرسه در پکن و دو مدرسه در شانگهای دیدن کنیم که خود شرح مفصلی را می طلبد و باید جداگانه به آن پرداخت. در کنار بازدید از مدرسه ها، پاره ای از آثار تاریخی و گردشگری چین را هم دیدیم؛ از جمله: دیوار چین، باغ تابستانی و شهر ممنوعه در پکن، دریاچه تاریخی هانزو و دهکده ای بودایی در شهر هانزو و نیز برج مروارید و باغ یو در شانگهای. به نظرم رسید آنچه می تواند از این سفر رهاوردی برای خوانندگان محترم مجله رشد تاریخ باشد، گزارشی از «شهر ممنوعه» است که هم به لحاظ تاریخی و تمدنی و هم از جنبه گردشگری، از اهمیت بسیار برخوردار است. بنابراین، گزارشی از آنچه دیدیم را تقدیم شما می کنم.

بازدیدکنندگان داخلی و خارجی به تماشای آن می روند.

میدان تیان آن من

شهر ممنوعه در مرکز شهر پکن و در شمال میدان تیان آن من یا میدان صلح

فرمان می رانده اند. این مجموعه تا سال ۱۹۱۱م که انقلاب دکتر سون یات سن روی داد، برقرار بود. از آن پس، از ممنوع بودن بیرون آمد و افراد عادی هم توانستند به آن راه پیدا کنند. امروزه به این شهر کاخ موزه^۲ می گویند و هر روز گروه گروه

دیدار ما

پیوستیم که گروه گروه وارد این حصار قرون وسطایی می‌شدند.

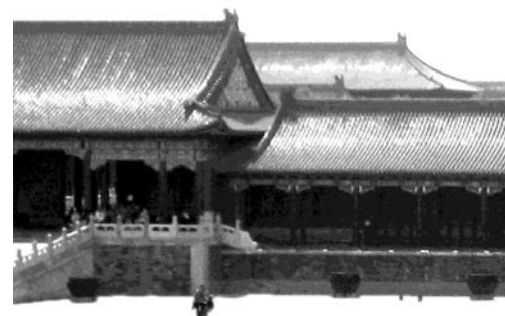
جلوه‌های مختلف شهر ممنوعه را من نخستین بار - آن هم به سبک بازسازی شده عصر امپراتوران - در فیلم «آخرین امپراتور»، به کارگردانی برتولوچی ایتالیایی دیده بودم و لذا مشتاق بودم آن را از نزدیک ببینم و دیدم. واقعیت این است که اگر کسی به چین برود و دیوار چین و شهر ممنوعه را نبیند، گویی به چین نرفته است.

✱

همان‌طور که اشاره شد، شهر ممنوعه به دستور چو-دی دومین امپراتور سلسله مینگ ساخته شد. این مجموعه عظیم عبارت است از تعداد بسیار زیادی اتاق، تالار، عمارت کلاه فرنگی، نرده‌ها، پلکان‌ها، کاشی‌های زرد، هزاران مجسمه و

ما در آخرین روز حضور خود در پکن، از شهر ممنوعه دیدن کردیم. از محل اقامت تا میدان تیان‌آن‌من را با تاکسی رفتیم. مقابل آرامگاه مائوتسه‌کنگ که در جنوب میدان است، پیاده شدیم و با اشاره راننده به طرف شمال میدان قدم‌زنان راه افتادیم. در آن‌جا از یک زیرگذر طولانی عبور کردیم و پس از گذر از بازرسی بدنی، مقابل دیوار شهر ممنوعه بالا آمدیم. دروازه‌ای دیدیم و به تصور این‌که محل ورود به شهر همین‌جاست، بلیط خریدیم به دو یوان (۴۰۰ تومان) و وارد شدیم به باغی به سبک چینی با درخت‌های عظیم، ولی با اشکال مینیاتوری. به تردید افتادیم که آیا شهر اصلی همین است یا نه، و چون تا انتهای باغ رفتیم، تازه دریافتیم که ما از در «باغ امپراتور» که در قسمت شرقی شهر ممنوعه است، وارد شده‌ایم.

به هر حال از باغ که بیرون شدیم، تازه رسیدیم به دروازه اصلی ورود به شهر ممنوعه و صفی طولانی از بازدیدکنندگان. دوباره بلیط خریدیم، این بار به ۶۰ یوان (۱۲۰۰۰ تومان) برای هر نفر و به جمعیتی



جعفر ربانی

سردبیر مجله رشد معلم

رشد معلم



مجسمه شیرها



نمای شهر ممنوعه



آسمانی قرار دارد. در زمان ما این میدان شهرت جهانی خود را از واقعه‌ای به‌دست آورده است که در سال ۱۹۸۹م روی داد و آن کشتاری است که حکومت چین کمونیست از دانشجویان و دیگر مردم معترض به عمل آورد و چنان‌که گفته می‌شود، بالغ بر سه هزار نفر را نابود کرد تا توانست بر اوضاع مسلط شود. میدان تیان‌آن‌من از شهر ممنوعه جدا نیست، چرا که در همان زمان ساخت شهر ممنوعه و درواقع به‌عنوان آستانه شهر احداث شده است. میدانی است بسیار بزرگ که تنها با میدان نقش جهان اصفهان قابل مقایسه است.

در چهار طرف میدان، چهار اثر بزرگ دیده می‌شود: شهر ممنوعه، موزه ملی چین، مجلس خلق (که گفته می‌شود ۱۰/۰۰۰ نماینده دارد) و آرامگاه مائوتسه‌کنگ، وسط میدان هم ستون یادبود قهرمانان ملی به‌پا ایستاده است که اسامی عده‌ای را روی آن حک کرده‌اند.

تصویر (به‌ویژه مجسمه و تصویر ازدها)، ظرف‌های آب بزرگ، راهروها، کانال‌های آب، پل‌ها و...

می‌گویند شهر ممنوع ۹۹۹۹/۵ اتاق دارد! براساس یک اعتقاد قدیمی، اقامتگاه ازدهای حقیقی که در آسمان است، ۱۰/۰۰۰ اتاق دارد و چون پسر او- یعنی امپراتور چین- نمی‌تواند به اندازه پدر خود اتاق داشته باشد، ناچار در شهر ممنوعه نیم اتاق کمتر ساخته‌اند تا معادله مذکور درست از آب درآید. آن نیم اتاق هم فضای یک راه‌پله است که اضافه بر ۹۹۹۹ ساخته شده است!

مساحت شهر ممنوعه ۷۲ هکتار یا ۷۲۰/۰۰۰ مترمربع است که از این مقدار ۱۵۰/۰۰۰ مترمربع یا ۱۵ هکتار زیربنای

ساختمان‌هاست.

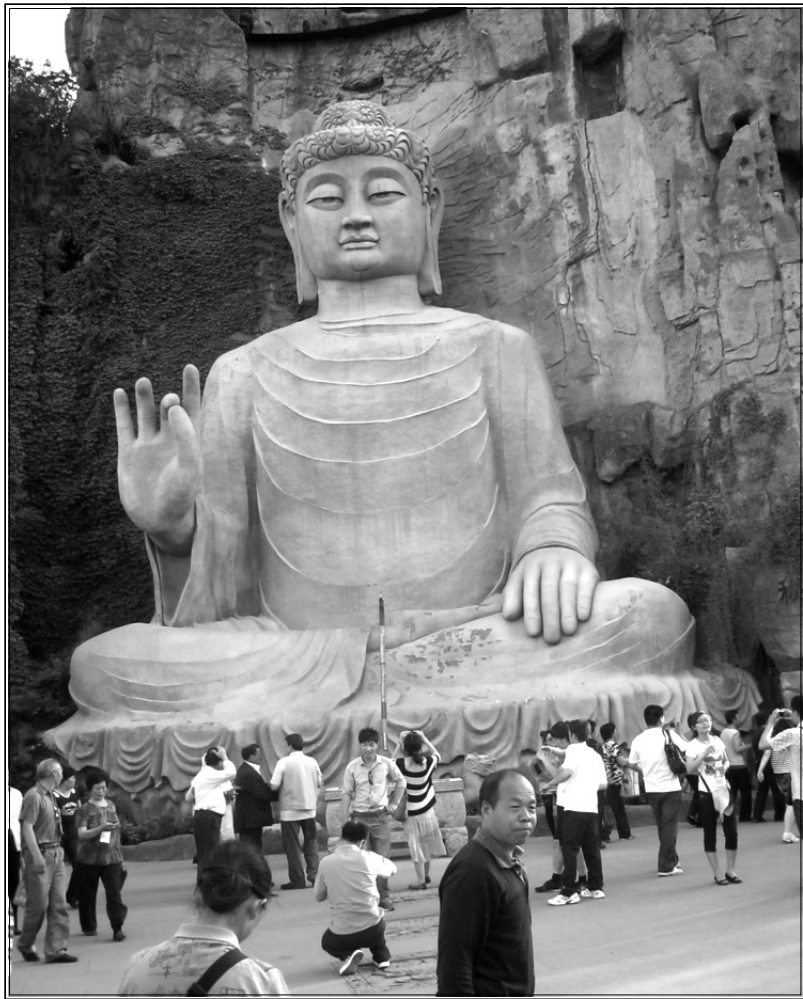
دیواری به ارتفاع ۱۰ متر و به طول حدود ۳/۵ کیلومتر، مجموعه را احاطه کرده و چهار برج- که هریک ساختمانی مفصل است- به‌عنوان حفاظت و نگهبانی، در چهار گوشه مجموعه احداث شده است. در اطراف شهر نیز، پشت دیوارها، خندقی از آب به طول ۳/۸ کیلومتر و عرض ۵۲ متر ساخته‌اند تا شهر ممنوعه را از شهر مادر یعنی پکن جدا و دسترسی به آن را جز از راه‌های مجاز، غیرممکن کند.

شهر ممنوعه چهار دروازه اصلی دارد که در چهار طرف واقع شده‌اند. از این چهار دروازه، دروازه نیم‌روز^۳ که از میدان تیان‌آن‌من به آن وارد می‌شوند، دروازه اصلی است. البته داخل شهر نیز

دروازه‌هایی وجود دارد که تعداد آن‌ها به ۹۰ باب می‌رسد. ساختمان‌های اصلی و مرکزی شهر نیز بسیار است که باید از جمله به ۱۹ قصر یا کوشک و ۱۶ تالار بزرگ اشاره کرد. باز هم اگر پای مقایسه در میان باشد، باید گفت شهر ممنوع چیزی است در حدود ۵۰۰ برابر چهلستون اصفهان؛ این مقایسه را از این جهت انجام دادم که شهر ممنوع، هم‌چون چهلستون، عمده‌تأثیر از چوب ساخته شده است.

شهر به طور کلی شامل دو بخش است؛ بیرونی و اندرونی یا خارجی و داخلی. بخش خارجی محل استقرار رسمی امپراتور وقت بوده و او از این محل به اداره امپراتوری می‌پرداخته است. این بخش سه تالار اصلی- که همان کاخ است- دارد به نام‌های تای‌هه، ژونگ‌هه و بانو‌هه. از این سه تالار، تای‌هه، نقش اصلی را دارد و تخت امپراتور هم در آن واقع است. اما بخش داخلی یا اندرونی هم شامل قصرها و تالارهای بسیاری است که مورد استفاده خود امپراتور، ملکه، همسران غیررسمی، فرزندان و شاهزادگان و احياناً وزیران و دیگر بزرگان بوده است. این بخش هم سه ساختمان عمده دارد به نام‌های تیان‌کینگ، جیانوتای و کوئینگ. در قسمت شرقی شهر، دو تالار دیده می‌شود که می‌گویند یکی از امپراتوران چین به نام تیان‌لانگ، پس از کناره‌گیری از قدرت و تفویض آن به پسرش، در این جا زندگی می‌کرده است. در شمال شهر ممنوعه که خود در شمال بخش داخلی واقع است، باغ سلطنتی^۴ را ساخته‌اند که با انواع درخت‌ها و گل و گیاهان غیر بومی و کمیاب در رنگ‌های متنوع تزئین شده و انواعی از سنگ‌ها، پله‌ها، کوشک‌ها و عمارت دو طبقه و کلاه‌فرنگی در آن به چشم می‌خورد.

در شهر ممنوعه کانال آبی جریان دارد که به آن رود طلایی می‌گویند و حدود دو کیلومتر طول آن است. این کانال از کنار





دیوار در شمال غربی وارد شهر می‌شود و به موازات همین دیوار به جنوب شهر می‌رسد. از جنوب غربی به بعد، مسیری مارپیچ را داخل شهر طی می‌کند و سرانجام از جنوب شرقی خارج می‌شود. می‌گفتند از این آب برای پر کردن مخازن آب، جبران کم‌بارانی در خشک‌سالی‌ها، تأمین آب معبد‌های داخلی شهر و فرونشاندن آتش‌سوزی‌ها که به علت چوبی بودن ساختمان محتمل بوده است - استفاده می‌شده است.

نکته‌ها

به جز آنچه به اجمال بیان شد، شهر ممنوع از ویژگی‌هایی برخوردار است که به طور پراکنده به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

اژدها: می‌دانیم که برای چینی‌ها اژدها نمادی مقدس و دارای ارزش بسیار است. درواقع اژدها، این حیوان افسانه‌ای، نماینده قدرت امپراتور است که امپراتور خود پسر آسمانی اژدهای حقیقی به‌شمار می‌رود. نماد اژدها را در سراسر چین، به‌ویژه در آثار باستانی و تاریخی می‌توان دید. مثلاً فقط درون قصر تائی‌هه، با سیزده هزار تصویر اژدها تزئین شده است. علاوه بر این که بیش از یک هزار مجسمه سر اژدها (سردیس) نیز در این قصر طوری تعبیه کرده‌اند که وقتی باران می‌بارد، آب باران حاصل از بام‌های ساختمان، از سر این اژدهاها فوران می‌کند و تخلیه می‌شود.

شیر: در چین دو نوع مجسمه نمادین از شیر وجود دارد که آن هم در بسیاری جاها دیده می‌شود. از این دو شیر یکی شیری است که زیر پنجه راست آن، کره‌ای که باید کره زمین باشد - قرار دارد. این شیر مذکر و نماد قدرت است. اما شیر دیگر نماد مادر است و در زیر پنجه چپ آن بچه‌ای قرار گرفته است.

در برابر در اصلی تالار تائی‌هه، دو مجسمه بزرگ از این دو شیر قرار داده‌اند.

ظرف آب

در بیرون و اطراف قصر تائی‌هه، به فاصله کمی از یکدیگر، ظرف‌های بسیار بزرگی شبیه قوری بدون لوله دیده می‌شوند. این ظرف‌ها که از جنس مس هستند، در واقع مخازن آب بزرگی هستند که همواره پر آب بوده‌اند. گفته می‌شود، حتی در زمستان زیر این ظرف‌ها آتش روشن می‌کرده‌اند تا آب یخ نزنند و قابل استفاده باشد. براساس آمار، مجموعاً ۳۰۸ عدد از این ظرف‌ها در شهر ممنوع وجود دارد.

نیروی عظیم انسانی

تخمین زده‌اند که در ساخت شهر ممنوعه مجموعاً حدود ۱۰۰ هزار صنعت‌گر (معمار، بنا، نجار و...) و حدود یک میلیون کارگر شرکت داشته‌اند که رقمی عظیم است. به نظر می‌رسد نژاد زرد در مدیریت بر جمعیت‌ها و نیروهای خود توانایی شگرفی دارد، چه در ساختن و چه در ویران کردن، چنان‌که در حمله به سراسر آسیا، مغول‌ها مثل مور و ملخ کشورها را فتح

کردند، غارت کردند، ویران کردند و رفتند و در بغداد حتی دستگاه خلافت پانصدساله بنی‌عباس را برچیدند و امروز هم خود چینی‌ها چنان جمعیت خود (۱/۴۰۰ میلیارد نفر) را در تولید به کار گرفته‌اند که جهان را انگشت به دهان ساخته‌اند! طبعاً ساخت شهر ممنوعه هم از این قاعده بی‌بهره نبوده است.

آثار عتیقه

گفته می‌شود در شهر ممنوعه بالغ بر یک میلیون شیء گران‌بها موجود بوده که جمع‌آوری شده است و این تعداد یک‌ششم کل اشیای عتیقه چین را تشکیل می‌دهد. در دهه ۸۰ دولت چین یکصد انبار زیرزمینی ساخته است تا این گنجینه‌ها را در آن‌ها جای دهد.

پی‌نوشت

1. Forbidden city
2. Meuseum Palace
3. Meridian Gate
4. Imperial Garden
5. Square

سفری به سرزمین آفتاب (جام)

علی اکبر شهابادی، عضو گروه تاریخ اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی
افسانه آینه‌یگی، سرگروه تاریخ منطقه تبادکان مشهد

جمعیتی بسیار متنوع ناحیه شده است. سخن‌ران بعدی آقای پورشافعی بود که با کلام دل‌نشین و عارفانه و ادبیاتی لطیف، توجه بیشتر دبیران تاریخ را به آمیختگی ادبیات حکیمانه پارسی با تاریخ جلب کرد تا تاریخ دل‌نشین‌تر و اثرگذارتر شود.

با توجه به زمان کوتاه اختصاص یافته به مقالات، آقای امانی از منطقه تبادکان مشهد، مطالب خود را بسیار فشرده و با سرعت ایراد کرد. عنوان مطالب ایشان «نقش تاریخ در هویت ایرانی» بود که به چگونگی شکل‌گیری هویت ایرانی و نظریات متعدد پیرامون آن و پیدایش دولت-ملت‌ها و تأثیر آن بر هویت ملت‌ها پرداخت و نکاتی راجع به تفاوت‌های ملیت و قومیت ارائه کرد. قومیت لزوماً به شکل‌گیری دولت منجر نمی‌شود، اما ملت‌ها معمولاً حکومت دارند. قومیت تلاش دارد ویژگی‌های خاص خود را حفظ کند، اما ملیت درصدد یکسان‌سازی فرهنگ است. ملیت حافظه تاریخی دارد و قومیت معمولاً فاقد آن است.

در مورد هویت ایرانی، سه دیدگاه متفاوت وجود دارد: ۱. دیدگاه باستانی در این نگاه ایرانی، خود را به قوم آریایی متعلق می‌داند که زبان فارسی، دین و آداب ایرانی، نماد این هویت و غلبه با قوم ایرانی است و غیر ایرانی انیرانی نامیده می‌شود. ۲. با ورود اسلام، روایت جدیدی شکل می‌گیرد

مراحل کشت، داشت تا... پخت نان را با رقص باد و خاک که همراه شده بود، به نمایش گذاردند.

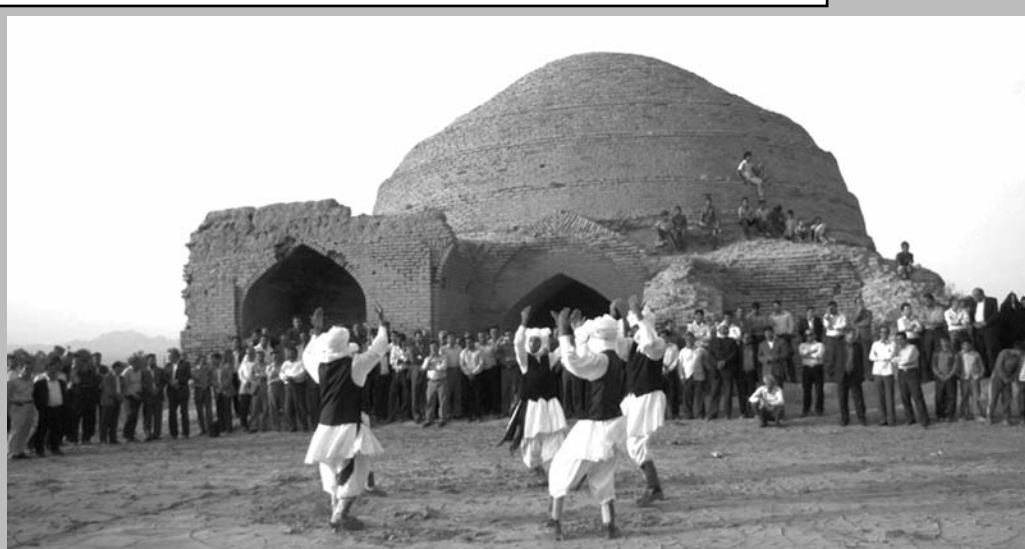
سپس به سوی تربت‌جام راه افتادیم و پس از پذیرش اولیه و کمی استراحت در محل اسکان، برای برنامه افتتاحیه به سالن اجتماعات شهر رهسپار شدیم.

روز دوم

دومین روز همایش، به ارائه مقالات برگزیده اختصاص داشت؛ با گروه داوری دکتر متولی حقیقی، خمر، سرگروه محترم تاریخ تربت‌جام و دکتر رادمنش. موضوع مقاله نخست درباره چگونگی و علل مهاجرت مردمان تربت‌جام به نواحی دیگر و نیز مهاجران وارد شده در تربت‌جام بود که خود این موضوع، باعث ترکیب

در نیم‌روز سه‌شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۰، رهسپار تربت‌جام، شدیم. حدود ساعت ۵:۳۰ گروهی از بزرگان شهر و مفاخر تاریخ، به استقبالمان آمدند در منطقه خرگرد (آبادی بزرگ) مدفن شاهزاده قاسم انوار، از مشاهیر صوفیه دوره تیموری، که به روایتی، بنا به دستور امیر علیشیر نوایی، از وزرای عهد تیموری و همشهری قاسم انوار (هر دو اهل تبریز بودند) که ارادت خاصی نیز به او داشته، مقبره و آب‌انباری در کنار آرامگاه او ساخته است. این مکان محل اقامت دراویش صوفیان شد و با گذشت زمان، از خرگرد به لنگر تغییر نام داد.

پس از خوشامدگویی، به معرفی محل در فضایی باز، گروه موسیقی با رقص





رسید». آقای بهرامی، مجری محترم، از دریچه ذهن کودکان دانش آموزان موضوع را به شکل طنز طرح کرد: «معلم تاریخ از دانش آموز پرسید: سلطان جلال الدین پس از گذشتن از رود سند چه کرد؟ دانش آموز با لهجه محلی تربت جامی جواب داد: پرَنایِ خُوره به دَرِ کِرْد دِ اَفَتو کِرْد تا خُشک بره. (پیراهن خود را درآورد و در آفتاب نهاد، تا خشک شود)»

میان برنامه بعدی، نمایش گوشه‌ای از فرهنگ حاکم بر این دیار بود. یعنی فیلم مستند «درخت تا خون» (پیر طاعون)؛ درختی همیشه سبز در هوای گرم و خشک منطقه که مردم محل برای سبز شدن خواسته‌ها و آرزوهایشان دست به دامن آن می‌شوند. سخن‌ران بعدی دکتر رئیس‌السادات، استاد دانشگاه بیرجند پیرامون فلسفه تاریخ بود. معرفت تاریخی که از مباحث مهم فلسفه تاریخ است، باید از راه مطالعه پی‌گیر و تجربه کسب شود. در این زمینه، سه مبحث مطرح است: ۱. متدولوژی؛ ۲. ایدئولوژی؛ ۳. معرفت تاریخی.

در این جاقط به ایدئولوژی می‌پردازیم. در این باره دو موضوع مطرح است: تاریخ

به بالا، ۳۰ درصد متوسط به پایین و ۲۰ درصد ساده.

احمد عبداللہی به موضوع «خلافت

در تاریخ» پرداخته بود. نام‌برده معتقد است، در تدریس تاریخ باید به درمان جامعه پرداخت؛ هم‌چنان‌که روان‌پزشک مشکلات روحی افراد جامعه را روان‌کاوی می‌کند، دبیران تاریخ نیز باید به درمان مشکلات و معضلات تاریخ و عدم اعتماد به نفس و بحران هویت در جامعه بپردازند. چرا که حس عدم تعلق به تاریخ، باعث شده است باورها سطحی شوند و چاره راه در این است که از تأثیرگذاری تاریخ استفاده کنیم و نگاه جامعه را به گذشته و هویت خویش دگرگون کنیم. نگاه ایلی جامعه در گذشته، باعث عقب‌ماندگی، و نگاه کاریزمایی آن باعث پیدایش حکومت‌های مطلقه و فردی شده است.

ملتی که تاریخ را می‌شناسد، آرمان‌گرا می‌شود و این آرمان‌گرایی به پیدایش احساسات ناسیونالیستی و ایجاد دولت‌های مستقل می‌انجامد.

تعامل با دیگران، داشتن راهکار مناسب در زندگی، آینده‌نگری و هویت و - به گفته دکتر خیراندیش، «هویت یعنی روح جمعی یک ملت»-، همه این‌ها را باید در تاریخ جست‌وجو کرد و سنت‌های حاکم بر جامعه، حکمت‌های زندگی، فرمول‌های روان‌شناسی، تئوری‌های اجتماعی، علمی و فلسفی، همه در دل تاریخ نهفته است. مکاتب فکری درباره جزئیات تاریخی نظریات متفاوتی ارائه می‌کنند، اما من معتقدم باید از شیوه استقرایی - از پدیده‌های جزئی، نتیجه کلی گرفتن - استفاده شود. آقای کارگر از اعضای هیئت داوران در این زمینه معتقد است: «دانش آموز نماینده خانواده و جامعه در کلاس درس است. در بحث خلاقیت، ابتدا باید با تلطیف قلوب و ایجاد ارتباط عاطفی، کلاس و محیط را آماده و سپس درس را ارائه کرد تا به نتیجه مطلوب

که با تغییر و تحول، به ترکیب جمعیتی و پذیرش دین جدید می‌انجامد. هویت ایرانی دارای باورها و پایه‌هایی از اعتقاداتی بود که با دین جدید تفاوت چندانی نداشت و همین امر باعث شد پذیرش آن برای ایرانیان راحت‌تر شود. ۳. دیدگاه مدرن که در نتیجه برخورد با دنیای مدرن پدید آمد. نبود مفاهیم مدرنیته در فرهنگ اسلامی، جنگ‌های ایران و روسیه و در نهایت به انقلاب مشروطه منجر می‌شود؛ به هر حال، از این موقعیت می‌توان هم به عنوان فرصت و هم به عنوان تهدید استفاده کرد.

مقاله خانم نیازی به تأثیرگذاری سریال‌ها و فیلم‌های تاریخی و مذهبی تلویزیونی پرداخته بود و این‌که این برنامه‌ها چه قدر می‌توانند در نگاه جامعه نسبت به هویت و تاریخ کشورمان مؤثر باشند. اما به گفته آقای امانی، داور حاضر در مقالات، معانی عمیقی که پیام اصلی این برنامه‌هاست، به کل جامعه قابل انتقال نیستند و بیشتر معانی سطحی فرهنگ، منتقل می‌شوند. آقای لالوی عضو گروه تاریخ اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی نیز به بررسی سؤالات امتحانات نهایی که گاه طرح نامناسب آن برای دانش‌آموزان و نیز دبیران تاریخ مشکل‌ساز می‌شود، پرداخته بود. بررسی وی نشان می‌دهد که سؤالات امتحانات نهایی، با توجه به حجم کتاب، استاندارد نیستند، زیرا در هر آزمون، هدف تنها سنجش نیست، بلکه آموزش هم مطرح است. درباره چگونگی چینش سؤالات معتقدند، باید سؤالات به ترتیب از عینی به ذهنی و ساده به دشوار طرح شود؛ چرا که سؤالات ذهنی نشان‌دهنده عمق یادگیری‌اند و سؤالات عینی سطح یادگیری را می‌سنجند. اگر بخواهیم درصدی برای سطح سؤالات مشخص کنیم تا با سطح همه دانش‌آموزان تناسب داشته باشد، به این شکل خواهد بود: ۲۰ درصد دشوار، ۳۰ درصد متوسط

(مباحث نوشته شده) و گذشته (تاریخ عملی).

در فتوحات اسلامی، **محمود غزنوی** با شمشیر (ایدئولوژی خاص خود) اسلام را به پیش می‌برد که این از ارزش کار او می‌کاهد. البته در جنگ‌هایی که دنیای غرب در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ برای نهاده‌ها کردن و توسعه مدرنیته درگیر آن بود، ایدئولوژی غرب نیز حاکم است. بیشتر رویدادهای تاریخی و سیاسی، یا هدف اقتصادی پشت

موزه میلان شده است.

پس از میان برنامه طنز ادبیات عامیانه، دکتر **ایمان پور**، استاد دانشگاه فردوسی مشهد، تاریخ ایران در مطالعات غرب را بررسی کرد. ایشان اولین آشنایی اروپاییان با ایران را در روایت‌های **هرودت** مطرح کردند. **گزنفون**، **دیودور سیسیلی**، **کنت کورس** و دیگر نویسندگان یونانی و رومی، به نگارش تاریخ ایران پرداخته بودند. شایسته است که توجه داشته باشیم،

منابعش بیشتر باشد، معتبرتر است؛ درحالی که داستان بیشتر این کتاب‌ها حکایت چسب و قیچی است و کار علمی و پژوهشی عمده‌ای صورت نگرفته و نتیجه کار ضعیف خواهد بود. زمانی گروهی از نمایندگان ژاپن به ایران آمده بودند، سؤال ایرانی‌ها از آن‌ها این بود که:

چگونه کوچک‌ترین کشور آسیایی، یکی از پیشرفته‌ترین کشورهای دنیاست؟ ژاپنی‌ها در پاسخ گفتند: زمانی که شما امیرکبیر خود را می‌کشید، ما امیرکبیر پرورش می‌دادیم.

مرحله اول بررسی مقالات برگزیده، در این جا به پایان خود رسید. برنامه عصر روز چهارشنبه، بازدید از مجموعه بزرگ آرامگاه شیخ‌الاسلام **احمد جام** بود. می‌توان گفت، این بنا نمونه و موزه‌ای از تاریخ معماری ایران است که حدود ۱۰۰۰ سال هنر معماری را در خود جای داده است؛ از دوره سلجوقی، تیموری، صفویه، گورکانیان هند و در نهایت قاجاریه. در هر دوره، امیران و بزرگان ایرانی به دلیل نفوذ معنوی و شخصیت قوی شیخ جام در میان جامعه و یا ارادت و احترامی که برای وی قائل بودند، بنایی به مجموعه وی افزودند. در این مجموعه، ۱۰ اثر مجزا و در عین حال ترکیبی جای دارد که شامل مدارس، مساجد، آب‌انبار، آرامگاه و موزه است که نکته قابل توجه آن، استفاده عمومی از این بناها در حال حاضر است. زیبایی و ظرافت و عمق نگاه و مهارت و استادی معماران این بنا در دوره‌های گوناگون انسان را شگفت‌زده می‌کند.

پس از دیدار از مجموعه شیخ احمد جام، با شعری از او، آن‌جا را ترک گفتیم. «غره مشو که مرکب مردان مرد را در سنگلاخ بادیه پی‌ها بریده‌اند نو میدهم مباش که رندان جرعه‌نوش ناگه به یک ترانه به منزل رسیده‌اند» دیدار از موزه فرهنگی و مردم‌شناسی،

در دوره بعد از انقلاب، در اروپا هم چنان پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی در مورد تاریخ ایران نوشته شد که نسبت به حجم کارهای انجام‌شده در داخل کشور، بسیار بیشتر بوده است.

در ادامه، دکتر **عباسی**، از مؤلفان کتاب‌های درسی تاریخ و استاد دانشگاه فردوسی مشهد، در مورد سواد تاریخی و نسبت آن با آموزش تاریخ، طرح مسئله کرد. وی در ابتدا چند نکته را در مورد کتاب‌های درسی مطرح کرد و سپس به موضوع اصلی سخن‌رانی خود پرداخت. «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری»، موضوع بحث آخرین سخن‌ران این روز، دکتر **مشعوف** بود. به اعتقاد دکتر مشعوف، نمی‌توان به نتیجه واحدی در این زمینه رسید. در زمینه تاریخ‌نگاری در ایران، متأسفانه ما فکر می‌کنیم وقتی کتابی

آن‌ها بوده است یا هدف ایدئولوژیکی. تاریخی که تا به حال نوشته شده، با پس‌زمینه ذهنی خاصی است، بنابراین صحیح نیست.

پس از این سخنان، **آقای عبدی**، دانشجوی رشته فرش، در مورد قدیمی‌ترین فرش ایرانی بافت تربت جام سخن گفت؛ فرشی با نام زیبای «شکار در بهشت» با تنوع رنگ بسیار (۲۰ رنگ) و پودی از پشم و تاری از ابریشم با ابعاد ۳/۶۰ در ۵/۷۰، مربوط به دوره صفوی که صاحب اثر، غیاث‌الدین جامی، نام خود را در بیت شعری در میانه قالی بافته است. این اثر خراسانی، نشان از وجود کارگاه‌های عظیم و اهمیت قالی‌بافی عصر صفوی دارد و پس از فراز و فرودهای بسیار و دست به دست گشتن بسیار، سرانجام نماینده ظرافت و زیبایی و اصالت هنر ایرانی در





برنامه بعدی بود؛ کاروان‌سرای قدیمی که بازسازی و تبدیل به موزه شده است. در قسمتی از موزه، آقای خمر، نمایشگاه عکسی برپا و برای دقت نظر و توجه بیشتر بیننده، سؤالاتی را نیز در ارتباط با تصاویر مطرح کرده بود. با اجرای موسیقی و حرکات موزون و زیبایی محلی تربت‌جام، بازدید از نقاط دیگر مجموعه دل‌انگیزتر شد.

در پایان بازدید، پاسخ صحیح سؤالات نیز داده شد. با سر رسیدن روز و آمدن شب، برنامه بازدید نیز به پایان رسید. پس از صرف شام در فضای باز، اجرای موسیقی محلی و تئاتر «آمارگیر و پیرزن» آخرین برنامه چهارشنبه بود.

روز آخر

روز پنج‌شنبه، در ابتدا آقای خمر گزارشی کوتاه از مشکلات، محدودیت‌ها و فرصت‌های کنونی تربت‌جام ارائه کرد و شیوه آموزش تاریخ در ایران، چین و هند را مقایسه‌ای کرد و توضیح داد که آموزش تا چه اندازه می‌تواند در روح کلی و فرهنگ جامعه تأثیرگذار باشد. برای نمونه، مدارس هند با چهار هزار دانش‌آموز، تنها با یک مدیر و معاون اداره می‌شوند که این نشان از روح تعاون و همکاری و ظرفیت تحمل بالای جامعه هند دارد.

مقاله ارائه شده توسط خانم دانشمند

شیوه‌های تدریس تاریخ در انگلستان و ژاپن را بررسی و با ایران مقایسه کرد. مقاله بعدی به چگونگی شکل‌گیری قیام صولت‌الدوله اشاره کرده بود که به اعتقاد دکتر رئیس‌السادات، بهتر است بگوییم شورش؛ چون علیه حاکمیت مرکزی برخاسته بود.

سخنران این بخش از برنامه، دکتر متولی بود که نقش دولت انگلیس و قراردادهای بین دو دولت در شکل‌گیری مرزهای شرقی را بررسی کرد؛ این که باید نگاه دقیق‌تری به محدودیت‌ها و فرصت‌های موجود در منطقه داشته باشیم. در ادامه کار، رضا گواهی، نرم‌افزار جالبی از تصاویر و فیلم‌های تاریخ معاصر گردآورده بود تا کمکی باشد برای درک عمیق‌تر و بهتر تاریخ توسط دانش‌آموزان. پس از اجرای نمایش رزمی آقای احراری، دبیر تاریخ خواف، که مقام اول مسابقات رزمی جهانی را کسب کرده بود، از ایشان تقدیر به عمل آمد.

بیانیه پایانی توسط آقای قلی‌زاده ارائه شد که رئوس آن به شرح زیر بود:

۱. به منظور ارج نهادن به مفاخر فرهنگی و ملی، پیشنهاد می‌شود، هزاره بین‌المللی شیخ احمد جامی چنان‌که شایسته آن عارف بزرگ است، در شهرستان تربت جام برگزار شود.

۲. به منظور حفظ و اشاعه آگاهی‌های تاریخ محلی، پیشنهاد می‌شود، مجموعه مقالات برگزیده همایش‌های گذشته، در قالب یک کتاب با عنوان «تاریخ محلی خراسان بزرگ» منتشر شود.

۳. نام‌گذاری خیابان‌ها و میدان‌های شهرستان تربت‌جام به نام مفاخر فرهنگی، علمی و مذهبی و نصب تندیس‌های آنان در شهر، الگوی شایسته‌ای برای دیگر شهرها و شهرستان‌های کشور خواهد بود.

۴. تألیف کتاب جامعی پیرامون پیشینه، مردم‌شناسی، مشاهیر، هنرمندان

و بزرگان تربت‌جام، امری ضروری است که همت فرهنگیان و مسئولان فرهنگی را طلب می‌کند.

۵. افزایش ساعات تدریس درس تاریخ ایران و جهان (۲) ضروری به نظر می‌رسد.

۶. با توجه به نقش، جایگاه و توانمندی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، انتظار می‌رود شبکه‌ای با عنوان «شبکه تاریخ»، به منظور تقویت هویت ملی و منطقه‌ای و کمک به آموزش درس تاریخ، تأسیس شود.

۷. از آن‌جا که سال ۱۳۹۰ خورشیدی با یکصدمین سال آموزش و پرورش خراسان بزرگ مصادف شده است، به منظور بازمینی، بررسی تحلیلی و نقد آموزش و پرورش خراسان بزرگ، همایشی در سطح استان‌های خراسان بزرگ برگزار شود.

۸. بازدیدهای علمی-آموزشی با همکاری و مساعدت ادارات آموزش و پرورش، از آثار تاریخی، فرهنگی و مذهبی کشور برگزار شود.

۹. نظر به نقش دبیران تاریخ در انتقال آگاهی‌های تاریخی، پیشنهاد می‌شود رشته‌ای اختصاصی با عنوان «آموزش تاریخ» در نظام آموزش عالی و دانشگاه فرهنگیان پیامبر اعظم (ص) ایجاد شد.

برگزاری این همایش شاید به اجرای ارکستری بزرگ مانند باشد که در پس پرده لحظه‌های کوتاه اجرا، حتماً ساعت‌ها تمرین و تکرار، خستگی و پی‌گیری‌های متوالی نهفته است و هماهنگی، هم‌فکری، هم‌دلی و همکاری گروهی بزرگ در کار است تا کاری زیبا و مورد تحسین به اجرا درآید. در پایان، نویسندگان مراتب سپاس و امتنان خویش را از مهمان‌نوازی گرم و پرشور مردم خطه اندیشه و عرفان (شهرستان تربت‌جام) اعلام می‌دارند. جای آن دارد به برگزارکنندگان همایش خسته نباشید و دست‌میزاد بگوییم و توفیق مدام را از ایزد منان برایشان آرزو کنیم.

همایش سالانه

دبیرخانه راهبردی درس تاریخ کشور

امیراکرم محمدی

همایش سالانه دبیرخانه راهبردی درس تاریخ کشور روزهای ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ در شهر کرمانشاه، مقر دبیرخانه برگزار شد. در این همایش، علاوه بر سرگروه‌های استانی درس تاریخ، عباس پرتوی مقدم، کارشناس مسئول و یعقوب توکلی، مسئول شورای برنامه‌ریزی گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و مؤلف کتاب تاریخ معاصر، حضور داشتند.

همایش ساعت ۸:۳۰ در تاریخ ۱۸ اردیبهشت، با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید و پخش سرود جمهوری اسلامی آغاز شد. سپس **الله‌وردی**، معاون متوسطه آموزش و پرورش استان کرمانشاه، ضمن خوشامدگویی به حضار، شمه کوتاهی از جغرافیای طبیعی، سیاسی و انسانی استان کرمانشاه و تاریخچه نسبتاً مفصلی از آن استان را بیان کرد. به دنبال آن، **امیراکرم محمدی**، دبیر دبیرخانه، گزارشی از اقدامات انجام شده توسط دبیرخانه راهبردی درس تاریخ کشور ارائه کرد. پس از آن، آقای پرتوی مقدم، در موضوع آسیب‌شناسی برنامه درسی تاریخ سخن گفت و به تشریح موانع و مشکلات کلان آموزش درس تاریخ پرداخت. سپس آقای توکلی درباره محدودیت‌ها و مسائل تاریخ‌نگاری درسی سخن‌رانی کرد. آخرین برنامه صبح اولین روز همایش، تشکیل کارگروه‌های تخصصی سرگروه‌ها برای بررسی و نقد کتاب‌های درسی بود.

برنامه‌های عصر اولین روز همایش با جلسه پرسش و پاسخ سرگروه‌ها با پرتوی مقدم و توکلی آغاز شد که به مدت سه ساعت ادامه یافت. تعدادی از سرگروه‌ها به طرح پرسش و بیان دیدگاه خود درباره مسائل و مشکلات آموزش درس تاریخ پرداختند، اما عمده سؤال‌ها حول محور نقد کتاب‌های درسی تاریخ به‌خصوص تاریخ معاصر بود و پرتوی مقدم و توکلی به فراخور حال، به پرسش‌ها پاسخ دادند. آخرین برنامه روز اول همایش ارائه گزارش نتیجه بررسی و نقد کتاب‌های درسی تاریخ دوره متوسطه بود که توسط نمایندگان هر کارگروه قرائت شد.

بازدید از منطقه تاریخی-توریستی **ریجاب** در شهرستان دالاهو، برنامه دومین روز همایش بود. این شهرستان به مرکزیت شهر کرد، در غرب استان کرمانشاه قرار دارد. شرکت‌کنندگان در همایش، هنگام عبور از گردنه مرصاد و مشاهده تانک‌ها و نفربرهای سوخته منافقین، رشادت و دلاورمردی رزمندگان هشت سال دفاع مقدس و خیانت و نفاق پادوهای دشمن را مرور کردند. **محمدی**، دبیر همایش، درباره عملیات مرصاد توضیحاتی داد. در ادامه مسیر، حاضران از «طاق‌گرا» اثر تاریخی منسوب به دوره اشکانی در گردنه طاق بازدید کردند. منطقه تاریخی-توریستی ریجاب مقصد نهایی سفر بود. مسجد عبدالله بن عمر از نخستین مساجد ساخته شده در ایران و مجموعه تاریخی قلعه یزدگرد متعلق به اواخر عصر ساسانی، از جمله آثار تاریخی این منطقه بسیار زیبا هستند.

ساکنان سلحشور ریجاب در طول دوران هشت سال جنگ تحمیلی، در برابر آتش شدید توپ‌خانه و حتی بمباران‌های شیمیایی دشمن بعضی، دلاورانه مقاومت کردند. آقای **شیرزمان‌رسا**، دبیر بسیار فعال و خوش‌بین درس تاریخ منطقه ریجاب و سرگروه آموزشی درس تاریخ شهرستان دالاهو، با زبانی گرم که حکایت از عشق و علاقه وافر او به تاریخ داشت، جغرافیای تاریخی، طبیعی، انسانی و اقتصادی منطقه ریجاب را به همراه جزئیات اطلاعات مربوط به آثار تاریخی آن دیار، برای حاضران به خوبی شرح داد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت. در خاتمه لازم است از بذل توجه و تلاش‌های **جلال امینی**، مدیرکل آموزش و پرورش استان کرمانشاه، **اسدالله‌الله‌وردی**، معاون آموزش متوسطه استان و **محمد آقانظری**، مسئول گروه‌های آموزشی دوره متوسطه استان، برای برگزاری این همایش تقدیر و تشکر شود. هم‌چنین میزبانی خوب مدیر و کارکنان اداره آموزش و پرورش شهرستان دالاهو، جای تقدیر و سپاس بسیار دارد.

خبر

دفتر سوم پژوهش‌نامه خلیج فارس منتشر شد

پژوهش‌نامه خلیج فارس مجموعه مقالاتی است در دو مجلد که دکتر **عبدالرسول خیراندیش** و **مجتبی تبریزیا** تألیف کرده‌اند. مجله نخست (شامل دو دفتر) پیش از این به‌عنوان ضمیمه «کتاب ماه تاریخ و جغرافیا» منتشر شده است که به علت نایاب شدن آن [دبیاچه، ص ۹] تصمیم به تجدید چاپ آن گرفته شد. دفتر سوم که به تنهایی حجمی بیش از دو دفتر پیشین دارد، «بر آن است تا پژوهش‌های علمی و تحقیقات مستند اندیشمندان ایرانی را دست‌مایه شناسایی ریشه‌های ایرانی خلیج فارس کند» [دبیاچه، ص ۱۱].

فهرست مطالب دفتر اول

پیش‌گفتار/ علی شجاعی صائین

دبیاچه/ مجتبی تبریزیا

سخن نخست: برپایی یادمان‌های دریایی، گامی در جهت توجه بیشتر به دریای پارس/ دکتر عبدالرسول خیراندیش

۱. اهمیت جهانی خلیج فارس/ دکتر عبدالرسول خیراندیش
۲. اصالت نام خلیج فارس به گواهی اسناد و مدارک ادبی، تاریخی و جغرافیایی/ احمد اقتداری
۳. منابع فوجیانی پیرامون تجارت میان چین و هرمز در سده پانزدهم/ چن‌دا-شن/ ترجمه دکتر جواد عباسی
۴. کاخ زمستانی هخامنشیان در ساحل خلیج فارس/ حسین کیان‌راد
۵. یاد و نام هرمز در شهر ونیز/ دکتر مصطفی ندیم
۶. خلیج فارس از نگاه مسافران اروپایی روزگار صفویان (قسمت اول)/ احمد کامرانی‌فر

۷. اسناد پرتغالی‌ها درباره شرق/ دکتر مسعود مرادی
۸. معین‌التجار بوشهری و احیای تجارت دریایی ایران در خلیج فارس/ حبیب‌الله سعیدی‌نیا
۹. اقیانوس هند، دریاچه پرتغالی/ دکتر محسن جعفری‌مذهب
۱۰. سفرهای دریایی دریانوردان بندر کُنگ از خلیج فارس تا آفریقا و هندوستان/ حسین نوربخش
۱۱. نقش و اهمیت سه بندر «مهروبان»، «سینیز» و «جنابه» در ساحل خلیج فارس/ حسن پرهون
۱۲. بانک شاهی در بوشهر/ دکتر عبدالرسول خیراندیش
۱۳. معرفی چهار کتاب درباره خلیج فارس/ محمد مروار
۱۴. زوال دولت هلند در خلیج فارس با



- ظهور میرمهنا بندر ریگی/ کریم جعفری
۱۵. نقش بصره و بنادر کرانه‌های شمالی خلیج فارس در روابط ایران و عثمانی/ مهدی فتوت
- ### فهرست مطالب دفتر دوم
۱. اهمیت خلیج فارس برای ایرانیان/ دکتر عبدالرسول خیراندیش
 ۲. گستره دریای پارس/ دکتر سید ابوالقاسم فروزانی
 ۳. نام‌گذاری خلیج فارس/ کلیفورد ادموند باسورث/ ترجمه منصور چهارازی
 ۴. چکیده‌های خلیج فارس/ دکتر محسن

- جعفری‌مذهب
۵. خلیج فارس از نگاه مسافران اروپایی روزگار صفویان (قسمت دوم)/ احمد کامرانی‌فر
 ۶. روابط تاریخی ارجان (بهبهان) با بنادر خلیج فارس/ احمد فضلی‌نژاد
 ۷. سفرنامه نثارخوس (بخش نخست)/ ترجمه حسین کیان‌راد و علی‌علی بابایی درمنی
 ۸. حضور ایرانیان در خلیج فارس، اقیانوس هند و دریای چین براساس سفرنامه ابن بطوطه/ یعقوب فراشینی
 ۹. نهضت خلیج فارس‌شناسی/ دکتر حمید اسدپور
 ۱۰. اهمیت بین‌المللی خلیج فارس در سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی/ فاطمه مؤمنی
 ۱۱. شرح حال و نقد آثار محمدعلی خان سدیدالسلطنه/ احمد ملک
 ۱۲. نام خلیج فارس در اطلس‌های تاریخی/ علی کرم‌همدانی
 ۱۳. نخستین منازعه تجاری میان ایران و هلند «حمله به جزیره قشم، ۱۶۴۵م»/ ويلم فلور و محمد فغفوری/ ترجمه اکرم صفایی
 ۱۴. ایران و خلیج فارس/ سید عبدالحسین رییس‌السادات
 ۱۵. منافع بریتانیا در خلیج فارس، مروری بر مناسبات بریتانیا و حکومت زندیه/ ناهید بهزادی
 ۱۶. خلیج فارس، گذشته و امروز آن/ سوات سوساک/ ترجمه حسام‌امیر حمزه
 ۱۷. آخرین سفر دریایی با کشتی بادبانی/ حسین نوربخش
 ۱۸. از گله‌دار تا بوشهر/ کریم جعفری
 ۱۹. رویارویی باقرخان تنگستانی با لشکرکشی‌های انگلیس به بوشهر/ غلامحسین نظامی
 ۲۰. سه اثر از یک مترجم درباره جنوب ایران/ امین جعفری
 ۲۱. معرفی کتاب «جنگ ایران و انگلیس در خرمشهر ۱۲۷۳ هـ. ق- ۱۲۳۵ هـ. ش»؛ یادداشت‌های خانلرمیرزا احتشام‌الدوله/ سوسن اصیلی

فهرست مطالب دفتر سوم

- پیش گفتار/ علی شجاعی صابین
 دیباچه: مجتبی تبریزنیا
 ۱. آب‌های گرم و آزاد دریای پارس؛
 دروازه‌ای گشوده بر جهان/ دکتر
 عبدالرسول خیراندیش
 ۲. خلیج فارس، کهن‌ترین نام جغرافیایی در
 تاریخ و فرهنگ ایران/ حسین نوربخش
 ۳. خلیج فارس، اروندرود و نام‌های
 جغرافیایی ایرانی کشور عراق/ علی اصغر
 فقیهی
 ۴. کانون‌های بازرگانی دریای پارس در
 دوره اشکانی/ دکتر حسین کیان‌راد
 ۵. رابطه ساسانیان با جنوب عربستان از
 دیدگاه‌های ادبی، کتیبه‌شناسی و تاریخ
 شفاهی/ دنیل ت. پاتس/ ترجمه مهرداد
 وحدتی دانشمند
 ۶. حضور ایرانیان در خلیج فارس و
 شبه‌جزیره عربستان/ دکتر تورج دریایی/
 ترجمه دکتر احمد فضلی‌نژاد
 ۷. نگاهی دیگر به کتیبه فارسی باستان
 خارک/ دکتر سیروس نصرالله‌زاده
 ۸. پیشنهادی برای تعیین جایگاه بندر
 باستانی نجیرم براساس متون نوشتاری
 صدر اسلام و مطالعات باستان‌شناختی/
 دکتر محمد اسماعیل اسمعیلی جلودار
 ۹. از گران تا سیراف (نقش مناطق
 پس‌کرانه‌ای در رونق تجارت سیراف)/
 دکتر مجتبی خلیفه و علی اکبری
 ۱۰. میراث ایرانی در بندر «قلهات» عمان/
 دکتر محسن جاوری
 ۱۱. ویژگی‌های بازرگانی خلیج فارس در
 پرتو یافته‌های نوین سکه‌شناسی [در
 سده‌های میانه؛ از اسلام تا صفویه]/
 نیکلاس م. لوویک/ ترجمه دکتر محسن
 جعفری‌مذهب
 ۱۲. خلیج فارس و دریای عمان در روزگار
 فرمان‌روایی سلجوقیان و سلغریان/ دکتر
 سید ابوالقاسم فروزانی
 ۱۳. سهم حکومت‌های محلی سواحل
 خلیج فارس در حمایت از خلافت
 عباسی در نیمه غربی اقیانوس هند
 (سده‌های ۸-۷ هجری قمری)/ دکتر

- علی بحرانی پور و سیده زهرا زارعی
 ۱۴. نقش هرمز در تجارت عصر تیموری/
 دکتر علی رسولی
 ۱۵. اهداف امپراتوری عثمانی در
 خلیج فارس و دریای عمان هم‌زمان با
 شکل‌گیری نظام جهانی (قرن شانزدهم
 میلادی/ دهم هجری قمری)/ دکتر
 نصرالله پورمحمدی املشی
 ۱۶. بندر عباسی در دوره صفوی براساس
 سفرنامه‌های اروپایی/ احمد بازماندگان
 خمیری
 ۱۷. افول بندر عباسی، طلوع بوشهر در
 روابط سیاسی و اقتصادی خلیج فارس
 در قرن هجدهم/ محمد حسن نیا و
 سلمان قاسمیان
 ۱۸. اسنادی از پیشینه تاریخی آل‌مذکور/
 تحقیق و ترجمه علیرضا خلیفه‌زاده
 ۱۹. روسیه، آلمان و فرانسه در خلیج فارس،
 در قرن نوزدهم میلادی/ زهرا مروتی
 ۲۰. خلیج فارس در سفرنامه‌های دوره
 فتح‌علی شاه قاجار/ امین تریان
 ۲۱. نقش اقتصادی گمرک بوشهر در
 رقابت‌های تجاری خلیج فارس در
 نیمه اول قرن سیزدهم هجری (۱۸۷۵-
 ۱۹۲۵م/ ۱۲۹۲-۱۳۴۴ق)/ دکتر
 حبیب‌الله سعیدی نیا
 ۲۲. از بمبئی تا بوشهر؛ بررسی گزارش
 یک شاهد عینی از اوضاع خلیج فارس
 و نواحی اطراف آن در عصر ناصری/
 دکتر جواد عباسی
 ۲۳. صادرات امیرکبیر و ممنوعیت تجارت
 برده در خلیج فارس/ آمنه ابراهیمی
 ۲۴. پرسه سیاسی لردکزن در خلیج فارس،
 در سال ۱۹۰۳م./ دکتر افشین پرتو
 ۲۵. غضنفرالسلطنه برازجانی، مرزبانی از
 ساحل شمالی خلیج فارس، در جنگ
 جهانی اول/ دکتر هیبت‌الله مالکی
 ۲۶. سیری تاریخی بر حاکمیت ایران در
 جزایر سه‌گانه/ ابوالقاسم آخته
 ۲۷. ضرب‌المثل‌های مردم هرمزگان/ احمد
 حبیبی
 ۲۸. چند گفتار در آیین‌ها، باورها و صنایع
 دستی مردم هرمزگان/ سهراب سعیدی

۲۹. مروارید و صید سنتی آن در
 خلیج فارس/ فریده مجیدی خامنه

مجله تاریخ اسلام منتشر شد

سی و نهمین شماره تاریخ اسلام با
 این مطالب منتشر شد:

- * مقایسه ساختار متن قرآن و منابع تاریخی
 در گزارش رویدادهای منتخب عصر
 نبوی/ دکتر محسن الویری/ محمدحسن
 اخلاقی
- * غایت‌مندی تاریخ/ دکتر سید علیرضا
 واسعی
- * بررسی سبک رهبری و روش‌های جلب
 اطاعت پیروان در قیام‌های شیعی دوران
 حکومت امویان/ دکتر نعمت‌الله کرم‌اللهی/
 ابوذر کرم‌اللهی
- * جامعه‌شناسی علم تاریخ و تاریخ‌نگاری
 (طرح، نقد و بررسی نگرش فمینیستی)/
 مجید کافی



تاریخ در منظومه فکر جابری/
 سید محمدعلی نوری

* کتاب «اثر التشیع علی الروایات التاریخیه»؛
 بررسی روش شناختی و اسنادی/ محمد
 غفوری

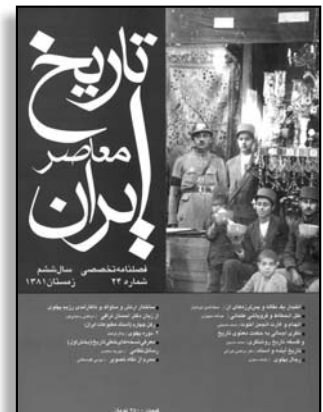
* میراث ناتمام فیض کاشانی برای جهان
 غرب/ دکتر اندرو نیومن/ مترجم: سید
 احمد حسینی

پنجاه و دومین شماره فصل‌نامه تاریخ
 معاصر ایران منتشر شد.

فهرست مطالب این شماره عبارت

است از:

* نقض حقوق مخالفان سیاسی در دوره پهلوی (بحران در دستگاه قضایی، دهشت در زندان)
مظفر شاهی
احزاب بیرونی (غیرپارلمانی) دوره اول مشروطیت / محمد تقی موسوی نیا
شرح رجال پهلوی / فاطمه معزی
حضور قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس در



عصر ناصری / زهرا مروتی
زمینه‌خوانی، سردم‌خوانی (زیباشناسی ادبیات عزاداری آیینی) / علی عابدی
حسینیه صدرالعلمای سجادیان / موسی فقیه‌حقلی
خاطرات فرهنگی و سیاسی یک خاطره‌نگار؛ گفت‌وگو با دکتر سیف‌الله وحیدنیا / مرتضی رسولی‌پور
اسناد

آخرین روزهای سردار اقدس / جلال فرهمند

یادگار افغانستان / محمدرضا بهزادی
گزارش
مرجع عصر و احیاگر موزه، نیم‌نگاهی به آیین رونمایی دو اثر در نجف اشرف

انتشار تاریخ پژوهی

دو شماره ۴۵-۴۴ فصل‌نامه تاریخ پژوهی در یک مجلد منتشر شد. فهرست مطالب این دو شماره عبارت است از:

مقالات

* شورش کردهای ترکیه در آزارات و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و ترکیه / مهدی فرجی
* خواجه عبیدالله احرار و سلاطین تیموری / عبدالرحیم قاضی
* بحثی در فلسفه تاریخ / صادق علاماتی، دکتر خالد فؤاد طحطح
* بررسی حکومت قراقویونلوها در ایران / سید حسن هاشمی
* سیاست‌های تجاری-اقتصادی شاه عباس اول / انور خالندی
* اقدامات سیاسی، نظامی و فرهنگی الله‌وردی‌خان، سپهسالار شاه عباس اول / سمیرا فوائدی
* روابط هارون الرشید و مأمون با روم شرقی (بیزانس) / زینب امیدیان
* واکنش نخبگان سیاسی ایران و تشکیل کمیته ملیون برلن در جنگ جهانی اول / محمدمهدی مشهوری



* پارادوکس قادش پیروزی رامسس بزرگ یا برتری موواتالی دوم؟ / مهدی یاراحمدی
* تصرف آشوراده توسط روسیه / دکتر عباس سرافرازی، زینب ناظریان
* یادای از حماسه‌سازان و شهدای گمنام قیام مسجد گوهرشاد / غلامرضا آذری خاکستر
* ویژگی‌های نگارگری نسخه جامع‌التواریخ / سید محمد مهرنیا
* عملکرد سیاسی خداپرستان سوسیالیست از آغاز تا تشکیل نهضت مقاومت... /

محمدحسن پورقنبر

* چگونگی پیدایش نهضت شعوبیه و تأثیرات فرهنگی و ادبی آن در تمدن اسلامی... / احمدعلی زارعی
* بررسی رابطه ایران و روس در عصر مشروطیت، از نگاه روزنامه حبل‌المتین / محمدرضا علم، پوران منجری

بررسی رمان تاریخی در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

شماره ۱۵۴ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، به بررسی رمان و داستانی تاریخی اختصاص یافته است. برخی مطالب این شماره عبارت است از:
مورخان و رمان تاریخی / حبیب‌الله اسماعیلی
تاریخ‌نگاری نامتعارف، گفت‌وگو با دکتر مرتضی نورایی و دکتر محمد پارسانسب / حبیب‌الله اسماعیلی
داستان تاریخی / احمد شاکری
تعریف و توصیف مختصر رمان تاریخی / کارلوس ماتا ایندورین / نرجس بانو صوری
بازآفرینی خلاقانه تاریخ / رقیه فراهانی فرد
داستان‌هایی از بازنمایی امر واقع / هایدن وایت / شهریار خسروی
تاریخ و روایت / بهزاد کریمی
بازنمایی تاریخ در رمان / حسین حاتمی
فسون قصه و فسانه تاریخ / [مرحوم] مرضیه سلیمانی
سایه شمشیرها / میرهادی حسینی
ذبیح‌الله منصوری؛ نگاهی دیگر / رحیم شبانه



معرفی کتاب

اکرم علیخانی

دبیر تاریخ شهر تهران

در اختطاریه آمده بود: «به پیرمردان و زنان و کودکان توصیه کنید که خود را کنار بکشند، چون ما با قوای کافی آمده‌ایم و چغادک را با خاک یکسان و مجاهدین را از دم توپ می‌گذرانیم».

مؤلف در این قسمت، واکنش‌ها را در دفاع از زنان، هم‌چنین رفتار خانم‌ها را در این موقع حساس، بررسی کرده است.

فصل چهارم: نقش زنان دشتستانی در آفرینش حماسه لرده: لرده هشت مایل از برازجان فاصله دارد و همان جایی است که شیرزنان دشتستانی از جان خویش گذشتند و حماسه‌ای فراموش‌نشده را آفریدند که همگان را شگفت‌زده کرد. پس از به اسارت در آمدن یکی از مبارزان به نام **غضنفر السلطنه** و پراکنده شدن خانواده‌اش، مردان لرده به کمک تفنگچیان دشتستانی آمدند، ولی با وجود دلیری و رشادت آنان، دشمن توانست با تاکتیک‌های خاص، آنان را محاصره و خلع‌سلاح کند. خبر دستگیری مردان به بانوان لرده رسید و اراده و شجاعت و ازجان‌گذشتگی بانوان لرده، حماسه آفرید. نگارنده، ضمن توضیح این حماسه‌آفرینی، نام این زنان و شرح رشادت‌هایشان را آورده است.

زندگانی، افکار و آثار مؤلف فرهنگ نظام سیدعلی محمد داعی‌الاسلام

مؤلف: دکتر مصطفی مجد

انتشارات: علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه، سال ۱۳۸۹

قیمت: ۳۷۰۰۰ ریال، تعداد صفحات: ۱۵۰ صفحه

مجموعه مذکور شامل سه فصل است

فصل اول: معرفی،

بررسی و نقد منابع و

مآخذ: در این فصل مؤلف

به مجلات و کتاب‌هایی

اشاره کرده است که

به زندگی، اندیشه و

افکار سیدمحمدعلی

داعی‌الاسلام نیاکی

از نبرد دلوار تا حماسه لرده (نقش بانوان تنگستانی و دشتستانی در مبارزات ضد استعماری جنوب)

مؤلف: فاطمه مؤمنی

انتشارات: آیین جنوب تهران. چاپ اول. اردیبهشت ۱۳۸۸.

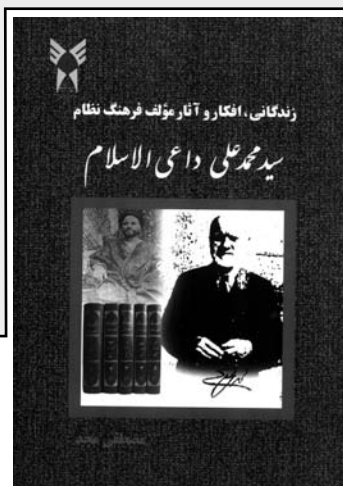
قیمت: ۱۴۰۰ تومان. تعداد صفحات: ۵۶.

بانوان جنوب در زمان اشغال بوشهر توسط نیروهای انگلیسی، با رشادت و ایثار نبرد کردند و توانستند در کنار مردان خویش تأثیرگذار باشند. نویسنده این کتاب کوشیده است با بهره‌گیری از اطلاعاتی که از ورای منابع تاریخی و شفاهی به دست آورده است، جایگاه بانوان تنگستانی و دشتستانی را در نهضت و قیام عشایر جنوب در زمان جنگ جهانی اول روشن کند. مجموعه مذکور شامل چهار فصل است:

فصل اول: نقش بانوان تنگستانی در مبارزات ضد استعماری جنوب: در زمان اشغال بوشهر توسط انگلیسی‌ها، خانم **مزمین السلطنه** در نشریه شکوفه مقالاتی در مورد اشغال اجانب نوشته‌اند. هم‌چنین، مؤلف خاطراتی را در زمینه دفاع و حمایت‌های زنان از شهر در کنار مردان آورده است.

فصل دوم: رفتار مجاهدین جنوب با اسرای زن انگلیسی: واقعه دستگیری و اسارت سرکنسول انگلیس در شیراز با همراهان و اعضای خانواده‌شان توسط ژاندارمری که روابط نزدیکی با سران مجاهد تنگستانی و دشتستانی داشت، پاسخی به عملیات توسعه‌طلبانه انگلیسی‌ها در بوشهر بود. اما خوانین منطقه بوشهر تصمیم گرفتند بانوان انگلیسی را که اسارت آن‌ها از نظر سیاسی امتیازی برای ایران علیه انگلستان محسوب می‌شود، آزاد کنند و این امر نشان‌دهنده غیرت، مردانگی و شرافت آنان بود.

فصل سوم: جنگ چغادک و عقب‌نشینی مجاهدان به مناطق داخلی: بعد از تحویل اسرای زن انگلیسی به سرکنسول مقیم انگلیس در بوشهر، وی اولتیماتومی مبنی بر آمادگی دو هزار نفر برای مقابله با اقدامات مجاهدین و تار و مار کردن آنان برای مجاهدین فرستاد.



پرداخته‌اند؛ به‌ویژه ترجمه کتاب نادرشاه نوشته **سرماتیمیر دیوران** **انگلیسی**. **داعی الاسلام** در سال ۱۹۱۴ م ۱۳۳۰ هجری این ترجمه را به **نواب میریوسف علیخان**، وزیر اعظم ایالت دکن، تقدیم کرده است. در مقدمه کتاب علاوه بر درج اصل و نسب خود، به برخی از دلایل مهاجرتش به هندوستان و انگیزه‌اش در ترجمه کتاب نادرشاه اشاره می‌کند. از دیگر آثار داعی الاسلام، ترجمه بخشی از اوستا به نام وندیداد است. وی از اوستا به عنوان «جدناوسی امروز ما» یاد می‌کند. او می‌گوید مقصود من از ترجمه وندیداد، خدمت علمی، تاریخی و ادبی است که قدیمی‌ترین زبان ایران را به جدیدترین زبان آن آوردم. در سال ۱۳۳۹ هـ ق دولت دکن سیدمحمدعلی داعی الاسلام را مأمور تألیف فرهنگ فارسی کرد و از این زمان، داعی الاسلام به دیدار خویشانش به آمل شتافت و تألیف این فرهنگ را شروع کرد.

فصل دوم: خاستگاه، اصل و نسب زندگانی و اندیشه داعی الاسلام: فصل دوم ابتدا به شرحی از بیوگرافی سیدمحمدعلی داعی الاسلام و آثار او به‌خصوص در زمینه مذهب اسلام و تشیع اشاره کرده و سپس به سال‌های حضورش در هند، افکار و اندیشه‌هایش و سیر تکامل فرهنگ توسط ایشان و چاپ آن در سال ۱۳۰۵ می‌پردازد.

فصل سوم: شعر و شاعری: داعی الاسلام در شعر و شاعری نیز دست داشته است. وی تقریباً لابه‌لای تمام آثارش، اشعاری به‌مناسبت از خود باقی گذاشته است. نگارنده، نمونه‌هایی از غزل‌ها، سروده‌ها، مثنوی و قصیده در مدح **عثمان علیخان**، شاه دکن و مسقط را آورده است.

در انتها، مؤلف پیوست‌ها و تصاویری را ضمیمه کرده است.

سیاست‌های بریتانیا در خلیج فارس (در فاصله دو جنگ جهانی ۱۹۳۹-۱۹۱۸م)

مؤلف: فاطمه مؤمنی

ناشر: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران و بنیاد ایران‌شناسی استان بوشهر

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه، چاپ اول ۱۳۸۷

قیمت: ۲۵۰۰ تومان، تعداد صفحات: ۲۲۷ صفحه

اهمیت سیاسی، اقتصادی و نظامی خلیج فارس و وجود نفت در این منطقه، سبب علاقه بریتانیا به این مکان بوده است. پیروزی این کشور در جنگ جهانی اول، حضورش را در این منطقه افزایش داد و در سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۱۸ م عمده سیاست این کشور حفظ خلیج فارس بود. کتاب مذکور به دنبال نشان دادن موقعیت بریتانیا در خلیج فارس و عوامل چالش نفوذ و قدرت این دولت در فاصله دو جنگ جهانی در این منطقه و شامل پنج فصل است.

فصل اول: سابقه تاریخی شامل دو قسمت:

۱. اهمیت منطقه خلیج فارس از نظر بین‌المللی
۲. اهمیت خلیج فارس در سیاست‌های بریتانیا تا پایان جنگ جهانی اول

فصل دوم: شکل‌گیری قدرت‌های منطقه‌ای و چالش قدرت بریتانیا در خلیج فارس

این فصل وضعیت کشورهای ایران، عراق، عربستان و هند در فاصله سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۱۸ م را تحلیل کرده است. مؤلف در مورد ایران، ابتدا قرارداد ۱۹۱۹ و سرانجام شکست سیاسی بریتانیا در این قرارداد را بررسی کرده است. سپس مشکلات اقتصادی بریتانیا پس از جنگ جهانی اول و تأثیر آن بر سیاست‌های این کشور در ایران را آورده است. در ادامه، فصل موضوعات ادعای ایران در مورد تابعیت اهالی بحرین و مالکیت آن‌جا و اختلاف بریتانیا با ایران در مورد عراق مطرح شده است.

فصل سوم: سیاست بریتانیا در جزایر شمالی خلیج فارس

این فصل شامل دو قسمت است:

- ۱-۳. مروری بر سیاست‌های بریتانیا در جزایر شمالی

خلیج فارس از قرن ۱۹ تا پایان جنگ جهانی اول

- جزایر قشم، هنگام،

سیری

- جزایر تنب و ابوموسی

- دلایل بریتانیا برای نفوذ

در جزایر

۲-۳. سیاست‌های بریتانیا

در جزایر شمالی خلیج فارس

از سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۹ و

عملکرد دولت ایران در قبال

آن‌ها

فصل چهارم: سیاست‌های

بریتانیا در برابر شیخ‌نشین‌های جنوبی خلیج فارس

نویسنده در این فصل، سیاست‌های بریتانیا را در کشورهای

کویت، بحرین، قطر و امارات متحده عربی بررسی کرده است.

فصل پنجم: وضعیت اقتصادی بریتانیا و نفت خلیج فارس

۱-۵. وضعیت اقتصادی بریتانیا در فاصله دو جنگ جهانی

۲-۵. نفت کشورهای خلیج فارس

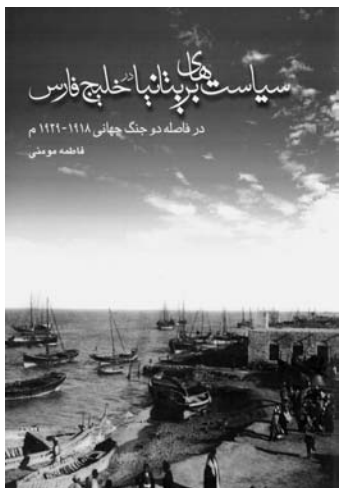
در این فصل، مؤلف تلاش‌های بریتانیا را برای کسب نفت

در کشورهای ایران، عراق، عربستان و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس

تحلیل کرده است.

در آخر، نگارنده از بحث مورد نظر نتیجه‌گیری کرده و خلاصه‌ای

از تاریخ حوادث مربوط به خلیج فارس را آورده است.



تاریخ در پایگاه‌های خبری

کشف یک آرامگاه تاریخی زیر چندین تن زباله

آرامگاه قدیمی از دوران امپراتوری روم متعلق به قرن دوم میلادی در منطقه جمع‌آوری زباله‌های سمی کشف شد. به گزارش فارس، گشت پلیس شهر ناپل، در محل دپوی زباله‌های شیمیایی حومه این شهر، به صورت اتفاقی تونلی مرمری و زیرزمینی را در زیر ۶۰ تن زباله کشف کرد که به آرامگاهی رومی منتهی می‌شد.

این آرامگاه در مجاورت برجی متعلق به قرن هفدهم که آن هم بخشی از این زباله‌دانی شهری بوده، قرار داشته است. اگرچه این آرامگاه بسیار زیبا و سالم، پس از حضور باستان‌شناسان مورد بررسی قرار گرفت، اما هم‌چنان کارشناسان درصدد کشف صاحب یا صاحبان این مقبره بودند و از سویی دیگر نیز به دلیل انباشت غیرقانونی مواد شیمیایی در این منطقه، به دنبال دریافت غرامت از عاملان این کار هستند.



ایتالیایی‌ها تولد شهر «رم» را جشن گرفتند

ایتالیایی‌ها سالگرد تأسیس «دو هزار و هفتصد و شصت و چهارمین» سالروز شهر تاریخی «رم» را جشن گرفتند. به گزارش ایسنا، مردم شهر تاریخی

«رم»، پایتخت «ایتالیا»، با حضور در کنار بناهای تاریخی مشهورشان از جمله «کلزیوم»، سالگرد تأسیس این شهر را جشن گرفتند. این درحالی است که دولت ایتالیا با کاهش بودجه فرهنگی این کشور دست به گریبان بوده و به دنبال حامی مالی برای مرمت آثار تاریخی شهر رم به‌ویژه بنای مشهور کلزیوم است که قدمتی چند هزار ساله و گنجایش ۵۰ هزار تماشاگر را دارد.

شهر تاریخی «رم» که کشور «واتیکان»



را نیز در خود جای داده است، به دلیل بهره بردن از آثار تاریخی متعدد، در سال ۲۰۱۰ به‌عنوان سومین مقصد گردشگری «اروپا» و نخستین منطقه گردشگری «ایتالیا» شناخته شد.

پایگاه میراث فرهنگی ری باستان در تپه میل راه‌اندازی شد

فعالیت پایگاه میراث فرهنگی ری باستان با اتمام طرح‌های عمرانی، مرمتی و احداث زیرساخت‌های گردشگری در تپه میل، در این بنای منسوب به عصر ساسانی آغاز شد.

به گزارش گروه فرهنگی ایرنا، مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران با اعلام این خبر، ایجاد مسیر دسترسی، احداث پوشش سقف،

محوطه‌سازی، سامان‌دهی سفال‌های مکشوفه در کاوش‌های باستان‌شناسی تپه‌میل، تأسیس موزه در کنار این اثر، احداث نمازخانه و سرویس‌های بهداشتی را از جمله اقدامات عمرانی و مرمتی در این بنای تاریخی عنوان کرد.

افزایش مومیایی‌های قلبی کرمان / مومیایی «گلباف» مرد نمکی بود

خبرگزاری مهر: در حالی برای سومین بار طی سال گذشته، جسد مومیایی کشف شده در کرمان قلبی از آب درآمد که قاچاقچیان بین‌المللی قصد خارج کردن آن را از کشور داشتند.

به گزارش خبرنگار مهر در کرمان، استان تاریخی کرمان طی یک سال گذشته، در حالی شاهد کشف سومین مومیایی قلبی در هنگام معامله قاچاقچیان بین‌المللی



عتیقه است که طبق نظر کارشناسان میراث فرهنگی، اصولاً مومیایی کردن اجساد در فرهنگ ایرانیان باستان جایگاهی ندارد و این نوع روش تدفین به برخی تمدن‌ها از جمله تمدن مصر منحصر است.

ایجاد نخستین موزه زیر آب کشور در سد سیمره

خبرگزاری فارس: سرپرست دانشکده باستان‌شناسی گفت: آب، حافظ آثار سد سیمره است. می‌توانیم در آینده با

بهره‌گیری از الگوی جهانی شهر اسکندریه برای نخستین بار، تجربه ایجاد موزه زیر آب را در کشور محک بزیم.

به گزارش خبرگزاری فارس، **محمود میراسکندری** با بیان این که برخی اشیا و بناهای باقی مانده در سیمره به سبب وسعت یا فرسودگی قابل انتقال نیستند و نمی‌توانیم آن‌ها را از آب خارج کنیم، گفت: این آثار همگی مستندنگاری شده‌اند و اطلاعاتشان موجود است. سال ۸۵ نخستین فعالیت پژوهشکده باستان‌شناسی در محوطه سد سیمره آغاز و ۱۰۲ محوطه تاریخی شناسایی شدند.

وی با بیان این که در سال ۸۷ نیز سه محوطه که همگی در حوزه آبرگیری سد قرار داشتند، گمانه‌زنی شد، افزود: آخرین تفاهم‌نامه پژوهشکده باستان‌شناسی با شرکت «آب و نیروی ایران»، سال ۸۸ امضا شده است و تا امروز ادامه دارد.

میراسکندری گفت: آثار به دست آمده هزاره اول میلاد تا دوران ساسانی را شامل می‌شوند و در میان یافته‌ها آثاری نیز یافت می‌شود که در دوره اسلامی تغییر کاربری داده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

ایران صاحب حرفه‌ای‌ترین اسکندر اشیای تاریخی در جهان شد

خبرگزاری فارس: مدیرکل موزه ملی ایران از عقد قرارداد با دانشگاه کیوتو ژاپن برای انتقال رایگان حرفه‌ای‌ترین اسکندر اشیای تاریخی در جهان به ایران که حداقل ۵۰۰ میلیون تومان قیمت دارد، خبر داد.

آزاده اردکانی در گفت‌وگو با خبرنگار جامعه فارس درباره این قرارداد همکاری با دانشگاه ژاپن اظهار داشت: اوایل فروردین ماه امسال، موزه ملی ایران قراردادی پنج‌ساله را با بخش شرق‌شناسی دانشگاه کیوتو ژاپن به امضا رساند.

وی با تأکید بر این که براساس این قرارداد، برای نخستین بار در تاریخ ایران، از یک ماشین فوق حرفه‌ای و پیشرفته برای عکس‌برداری از اشیای تاریخی استفاده خواهد شد، گفت: این دستگاه که سی‌دی اسکنر لیزر نام دارد، با کمک لیزر، عکس‌های سه‌بعدی از اشیای تاریخی می‌گیرد.

کشف فسیل ۲۶۰ میلیون ساله با آرایش دندانی عجیب در برزیل

خبرگزاری فارس: محققان برزیلی یک گونه فسیلی ۲۶۰ میلیون ساله با آرایش دندانی عجیب و غریب کشف کرده‌اند.



به گزارش باشگاه خبری فارس «توانا»، این گونه جدید، کمی بزرگ‌تر از خوک وحشی و از اعضای گروهی منقرض‌شده از خزندگان شبیه پستان‌داران به نام «تراپسید» هاست که فراوان‌ترین نوع چهارپا در طول دوره «پرمین» بوده است.

دیرینه‌شناسان این فسیل را در جنوب برزیل در نزدیکی مرزهای آرژانتین و اروگوئه کشف کرده‌اند؛ این فسیل در شماره اخیر مجله علوم توصیف شده است.

به گزارش نیویورک تایمز، این گونه پیوزه کوتاه هم‌چنین دارای دندان‌های بالا و پایین متناسب مانند دندان انسان است که به او اجازه جویدن به سهولت را می‌دهد؛ مجموعه دندان‌هایش تا وسط دهان امتداد دارد و دندان نیشی دارد که

هرگز برای خوردن گوشت مورد استفاده قرار نگرفته است.

یک دیرینه‌شناس دانشگاه فدرال «پئاتو» گفت: در آن زمان، این مسئله در حیوانات بسیار غیر معمول بوده است.

کشف هشت میلیون سگ مومیایی شده در «مصر»

بقایای هشت میلیون سگ مومیایی شده در تونلی در «مصر» کشف شد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان (ایسنا) باستان‌شناسانی از کشورهای اروپایی، در تونل‌های پرپیچ‌وخم قبرستان تاریخی «ساکارا» در کشور مصر، موفق به کشف در حدود هشت میلیون سگ مومیایی شدند.

به گزارش پست هریرانز، کاوش‌های باستان‌شناسان در تونل‌های قبرستان ساکارا در نزدیکی هرم مشهور «جیزه»، منجر به کشف تونلی مملو از میلیون‌ها سگ



مومیایی منجر شده که زمان کمی پس از تولد، برای خدای مرگ مصریان باستان، «آنوبیس»، قربانی شده‌اند.

البته در این تونل، مومیایی‌هایی از دیگر حیواناتی مثل گربه، شاهین، شغال، روباه، گاو و میمون نیز کشف شده‌اند.

کشف تصلب شریان در مومیایی‌ها/ بیماری‌های قلبی ویژه انسان‌های امروزی نیست

گروهی از دانشمندان آمریکایی و مصری، با بررسی اجساد مومیایی شده مصری دریافتند، با وجود سبک زندگی سالم در ۳۵۰۰ سال قبل، مصریان باستان نیز از بیماری تصلب شریانی رنج می‌بردند. به گزارش خبرگزاری مهر، گروهی از دانشمندان به سرپرستی جورج توماس از دانشگاه کالیفرنیا و عادل اعلم از مدرسه پزشکی الازهر در قاهره، تحقیقاتی را درخصوص تصلب شریانی و بیماری‌های قلبی عروقی انجام دادند.

درحقیقت تاکنون اعتقاد بر این بود که سبک زندگی مدرن، رژیم غذایی نامناسب و استرس‌های زندگی‌های روزمره، سبب حملات قلبی و سکته می‌شود. این درحالی‌است که این دانشمندان با بررسی ۵۲ نمونه مومیایی مربوط به مصر باستان دریافتند که حتی انسان‌های دنیای قدیم نیز با وجود سبک زندگی سالم، از این بیماری رنج می‌بردند.



تجلیل از پیشکسوتان علم تاریخ در جشنواره ملی ابن مسکویه

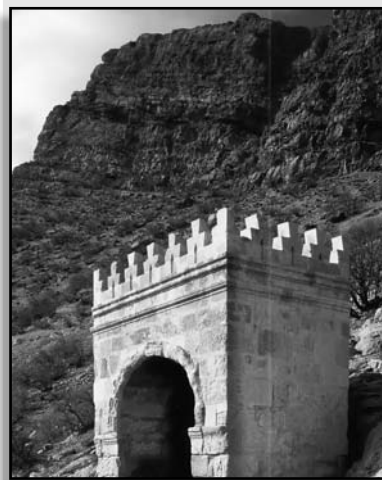
نخستین دوره جشنواره ملی ابن مسکویه ویژه دانش تاریخ، با تجلیل از پیشکسوتان این علم و برگزیدگان آن در بنیاد ایران‌شناسی برگزار شد.

دکتر محمدرضا بارانی دبیر جشنواره، در این مراسم با اشاره به این‌که تاکنون چنین جشنواره‌ای در ایران برگزار نشده است، گفت: انگیزه اصلی برگزارکنندگان این جشنواره، شناسایی روزی بود که

در کنار تجلیل از پژوهشگران، در تقویم به‌عنوان روز تاریخ شناخته شود. در این بین، ابن مسکویه انتخاب شد، چون شخصیت جامع‌الاطرافی دارد و علاوه بر مورخ بودن، در زمینه‌های دیگر هم دستی بر آتش داشته است. هم‌چنان‌که در دوران کنونی هم باید به علوم بین‌رشته‌ای توجه داشته باشیم، این مورخ به دانش اخلاق توجه داشت و ایرانی و شیعه بود. در پایان این جشنواره، از دکتر **ابوالقاسم امامی** و دکتر **احسان اشراقی** به‌عنوان پیشکسوتان علم تاریخ ایران تجلیل شد.

طاق شیرین و فرهاد

ایلام و ایوان غرب، سال‌هاست میزبان بنایی از دوران ساسانیان هستند که نماد فداکاری و آرامش‌خواهی فرهاد برای شیرین لقب گرفته است. طاق سنگی زیبایی که در شمال غربی استان قرار دارد و طبق روایات شفاهی در موقع گذر شیرین و فرهاد از این منطقه، برای استراحت بنا شده است. نقل است که فرهاد در کمتر از یک روز این بنا را برای آسایش شیرین برپا کرد. طاق شیرین و فرهاد اولین بار در سال ۱۳۷۹ طی برنامه‌ای پژوهشی و مرمتی از زیر خاک بیرون آمد. اساس این بنا را طاقی سنگی با پلانی مربع شکل تشکیل می‌دهد که به دلیل وجود یک اتاقک نیمه‌زیرزمینی



در آن، به نام طاق خوانده می‌شود. طاق شیرین و فرهاد تماماً از سنگ‌های حجیم تراش‌خورده تشکیل شده که به صورت خشکه چین و بدون ملاط و به‌صورت رج‌رج روی هم قرار گرفته‌اند. برش دادن تپه هم به خاطر وضعیت ساخت بنا و عدم ریزش آن بوده است. تغییر حالت پشت‌بام طاق از هلالی به حالت مسطح و یکنواخت، مهم‌ترین تفاوت این بنا با طاق‌های دیگر است که شیوه معماری آن را منحصر به فرد می‌کند.

کشف اولین فیلم‌های مظفرالدین‌شاه در کشوی یک میز

خبرگزاری فارس: ۲۳ حلقه فیلم از زمان مظفرالدین‌شاه، در کشوی یک میز در کاخ گلستان پیدا شد.

مسعود شریفی، مدیر کاخ موزه گلستان، امروز در نشست خبری ضمن اعلام کشف ۲۳ حلقه فیلم از زمان



مظفرالدین‌شاه در کشوی یک میز در این مجموعه تاریخی اظهار داشت: پس از پیدا شدن این فیلم‌ها توسط یکی از کارشناسان موزه، موضوع به رییس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری اعلام شد.

در حدود ۴۹ هزار سال پیش کشته شده بودند.

به گزارش خبرگزاری فارس، این اسکلت‌ها که در غاری در منطقه آستوریاس واقع در جنوب اسپانیا کشف



شده‌اند، نشانه‌هایی دارند که به وضوح ثابت می‌کنند این افراد توسط گروهی از هم‌سن‌وسالان و هم‌نوعان خود کشته و خورده شده‌اند.

اگرچه این استخوان‌ها از غار کشف شد، اما باستان‌شناسان احتمال می‌دهند که این افراد پیش از آن‌که به درون غار منتقل شوند، روی زمین زندگی کرده و مرده‌اند.

کار لالونزا، سرپرست تیم باستان‌شناسی گفت: همه شواهد و قرائن به دست آمده گواهِ بر آن است که در این مکان آدم‌خواری رخ داده است. اجساد تکه‌تکه شده که قربانیان مراسمی وحشتناک بوده‌اند.

کشف یک نسخه قدیمی از قرآن در چین

یک نسخه قدیمی از قرآن کریم در استان مسلمان‌نشین دونگ‌شیانگ واقع در شمال غربی چین کشف شد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از خبرگزاری شینهوا، این نسخه کشف شده یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های قرآن در چین به‌شمار می‌رود که احتمال می‌رود قدمت آن به قرن ۱۱ میلادی برگردد. شینهوا به نقل از هیئت محلی آثار تاریخی چین نوشت، این نسخه یافت شده به زبان عربی و دارای ۵۳۶ صفحه است. در این قرآن از اوراق سمرقندی که از شهر

بوده و از تاراج دزدان مقبره در امان مانده است.

به گزارش دیسکآوری، تا به حال در این مقبره که باستان‌شناسان هنوز به تعیین دقیق قدمت آن موفق نشده‌اند، آثار تاریخی متعدد شامل سلاح، ظرف‌های سرامیکی منقوش، جواهرات و استخوان‌های شش کودک که احتمالاً در جریان مراسم خاک‌سپاری امپراتور مایا قربانی شده‌اند، کشف شده است.



کشف معبد دو هزار ساله در سوریه

به گزارش خبرگزاری فارس، مقامات سوریه اعلام کردند، در حفاری‌هایی که به‌تازگی انجام شده است، در جنوب و فاصله ۱۰۶ کیلومتری دمشق، معبد تخریب‌شده‌ای کشف شده است که باستان‌شناسان معتقدند به دوران ۱۶۹ سال قبل از تولد حضرت مسیح تعلق داشته است.

یاسر شاعر، باستان‌شناس این تیم کاوشی گفت: این معبد روی یک معبد تخریب‌شده زمان قبل از دوران کلیمی‌ها ساخته شده است. این حفاری‌ها در کف معبد، آثاری از دوران اسلامی را نیز نشان می‌دهد. هم‌چنین، برخی از کنده‌کاری‌های این معبد مربوط به دوران اسلام هستند.

کشف نشانه‌هایی از آدم‌خواری در اسپانیا

خبرگزاری فارس: باستان‌شناسان در اسپانیا بقایای اجساد خانواده‌ای ۱۲ نفری از ناندرتال‌ها را کشف کردند که

کشف دیوار شهری ۲۰۰ ساله در ویتنام

خبرگزاری فارس: گروهی از باستان‌شناسان در ویتنام موفق به کشف بقایایی از دیواری ۲۰۰ ساله به طول ۷۹ مایل شدند.

به گزارش خبرگزاری فارس، این دیوار ارتفاعی ۱۳ فوتی داشته و به گفته باستان‌شناسان اگرچه در مقایسه با دیوار بزرگ چین، کوچک‌تر بودند، اما یکی از بزرگ‌ترین سازه‌های مهندسی سلسله امپراتوری انگویان در ویتنام به‌شمار می‌رفتند.

به عقیده یکی از مورخان ویتنامی این دیوار که شباهت زیادی به دیوار بزرگ قرن نوزدهمی کوانگ‌انگای این کشور دارد، از طولانی‌ترین بناهای موجود در جنوب شرقی آسیا نیز به‌شمار می‌رود.

این دیوار که «دیوار طولانی» نام دارد، در ابتدای سال ۱۸۱۹ و در امتداد یک جاده احداث شد و بیش از ۵۰ دژ و قلعه نیز در طول آن قرار داشتند. به گفته محققان، این دیوار، تجارت و مسافرت قبایل مختلف موجود در ویتنام را که در دو سوی آن قرار داشتند، کنترل می‌کرد. مقامات فرهنگی ویتنام امیدوارند پس از بازسازی بخش‌هایی از این دیوار، آن را به یکی از جاذبه‌های گردشگری این کشور تبدیل کنند.

کشف مقبره یک امپراتور مایا در گوآتمالا

مقبره دست‌نخورده یک امپراتور «مایا» در گوآتمالا کشف شد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، روز گذشته باستان‌شناسان آمریکایی در جریان کاوش‌های خود در منطقه تاریخی «الزوتز» کشور گوآتمالا موفق به کشف مقبره یک امپراتور مایا شدند که در زمان کشف دست‌نخورده

سمرقند به چین برده شده بود، استفاده شده است.

کشف یک سکونتگاه از «عصر آهن» در عمان

یک سکونتگاه از «عصر آهن» به همراه صدها اثر تاریخی در عمان کشف شد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، باستان‌شناسان عمانی در جریان کاوش‌های خود در منطقه بندر «سوهار» این کشور، سکونتگاهی از «عصر آهن» را به همراه آثار تاریخی دیگری از جمله ۵۷ قبر کشف کردند که درون یکی از آن‌ها استخوان‌ها و دندان‌های یک اسب وجود دارد.

به گزارش عرب نیوز، وزارت میراث و فرهنگ عمان قصد دارد با تقسیم محوطه تاریخی محل کشف این آثار به پنج بخش، یک پروژه کاوش بین‌المللی را با حضور باستان‌شناسانی از کشورهای جهان آغاز کند.

مغزی مربوط به ۲۵۰۰ سال پیش!

باستان‌شناسان بر این باورند که توانسته‌اند یکی از قدیمی‌ترین مغزهای جهان را که به یک انسان عصر آهن تعلق دارد، کشف کنند.

به گزارش ایسنا، دانشمندان هنگامی که یک منطقه را برای ساخت محوطه دانشگاه نیویورک حفاری می‌کردند، این مجموعه را در یک گودال پر از گل یافتند. با بررسی بیشتر مجموعه، آن‌ها با بافت نرم یک مغز ۲۵۰۰ ساله روبه‌رو شدند که سالم باقی مانده بود.



شکستگی‌ها و نشانه‌های روی استخوان سر نشان می‌دهد که این انسان بین ۲۶ تا ۴۵ سال سن داشته، احتمالاً اعدام شده و سرش پس از بریده شدن، به‌طور جداگانه دفن شده است.

دانشمندان شگفت‌زده هستند از این که بافت مغزی که به‌طور معمول پس از چند سال فاسد می‌شود، پس از گذشت چند قرن، هنوز سالم مانده است. متخصصان مؤسسه باستان‌شناسی

دانشگاه نیویورک، چندی پیش از سوی دانشگاه برای حفاری اکتشافی این منطقه فراخوانده شدند تا پیش از شروع عملیات ساخت محوطه دانشگاه، این محل را جست‌وجو کنند.

آن‌ها این مجموعه را به‌صورت جداگانه درحالی که به‌صورت رو به پایین روی خاک ماسه‌ای غنی از مواد آلی قرار داشت، پیدا کردند.

این دانشگاه تیمی از دانشمندان، باستان‌شناسان، شیمی‌دانان و باستان‌شناسان زیستی و هم‌چنین متخصصان اعصاب را برای تحقیق در مورد چگونگی سالم ماندن بافت مغز این انسان به‌کار گمارده است.

این تیم هم‌چنین، چگونگی مرگ این



انسان و شیوه دفن او را که ممکن است با سالم ماندن بافت نرم مغزی در ارتباط باشد، بررسی می‌کنند.

تسلیت

استاد فرزانه جناب آقای دکتر عطاءالله حسینی

درگذشت مادر گرامی تان را تسلیت می‌گوییم و برای آن مرحومه از درگاه احدیت آمرزش مسئلت داریم.

هیئت تحریریه مجله

تهنیت

مطلع شدیم که همکارمان خانم زهرا مروتی، دبیر تاریخ منطقه ۱۹ شهر تهران، معلم نمونه کشوری شده‌اند. به ایشان و خانواده محترمشان تبریک می‌گوییم و استمرار توفیق‌هایشان را آرزو مندیم.

همایش زیاریان

به قرار اطلاع در شش ماهه دوم سال ۱۳۹۰، همایشی با عنوان «زیاریان در سرزمین گرگان»، در شهرهای گرگان و گنبدکاووس برگزار خواهد شد.